



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



تالیف: شہید ڈاکٹر سید رضا پاکیزاد

جلد سی و ہفت

اولین دانشگاہ

و آخرین پیامبر

از دواج مکتب انسان سازی (۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

نویسنده:

رضا پاک نژاد

ناشر چاپی:

اسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جلد ۳۷
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	ستایش
۲۵	آمیزش مادی و آمیزش معنوی (حیوانی و انسانی)
۳۲	تعریف قدرت جنسی
۳۸	دگرگونیهای اعضاء تناسلی
۳۹	ناتوانی چشمی
۶۵	متفرقه
۷۱	قدرت دفاعی تعیین جنس
۷۶	جنس جنین
۸۱	رفع اشتباه قبلی
۸۲	آب مرد و زن
۸۳	پیشگویی جنس جنین
۸۷	پدر مقصر است
۹۰	دختر یا پسر خواستن
۹۹	اگر انتخاب بدست بشر باشد
۱۰۲	تلقیح مصنوعی
۱۰۴	تغییر جنسیت در اسلام
۱۱۴	تشخیص بارداری
۱۱۷	مرتجع کیست؟
۱۲۸	زمان بارداری چه باید کرد
۱۲۹	قبل از زایمان

۱۳۸	شستشو
۱۴۲	سیگار و بارداری
۱۴۵	بارداری و الکل
۱۴۶	بارداری و قالی بافی
۱۴۷	قلب باردار
۱۴۸	وزن مادر در دوره آبستنی
۱۵۰	تعیین غذا در صلاحیت پیامبران
۱۵۹	مغز و جنس و غذا
۱۶۸	معاینه پزشکی
۱۶۹	مراقبت های قبل از زایمان
۱۷۱	دستورات لازمه
۱۷۲	چند دستور برای بارداری
۱۷۸	قبل از زایمان
۱۷۹	جنین در رحم
۱۸۲	انعقاد نطفه برای داشتن فرزندی شایسته
۱۸۵	فساد نسل
۱۸۷	نسل شایسته و نسل بدآموز
۱۹۰	برهنگی در خانه
۱۹۷	نازالی زن
۲۰۱	قاعدگی بعد از زایمان
۲۰۲	رحم مصنوعی
۲۰۳	عروسی واقعی و عروسی حقیقی
۲۰۴	بکرزائی
۲۰۵	بائسگی
۲۰۷	روز تولد
۲۰۸	زایمان

۲۰۹ ----- جشنی برای دختر

۲۱۰ ----- متفرقه

۲۱۳ ----- مربوط به قسمت صداق و مهر

۲۱۴ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: پاک نژاد، رضا، ۱۳۰۳ - ۱۳۶۰.

عنوان و نام پدیدآور: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم / از رضا پاک نژاد.

وضعیت ویراست: ویراست ۲.

مشخصات نشر: تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۰ -

مشخصات ظاهری: ۴۰ ج.

شابک: ۲۲۰ ریال (ج. ۲)؛ ۱۸۰ ریال (ج. ۱۹)؛ ۱۸۰ ریال (ج. ۲۰)؛ ۸۰ ریال (ج. ۷، چاپ ؟)؛ ۸۰ ریال (ج. ۱، چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری

یادداشت: فهرستنویسی براساس جلد دوم، ۱۳۶۳.

یادداشت: چاپ سوم: ج. ۱: ۱۳۸۸ (فیا)

یادداشت: چاپ چهارم.

یادداشت: ج. ۷ (چاپ ؟): ۱۳۵۴.

یادداشت: ج. ۱ (چاپ سوم): ۱۳۴۹.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: اسلام و علوم

موضوع: اسلام و بهداشت

موضوع: اسلام و مسائل اجتماعی

رده بندی کنگره: BP۲۳۲/پ۲ الف ۸ ۱۳۶۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۵



شماره کتابشناسی ملی : م ۶۳-۲۸۴۰

مبسوطی از رساله دکترا که با درجه ممتاز گذشته و اینک به نام

اولین دانشگاه و آخرین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

از دکتر سید رضا پاک نژاد

جلد سی و پنج : ازدواج مکتب انسان سازی (۳)

(بحثی از تولد - دگرگونیهای اعضاء تناسلی - بارداری و قالی بافی)

تقدیم میگردد.

ص: ۱

**اشاره**





ص: ۴

تولد

شهید سعید دکتر سید رضا پاک نژاد

مبسوطی از رساله دکترا که با درجه ممتاز گذشته و اینک.

بنام

اولین دانشگاه و آخرین پیامبر

جلد ۳۷

ازدواج مکتب انسان سازی. (۳) تولد

دکتر سید رضا پاک نژاد

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم بکسانیکه نه از دانشمندان لادینند و نه از دینداران جاهل

دانشمندان لادین که رابطه انسان و طبیعت را غرور آمیز کرده اما رابطه انسان و انسان را تیره ساخته اند و دینداران جاهل که از آن غرور بی بهره اند و در این تیرگی سهمیم و در اسلام که هم به دانشمندان بی دین حمار گفته شده است و هم به دینداران جاهل (۱)

و ستمکارتر از همه مشرک، که معبود خود را آنقدر پائین می آورد و تا حد انسانی با یکی از ساخته های دست انسانی در صورتیکه خدا می خواهد انسان آنقدر بالا برود تا مثل ذات مقدسش گردد (مشرک خدای را پائین می کشد و خدای انسان را بالا- میبرد) به بیان دیگر انسان در سه جنگی که دارد (جنگ انسان یا طبیعت - جنگ انسان با انسان - جنگ انسان با خویشتن) در اولی نسبتاً فائق آمده در دومی مشغول و در سومی شکست خورده است (۲)

- ۱- در سوره جمعه دانشمند بی دین را خری بحساب آورده که کتابهای منسوب به خود را حمل مینماید و علی علیه السلام متعبد بلاعلم را حمار طاحونه معرفی می فرماید که همی چرخیده و سرانجام به همانجا رسیده که شروع کرده است.
- ۲- تنها کسانی که جنگ چهارم (جنگ انسان با خدا) هم دارند؛ آنها که با بیگانگان دوستی و برای آنها جاسوسی میکنند و دوستی اشان به مسلمانان زیان می رساند و رباخواران از اینقرار عمال بیگانه در جنگ با خدا جبهه گیری کرده اند و رباخوران در مبارزه اند (شرح در آغاز جلد ۲۲)

توحید خالصی که اندیشه های عالمانه روز آنرا میطلبد و در انحصار مسلمانان است (۱) مسلمانانی که هم در مرحله عقیده ایمان بخدا دارند و هم در مرحله عمل خدا را عبادت میکنند (۲)

درود

درود بر دوازده جانشین ایشان بویژه بر تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی پیشوای وقت و امام زمان حضرت حجه بن الحسن العسکری - محمد مهدی - ارواحنا فداه (۳)

---

۱- شرح مبسوط در جلد اول چاپ چهارم بعد که خلاصه آن چنین است: از هر کس سؤال شود ترا که خلق کرد میگوید خدا اما در مرحله عمل محسوسات را عبادت کرده و احترام میگذارد از قبیل بت، آتش، گاو و ... یعنی همه در مرحله اعتقاد میگویند خدا و چون به عمل رسید به غیر خدا متوجهند جز مسلمانان که اعتقادشان بقرب است و نماز و هر عبادتشان نیز متوجه به غیب (خدا)

۲- شرح مبسوط در جلد اول چاپ چهارم بعد که خلاصه آن چنین است: از هر کس سؤال شود ترا که خلق کرد میگوید خدا اما در مرحله عمل محسوسات را عبادت کرده و احترام میگذارد از قبیل بت، آتش، گاو و ... یعنی همه در مرحله اعتقاد میگویند خدا و چون به عمل رسید به غیر خدا متوجهند جز مسلمانان که اعتقادشان بقرب است و نماز و هر عبادتشان نیز متوجه به غیب (خدا)

۳- شرح در ابتدای جلد هشتم.

چون خبر درگذشت مالک اشتر به حضرت علی رسید بمنبر رفت گریه کرد، درباره اش طلب مغفرت نمود و سخنانی فرمود تا آنجا که:

مگر این اجتماع می تواند مالکی بپرورد و ...

قبل از انعقاد نطفه، پدر و مادر خوب و از انعقاد نطفه تا تولد، مادر و پدر خوب و از تولد تا مرگ معلم و والدین خوب لازم است تا نسل مورد پسند حضرت علی صلوات الله و سلامه علیه را آنچنانکه فرمود بتوان داشت و از این قرار:

بزرگترین خدمتی که میتوان بفرزند خود نمود انتخاب همسری شایسته و معلمی صالح است.

کنار حجله وصلت و گوشه زایشگاه یگانگی و مصالح ساختمان روح انسانیت بر حیوانات توسط پدر و مادر و مخصوصا مادر تهیه و بوسیله معلم تکمیل می گردد.

گذشتگان گرفتار عملهای خودند و آیندگان (نسل) گرفتار عملهای ما، لذا مسئولیت هر کس در برابر نسل روشن میباشد یعنی هر آنچه امروز اتفاق میافتد نتیجه غیرقابل اجتناب آنست که دیروز اتفاق افتاده و فردا نیز در گرو اتفاقات امروز آنست.

انا نحن نحیی الموتی و نکتب ما قدموا و آثارهم - قرآن

مضمون آیه شریفه:

هر مرده ای را خدا زنده میکند و چون زنده شد آنچه را جلوتر (از خوب و بد) فرستاده به او میدهند (ماقدموا) و آنچه را بجای گذارده (آثارهم) از خوب باشد یا بد همه را بعدها برایش میفرستد و نبی خاتم بهترین آثار را در نسل صالح، کتاب خوب، آبی که سرآغاز پیدایش حیات و آبادی و صدقه جاریه و آسایش است معرفی فرموده اند که پس از مرگ هر چه مردم را به رشد رساننده و کمال داده به صاحبش نیز میرسد بلکه عمل صالح هر عملی است که انجامش در جهت رفاه و آسایش مردم صلاح است.

همیشه مردم به زبان علم بازگو کننده سخنان پیامبرانند و ارزش زبان علم اینکه گر خدا ارزنده تر از دین چیزی داشت آنرا بوسیله پیامبرانش به مردم ارمغان میفرستاد.



لطفاً قبل از شروع به مطالعه این کتاب به تذکری که مؤلف شهید در جلد ۳ داده توجه نموده و شروع به مطالعه کتاب نمائید.

آنچه که مورد نظر مؤلف شهید می باشد، ایجاد نسلی سالم و مذهبی است.

تذکر از صفحه ۴۳ کتاب

«علاوه بر اینکه هر کس در انجام کارهای خداپسندانه یا فسق و فجور دیگری را راهنمایی کند یا یاری دهد در آن ثواب و عقابها شریک خواهد بود یک اصل کلی در اسلام برای استمرار اعمال صالحه و کارهای آلوده و زشت اینست که اگر کسی وضعی بوجود آورد که پس از مرگش عمل صالحی ادامه یافت یا فسق و فجوری استمرار پیدا کرد همان متوفی در آن شریک و سهیم خواهد بود مثلاً عمارتی ساخت که در آن روان یا جسم مردم به حیات بخشی و ارتقاء نائل آمد و ثوابی برسد و صوابی عمل شود یا برعکس در آن رنج و شکنجه ببیند و عذابی برسد و آلودگی پدید آید برای آن مدت که آن عمارت برپاست عاقبت و عقوبت آن به او خواهد رسید و هم اکنون باید بگویم آنچه مطلب در جلدهای قبل و بعد و جلد حاضر آورده و خواهم آورد چنانچه در راه انجام کارهای غیر مشروع مورد استفاده قرار گیرد و در نتیجه در زمان حاضر و بعدها سهمی و بهره ای از گناه داشته باشد هم اکنون تنفر و انزجار خود را اعلام می دارم و عدم رضایت از آنچه آورده ام اظهار می نمایم».

فهرستی از آنچه مربوط به ازدواج است

برخی از آنچه مربوط به ازدواج است تا زمانی که آمیزش پیش آید شرح دادم و بعضی را که گفته نشد اینک فهرستی از کلیه آورده میشود تا نوشته نشده ها معلوم گردد.

عزب ماندن و ازدواج نکردن کراهت دارد و در صورتیکه بدون همسر بودن سبب آلوده شدن بگناه میگردد. ازدواج نیز واجب میشود.

دوستی نسبت به زن و لذت زندگی ناشی از آن ممدوح و افراط در دوست داشتن زنان مکروه میباشد.

دختری که بهمسری برگزیده میشود یا پسری که انتخاب میگردد باید دارای صفاتی باشند که مقدم بر همه ایمان است یعنی اگر ایمان داشتند تمام صفات حمیده را در سایه ایمان به نسبت قدرت ایمان خواهند داشت.

دختر به فاسق و فاجر و مخصوصا به شرابخوار دادن گناه است. که علت آنرا در جلد هفتم شرح دادم.

همسری از سادات و ذریه رسولخدا داشتن مستحب و موجب افتخار است.

کسیکه از ترس فقر ازدواج نکند نسبت به خدای خود گمان خوب

نبرده است، زیرا در قرآنش وعده داده است که در سایه ازدواج اگر فقری باشد از فضل خدا مبدل به غنا میشود.

هرگز نباید مسلمان بحساب فقر از ازدواجی که خواهان آنست یا بر او لازم میباشد چشم پوشی نماید.

کسیکه سعی در ازدواج دیگران کند مستحبی بجای آورده و آنکه بین زن و شوهر فساد و نفاق کند گناه بزرگی را مرتکب شده است.

استحباب زن گرفتن بخاطر دینش یا صالحه بودنش یا صلحه رحم بجای آوردن است و کراهت ازدواج برای مال زن یا جمال یا فخر فروشی از فامیلش یا رباست.

استحباب و مدح نسبت به ازدواجی که مهر آن اندک است.

مستحب است که با دختر باکره ازدواج کنند و آنکه زیاروی سفید کپل دار، متبسم و بلند موی و ... میباشد.

استحباب در زود شوهر دادن دختر.

اختیار خانه بزن دادن و آنجا را مرکز فرماندهیش کردن و استحباب آن.

تجویز بلکه استحباب اینکه مرد شریف جلیل القدر زنی دون شأن خود بگیرد حتی از حسب و نسب و شرف باشد و اینکه زن اختیار شوهری کند که از اخلاق و دین و امانتداری و عفتش راضی و خبردار باشد و کراهت رد کردن چنین شوهری.

مکروه بودن ازدواج با احمق و دیوانه و تجویز آمیزش با دیوانه بدون آنکه طلب فرزندی از وی شود. زیرا ممکن است به ارث نسل همچنان باشد.

استحباب ازدواج و آمیزش در اوقات و ساعات و مکانهای معین و کراهت هر دو عمل مذکور در اوقات و ساعات و مکانهای معرفی شده که در همین جلد به بسیاری از آنها اشاره گردیده است.

کراهت آمیزش در شب چهارشنبه.

استحباب اطعام و سفره انداختن در پنج وقت (ازدواج - تولد فرزند - ختنه کردن - خانه جدید - مراجعت از حج) که سفره ازدواج مقدم بر همه است و خلاف بودن سفره ای که در برخی شهرهای مسلمین مرسوم است و کسانی که عزا دارند و پس از دفن بخانه برمیگردند و خود هیچ اشتها ندارند به پذیرائی میپردازند و تماشاگر خوردن یک مشت جلسای بر سفره غیر اسلامی باشند.

منع ازدواج با دختری قبل از نه سالگی و حرام بودن آمیزش یا دختری حتی بعد از نه سالگی که احتمال وارد شدن زیان جسمی یا روحی به او داده شود.

کراهت آمیزش در جائی که آب برای غسل نیست مگر هنگام ضرورت

حرام بودن آمیزش با زنی که در قاعدگی است که قریب باتفاق فقها دخول درد بر را نیز در این حال محکوم به کراهت و برخی به حرمت نموده و پرداخت دیه را قریب باتفاق دستور داده اند.

استحباب مکث و درنگ و ترک حجله برای آمیزش و مستحب بودن اینکه با بازی و نوازش، سازش باید بوجود آورد.

کراهت اینکه زمان آمیزش کاملاً عریان شوند یا ایستاده آمیزش نمایند.

تجویز نگاه کردن زن و مرد بیکدیگر و به تمام اعضای یکدیگر و مکروه دانستن نظر کردن مرد هنگام آمیزش در محل مخصوص.

کراهت آمیزش در زیر آسمان و جائیکه احتمال توجه به آن شود و در جائیکه طفلی باشد.

کراهت سخن گفتن در زمان آمیزش.

مکروه بودن جماع برای کسیکه خضاب کرده است.

رو بقبله یا پشت بقبله جماع کردن کراهت دارد.

برای هر دفعه آمیزش مستحب است که غسل کنند و شرح داده شد

حرام است چهار ماه بیشتر بین آمیزشها فاصله گردد مگر ... که شرح داده شد.

کراهت مباشرت در حالیکه انگشتی در دست باشد که نام مبارک پروردگار یا از قرآن چیزی بر آن نوشته شده است.

واجب مرد غیرت داشته باشد و عدم جواز اینکه زن غیرت کند زیرا غیرت زن حسد است.

راضی بودن زن و مرد برای زناشوئی کافی نیست و باید صیغه خوانده شود یا مرد و زن خودشان بخوانند یا وکیل بگیرند حتی زن می تواند وکیل شود و تا یقین نکند که وکیلشان صیغه خوانده است بیکدیگر محرم نمیشوند ولی گفتن وکیل که آنرا انجام داده است کافیهست. وکیل باید بالغ و عاقل باشد.

اگر دختری رشید و بالغ بود و مصلحت خود را میتواند تشخیص دهد چنانچه باکره نبود میتواند با هر کس شوهر کند و اگر باکره بود شرائطی دارد که باید هر کس برساله عملیه مرجعش مراجعه نماید.

اگر مرد بعد از عقد بفهمد زنش دیوانه جذامی، برص، کور، زمین گیر، افضا شده از راه بول و قاعدگی یا راه مدفوع و قاعدگی بهم راه

یافته، بکارت غیرقابل مقاربت دارد چون جمع بودن گوشت یا استخوان در مدخل فرج، میتوان عقد را بهم بزند.

چنانچه زن بفهمد شوهرش دیوانه است، آلت مردی ندارد، به آن بیماری مبتلا است که از عهده نزدیکی و آمیزش برنمیاید یا بیضه هایش را از بین برده اند میتواند عقد را بهم بزند و در اینگونه موارد مذکوره بدون طلاق میتواند از یکدیگر جدا شوند.

مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است اگر چه یکی یا هر دو بالغ نباشند. مشهور بین علما هر چهار شب یکمرتبه آمیزش کرده است اما واجب نیست و چگونگی آن شرح داده شد.

مسلمانی که منکر خدا یا پیغمبر شود یا حکم ضروری دین یعنی حکمی را که مسلمانان جزء دین اسلام میدانند مانند واجب بودن نماز و روزه انکار کند در صورتیکه بداند آن حکم ضروری دین است مرتد میشود و اگر زن قبل از آنکه با شوهرش آمیزش کند شوهر مرتد شود عقدش باطل میگردد و همچنین اگر در زمان یائسگی شوهر مرتد بشود که برای زن سید ۶۰ و غیرسید ۵۰ سال میباشد عقد باطل است اما در زمان غیر یائسگی باید عده نگهدارد و اگر در زمان نگهداری عده شوهر مسلمان شد عقد باقی و در غیر اینصورت چنانچه تا آخر عده مرتد باقی ماند عقد باطل است (ناگفته نماند این عده مهلتی است که اسلام برای فکر کردن و تصمیم گرفتن داده است و ....).

واجب است تمکین کردن زن مرد را مگر با شرایطی و ممنوع بودن تأخیر در اجابت شوهر ولو بطول دادن نماز باشد.

کراهت ترک زینت و زیور و آرایش و پیرایش کردن زن و استحباب

اینکه صبح و شام با وضع آراسته خود را به شوهر عرضه بدارد.

مستحب بودن اینکه مرد زن را گرامی بدارد که به تفصیل شرح داده شد.

روح باید خوراکش بمیل زن و فرزندش باشد هر چه بپوشد به آنها بپوشاند وقتی او را بخانه خود آورد از خانه پدرش بر او سخت تر نگذرد و بهتر آنکه خانه کمی بهتر غذا کمی بهتر لباس کمی بهتر زندگی کمی بهتر باشد و اگر همین یک امر اسلامی عمل شده بود با تصاعدی که شهرها و غذاها و زندگیا بهتر میشد چه میشد؟

مستحب است زن قبل از شوهر نخوابد، بدون اجازه شوهر حتی روزه مستحبی نگیرد و هر زنیکه بشوهرش بگوید در خانه ات از تو نیکی ندیده ام همه عملهای ثوابش بر باد رود. مرد نباید بر زن سخت گیرد باید بدیهایش را ببخشد و بر او رو ترش نکند و یکدرمیان روغن برای مالیدن به او بدهد و سه روز یک مرتبه گوشت برایش بیاورد و رنگ و هر چه وسائل آرایش است هر شش ماه یکمرتبه به او بدهد. هر سال چهار جامه اش بدهد دو زمستانه و دو تابستانه و هر چه از میوه و غذا که همه کس خورند و نزد او نیاید، زن را نباید بر زین ها سوار کرد. رازهایی که مرد دارد نباید بزن گفت. مرد باید گاهی به زن اظهار علاقه کند و حتی اگر دروغ هم هست به او دوستی و محبتش را برساند و قبلا- گفتم در سه مورد (در جنگ فساد خاموش کردن - به زنان) میتوان دروغ گفت (البته فقط برای همین اظهار علاقه میتوان دروغ گفت نه سایر موارد) و در روانشناسی ثابت شده است گر چه زن بفهمد که مرد دروغ میگوید بر او اثر خوبی دارد اگر زن به دروغ نسبت به مردش اظهار علاقه نماید مضطرب میشود نسبت بهمسرش

گمان میبرد.

زن کراهت دارد هنگام راه رفتن جز در کنار راهها طی طریق کند

مرد نیز مستحب است برای زنش پاکیزگس و شیک پوشی کند و موهایش را همانگونه که همسرش میخواهد اصلاح و درست کند.

جای زن که هنوز گرم است نمیتوان نشست.

استحباب جماع در شب دوشنبه و سه شنبه و پنجشنبه و روز پنجشنبه نزدیک زوال (آفتاب وسط آسمان) و شب جمعه مخصوصا بعد از عشاء و روز جمعه بویژه بعد از ظهر است.

روزیکه مسافرت در پیش است شب قبل از آن آمیزش کراهت دارد.

جماع اول شب و جماع با پیرزن و جماع با شکم پر مکروه است. ناگفته نماند خونی که باید متوجه معده و دستگاه هاضمه باشد برای ترشح و عمل هضم ناچار قسمتی به دستگاه تناسلی هجوم آورد نه دستگاه گوارش بهره وافی دارد نه تناسلی کافی و این یک زیان از جمله ضررهاست. چ

در حال حیض و نفاس حرام - بدون ملاحظه قبلی نباشد - بدون ملاحظه قبلی نباشد - بدون بسم الله نباشد - نگاه بفرج نکند - بعد از طلوع فجر تا طلوع آفتاب - از غروب تا بین رفتن شفق (تقریبا یکساعت و نیم) - در حال کسوف و خسوف - طوفان - شبی که زلزله شده است اول و وسط و آخر ماه (باستثنای اول ماه رمضان - جائیکه دیده شوند نباشد - رو بقبله و پشت بقبله که شرح داده - محتلم و شیطانی نباشند - دستمال برای هر دو نفر جداگانه که خود را پاک کنند - وسط آفتاب نباشد - با زن آبستن با وضو باشند - پشت باغی که حائل ندارد نباشند - زیر درخت میوه - بین اذان و اقامه - در حال ایستادن و ... که بسیاری را شرح دادم نباشد.



## آمیزش مادی و آمیزش معنوی (حیوانی و انسانی)

با آنکه در جلد ۲۱ مطلب را روشن کرده ام و آنجا که از فرق بین منعکس و فاحشکی بحث نموده ام در این باره که آمیزش زمانی جنبه معنوی و گاهی زمینه مادی دارد مطالبی آورده ام اما هم اکنون عنوان دیگری باز میشود تا بگویم آمیزشی که حیوان میکند با آمیزشی که انسان دارد کدام مفید فایده مادی است و کدام معنوی و بین آن دو چه فرقی است.

هم حیوان آمیزش میکند هم پائین تر از حیوان آمیزش میکند اما آمیزش غیرانسان دستگاه فکری لازم ندارد مرکز نعوظ آلت ذی فقاران در نخاع آنهاست و به مغزشان ارتباطی ندارد. مغز ندارد و اگر هم دارند ارتباطی آنچنان بین مغز و نخاعشان نیست که همانند انسان عمل کنند مثلاً چشم منظره تحریک آمیز ببیند و مغز بیندیشد و مرکز نعوظ تابع باشد و تحریک شود و آمیزش انجام گیرد و همه انعکاسی است بلکه آمیزش نزد غیرانسان جنبه جسمی و بدنی و بلکه مادی دارد و لاشه ای به لاشه ای میرسد اما قرآن برای آغاز پیامبری به همین عمل آمیزش انسان جنبه معنویت می دهد میفرماید مرد و زن از آن درخت منبیه خوردند (فاکلامنها فبدت لهما سواتهما و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه و ....) و در نتیجه آنچنان عورتشان سرآغازی کرد که آنها را باورق بهشت پوشاندند که با

توجه به الجنة تحت ظلال السيوف و الجنة تحت اقدام الامهات درمیابیم که جنت چه کارها میکند و برای چه جهت ستر عورت آدمی از فرآورده های جنت انتخاب میشود نه از دنیا! برای اینکه رابطه معنویت در کار است و این عورت حیوان است که فقط با دنیا سروکار دارد نه با جنت بهشت زیر سایه شمشیرها با زیر قدم مادرهاست این نیست که زیر قدمشان حفر کنند به بهشت برسند و همینطور عورتها را با ورق بهشت پوشاندن چسباندن برگ درخت فقط روی عورتها نمیشد یعنی از این بعد این عورت آلت عملکرد معنویت هاست نه مادیگری!

چطور؟

برای مثال آمیزش را در یک بعدش مینگریم:

جاذبه جنسی را قدرتی بس عظیم است که زن و مرد را بهرطرف میکشاند مرد میرود مجله ای میخرد عکس را می بیند زنی است که خیلی او را می پسندد مشابهنش را در خیابان می بیند به او دسترسی پیدا نمیکند یا دستگاہهای رسانه ای به او میرسانند که زن باید چنین و چنان و مد روز باشد. مد روز چگونه است؟ برایش شرح میدهند همانگونه زنی را هوس میکند که مدیست باشد و همینطور تا آخر معلوم میشود که مرد در زندگی اش اگر چنین و چنان زنهارا که مجلات و رسانه ها معرفی کرده اند نیارود کمبودهایی دارد اما همین جا سر دو راهی است که با این نابرابریها و کمبودها را با ورق الجنة می پوشاند و در همسر شرعی خودش کمبودها را با جستجوی معنویاتی جبران میکند و اندیشه آزادمنش و لذت بردن از زنی که بخش عظیمی از زندگیش را بهای زندگی او ریخته سر میبرد

یعنی عورتش را یعنی لذت بردنش را یعنی دستگاہ فکریش را آنجا که بر مدار اعمال جنسی و لذت بردن قرار میگیرد پایان نمیداند و آنرا نمی بندد بلکه این مدار را نیز همانند مدارات دیگر باز و معنوی نگه میدارد یعنی چنین فردی میشود در زمره کسانی که از اول پدر و مادرش (آدم و حوا) همینکار را کردند و هر دو عورتشان را از ورق الجنه پوشاندند نه یکی از آنها و این را نیز به ارث برده است که عورتش را با ورق الجنه بپوشاند نه با شورت مد و از غرب آمده و تقدیم شده از استعمار یا اینکه به لجن زار برداشت های خود تشخیص داده لذت بخش میافتد و همان میشود که شاعر ما میگوید و در ابتدای جلد چهارده که مخصوص ورزش است شرح دادم (اگر در طلب جوره کانی کانی - و در پی عمر جاودانی جانی. من فاش کنم حقیقت مطلق را - هر چیز که در جستن آنی آنی) و چنین شخصی سرپایش عورت است.

بقراری که آورده شد آمیزش مومن از جنبه حیوانی فراتر و زمینه معنویت و انسانیت دارد و راستی در هر امری باید کار انسان غیر از حیوان باشد و هر کارش از روی جنبه ارزشهای معنوی که دارد برآورد گردد. و انگهی اگر قرار بود هر مردی به زنهایی که از مدشان تعریف آمیزش کند سرانجام قانون روز و قلدری بر این مرحله از زندگی برای انتخاب جفت نیز همان قانون جنگل حاکم بود و لاغیر و بلافاصله انسان چون حیوان همان سرانجام را داشت.

همه و همه خواننده یا شنیده و قلبی از مردم نیز دیده اند که

پیوند بسیاری از اعضای انسان به انسان سرانجام بدی دارد و اغلب سازگاری نشان نداده با اصطلاح خورده شده از بین می‌رود در حیوانات نیز آزمایشات متعدد همین نتیجه را داده است اما شگفتی اینجاست که پیوند مغز حیوان به حیوان چنین نیست و اغلب ناسازگاری نشان نداده و پیوندها میگیرد و لذا پیش بینی میشود در آینده مغز انسان به انسان پیوند شود اما مسئله اینجاست که هزاران حیوان همانند یکدیگرند و در صفات و سجایا با چندان تفاوتی ندارند و اگر به گله گوسفندی نظر شود نمیتوان گفت کدام بهتر یا بدترند و اینها چنانچه مغزشان عوض شود خودشان عوض نمیشوند اما مغز انسان با شرفی را به مغز انسان بیشرفی پیوند زنند (یا برعکس) چه میشود؟ پس شکل ظاهر انسان پوسته ای و ظرفی و بلکه شکلی بیشتر نیست و آنچه هست انسانیت اوست و عورتش هم مانند عورت یکی و همانندند و باید از ورق الجنه پوشیده شود نه با شورتی از مدخواهی روز و ارمغان استعمار و آنچه باید عوض شود مغز است و همه خلاصه در یک جمله که آمیزش انسان غیر از حیوان و یا نوعی احساس زندگی همراه است و اگر جز این باشد یا آنچه قرآن فرموده و اسلام خواسته ناسازگاری دارد. قرآن پس از ذکر جعل حضرت آدم از طرف پروردگار بعنوان خلیفه الله میفرماید خدای تبارک و تعالی تعلیمش داد و سپس به فرشتگان فرمود بر او سجده کنند و بعد مسئله امر و نهی در خوردن و نخوردن را پیش کشیده و این موجود را یعنی حضرت آدم را اولین موجود بلکه تنها موجودی معرفی میفرماید که میتواند در برابر دستور مخور بخورد و عصیان ورزد و آنچه قابل توجه است طرح مسئله

آمیزی و جنسی پس از تعلیم و تعلم آدم و طرح سجده فرشتگان و طرد شیطان ذکر شده است که برای هیچ موجودی سکسو البته و مسائل جنسی اشان مقدمات و تشریفات علمی نداشته و ندارد آری آمیزش انسان غیر از حیوان و با نوعی احساس زندگی همراه است و اگر جز این باشد این حیوان که شکل انسانی را دارد مغزش در این مورد با مغز حیوان فرقی ندارد یعنی مغز چنین انسان در مورد آمیزش همانند مغز حیوان عملکرد داشته است و اگر بشری پیدا شد که در موارد دیگر و اعمالی جز آمیزش نیز همانند حیوان مغزش را بکار انداخت در کلیه آن موارد بلکه در مجموعه حیوانی بیش نیست.

خارج از برنامه بیاوریم که میتوان با موادی از راه تغذیه به راههای دیگر مغز را مجبور کرد تقریباً مشابه حالت ذکر شده عمل کند یعنی عمل مغز حیوانی باشد مثلاً با خوردن الکل:

کسی هست که حیوان را آزار داده است این حیوان دستش برسد آزاردهنده را صدمه خواهد زد و اگر دستش نرسد همیشه ابراز دشمنی خواهد کرد اما انسان چنین نیست دشمن است و اظهار دوستی میکند و قربان صدقه میرود اما همینکه تخمیر الکلی مغزش را تسلیم کرد دیگر دشمن باشد میگوید دشمن. دوست باشد میگوید دوست.

هر انسانی سه آرزو دارد که به آن برسد:

نیل به حقیقت

رسیدن به آسایش در ظل عنایت اقتصادی دلخواه و سالم.

دانستن راهی که آمده و در کجاست و به کجا میرود و لذا از جمله توجهش به سنت آبا و اجدادی جلب میشود و با همین سه آرزو است که

شیاطین مبنائی برای عوض کردن انسانها بدست می آورند: یا حقیقت را همانگونه که حضرت علی فرمود شبیه سازی کرده شبیه میکنند (انما سعیت الشبهه شبهه لانها یشبه الحق) یا بوسیله پول طرف را میخرند یا سنت گرائی را بر او تحمیل مینمایند و عجیب است که قرآن میفرماید حضرت موسی قرار بود به سی روز برای مناجات بماند (و واعدنا موسی ثلثین ليله) ده روز اضافه شد برای تمامیت یافتن آن وعده (و اتمناها بعشر) و از این ده روز تئوریسین قوم. سامری برداشت غیرحقانه ای کرده هر سه آرزوی قوم را جلوه های جاذب و کاذب داد:

سنت را در قدیمی ترین آن که توتیسم و حیوان پرستی باشد آن هم در آن نوعی که هنوز آثارش نزد برخی (مثلا- هنود) باقیست جلوه گر ساخت یعنی گوساله ای ساخت - گوساله هم قدیمی ترین سنت است هم مردم زمان شاهد آنند.

آسایش در سایه اقتصاد را با سمبل اقتصاد که طلاست نشان داد و آن گوساله را از طلا ساخت.

نیل به حقیقت چیزی جز حق را از قانون حق برداشت کردن نیست و قانون حق بوسیله جبرئیل از خدا وحی میشود اما اگر بجای استفاده از زبان جبرئیل و وحی. از خاک ردپای جبرئیل برداشته شود (اخذ قبضه من اثر الرسول....) باز جنبه معنوی و حقانی دارد زیرا از جبرئیل است اما شبهه ای است و زبان جبرئیل یکی است ولی ردپای او دوتاست و لذا حق و صراط مستقیم یکی و راه باطل متعدد است.

در مورد آمیزش هم باید متوجه بود که تا عورتها از ورق الجنه پوشیده نشود کار انسانی انجام نگرفته است و برگی که از بهشت نباشد

ارزشی ندارد زیرا بر برگ بهشتی جز قانون الهی نقش و نگاری دیده نخواهد شد و هر گونه دستور یا قرار و مداری جز آنچه از جانب خدا باشد از ورق العجنه برداشت نشده و نمیتوان گفت آن آمیزش در قلمرو معنویت انجام گرفته است.

اینکه قرآن همه چیز موجود در آخرت را صاحب حیات معرفی مینماید و به آنچه در دنیاست متاع نام می نهد (و ان الدار الاخره لهی الحیوان - و ما الحیوه الدنیا الا متاع) و کافران را نیز افرادی برداشت کننده و قانع به داشتن متاع معرفی میفرماید همین مطلب ماست که آمیزش نیز از آنجمله میباشد (ذرهم یا کلوا و یتمتعوا ویلهم العمل یعنی آمیزش نزد مومن تبدیل مادیت به معنویت است و نزد غیر مومن در همان صورت مادیت ماندن و ادامه یافتن بگذار بخورند و در مرحله تمتع آمیزش بمانند و این دو کار را که حیوانی است (یا کلوا و تمتعوا کما تاکل الانعام) همان تمتعی که با تمتع های دیگر در مجموعه ای بنام متاع الدنیا معرفی میشود که قرآن متذکر است اما اگر این متاع بذری در دنیای مزرعه آخرت شد انچنانکه بود برداشتهای معنوی داد ابدی و سرمدی و آخرتی شده و همانگونه که قرآن فرماید حالت حیاتی پیدا خواهد کرد و لذا بار دیگر تکرار میشود که آمیزش انسان غیر از حیوان بوده و با نوعی احساس حیات همراه است.

نتیجه آنکه در تولید مثل و مقدمات آن تمتع، ازدواج، نکاح و ... همه و همه دخالت دین است که انسان را از خط پستانداران خارج ساخته در خط انسانیت محشور مینماید.

## تعریف قدرت جنسی

تعریف از قدرت جنسی میشود و متوجه خواهید شد که چه اهمیتی دارد زیرا باور خواهید نمود که تقریباً نصف مردم زمین با عدم قدرت جنسی دچارند.

قبلاً- فرق ظلم و فساد را ذکر کردم، ظلم چیزی را در موضع خودش ننهادن یا از آنجا خارج کردن است و فساد معیارها و فرمولها چیزی را از موضع خودش دگرگون ساختن و بعقیده من تمکین نکردن فساد است و ضعف قدرت جنسی ظلم!

مگر نیست اگر زن و شوهر دارای ایده و عقیده مخالف باشند اما توافق جنسی داشته باشند دولت جنسی اشان پایدار است و بدون آنکه در معرض خطر جدائی قرار گیرند زندگی دارند اما در محیطی که عشق و توافق جنسی نباشد کوچکترین اختلاف فکری کار را بمجادله می کشاند و در سطح مملکتداری نیز الملک ببقی مع الکفر و لا- ببقی مع الظلم درست است و کشورداری با کفر باقی میماند و با ظلم کار به طلاق سلطه و رد ملک میکشد.

زن نمیخواهد با نشان دادن تمایلات جنسی، سکس را از جمله آرزوهای خود نشان دهد بلکه این کار را بصورت قبضه کردن و در اختیار



در آوردن شوهر بطور محافظه کارانه انجام می‌دهد و نتیجه این میشود که مرد بظاهر متجاوز اما در حقیقت به او تجاوز شده از قانون حاکم بر جنگل راه رهایی داشته باشد و در صورت داشتن قدرت عدالت کردن بین همسران همسر دیگری نیز بگیرد و دلیل آن مسرت خاطر زن است اگر پس از انجام آمیزش از شوهر بشنود که لذت برده است ولی اگر زن بشوهر بگوید لذت بردم شاید پاسخ فقط به کلمه ای اکتفا شود و برای مردی که لذت نبرده عکس العمل خاصی از آنکه لذت برده روی دهد که شرح دادم

عمل جنسی چهار مرحله دارد که هر مرحله نباشد یا باشد و ضعیف باشد ضعف قدرت جنسی شناخته میشود و چهار مرحله عبارتند از خواستن سفت شدن آلت، توانائی آمیزش، ارگاسم

خواستن و میل جنسی با مغز و غدد و چشم و یا حواس دیگر و اعصاب ارتباط دارد و بوسیله همین ها آلت تحریک و پر خون شده و سخت میشود.

مرحله اول ممکن است با تلقین ضعیف شود مثلا در کودکی با او گفته شود عمل جنسی اثر بدی دارد یا وضع پدرشاهی سبب شود کودک به زن ترحم کند تا مانند مادرش مورد بی رحمی پدر قرار نگرفته باشد و مادرشاهی بدتر که کودک بعلت تسلط مادر بر پدر از جنس زن بدش آید.

تلقین یا توجه در حین آمیزش نیز زیان آور است مثلا گفته شود این کار چه بیهوده و حیوانی است یا در آن زمان به مرگ و طلبکار و حوادث تأسف آور یاد گردد یا یک مسئله لا ینحل در آن لحظه به حل نزدیک گردد یا ترس از حامله شدن ترس نداشتن قدرت جنسی، ترس بیماری

ترس دستگیر شدن و مهمتر از همه ترس مرد مبتلا بضعف جنسی است که میترسد آمیزش کند و همسرش نیز مبتلا شود. نوعی از ضعف جنسی

است که درباره اش درست قضاوت نمیشود و آن اشتغالات روزانه و کار زیاد است که اغلب یکی از دو جنس آنرا بهانه مینمایند و ممکن است هر جنس آنرا بخود نسبت دهد یا بدیگری مثلا زن بگوید از بس برای مردم کار میکنی بما نمیرسی یا بگوید از بس کارخانه زیاد بود حوصله ندارم و مرد نیز همینطور و حال آنکه قضاوت درست نبوده اغلب کسانی که ضعیف جنسی دارند برای جبران آن بیشتر کار مینمایند.

نوع دیگر شماتت است که مرد دائم به زن بگوید میل جنسی نداری یا زن مرتب مرد را سرزنش کند که قوی نیست.

احساس گناه نیز نزد برخی که زمینه دینی دارن یا احساس ترحم نزد بعضی که زمینه عاطفی دارند ممکن است سبب ضعف جنسی گردد زن و جنس ماده هر حیوان در زمان آمیزش میتواند چیزی هم بخورد مثلا مرغ یا گربه ماده ولی زن باید از این عمل (جویدن سقز، تخمه خوردن پرهیزد زیرا این عمل نوعی سبک شمردن کار خودش و شوهرش میباشد. زن نباید در حین آمیزش مرد را از کارهایی که کرده یا روابطی که داشته سؤال پیچ کند و آزرده اش کند بلکه باید همه سخن از تحریک و تشویق بزند.

آلت ممکن است در یک محیط بیگانه یا شرایط نامساعد، گیر افتان، بدرفتاری زن فریاد کشیدنش حرفهای ناهنجار زدن، نشان دادن بیعلاقگی زن، توجه نکردن زن به مردی که هیان زده است سخت نشود یا اگر شده فوری از سختی بیفتد ولی در نوع دوم بیشتر در برابر همان زن که سبب ضعف شده است سختی پیش نخواهد آمد.

ممکن است مرد از زنش از شغلش از فرزندش از خانه اش از اداره اش از

مسلکش از مسائل اجتماعی و خلاصه از یک فکر رنج آور و ناراحت کنند سختی آلت را از دست بدهد.

زود انزال شدن ممکن است بععلل زیر باشد:

میل و خواستن اندک باشد، زن برای آمیزش جالب نباشد، ترس از بیماری و گرفتاری یا از مذهب یا بدگوئی زن در آن حالت از مرد تعطیل آمیزش در مدت طولانی، خستگی، دلتنگی، ترس از عدم موفقیت در آمیزش، خشک بودن مهبل زن، حرکات شدید بلافاصله پس از دخول از طرف مرد یا زن، دلخوری مرد از زن یا زن از مرد بواسطه دعوای قبلی، مطلب جالب آنکه اگر مرد به اوج لذت جنسی برسد و زن همیشه در کمرش و مرد در هر جای بدن میتواند بوده باشد و برعکس یعنی اگر زن به اوج لذت جنسی برسد و مرد نرسد فقط روحیه مرد رنج آور است ولی پرستایش پرخون میماند و بطور کلی علت کمر درد زن نیز پرخونی رگهای لگن اوست که اگر به ارگاسم نرسد پیش میاید.

بیماریهائی که ممکن است قدرت جنسی را ضعیف سازد بیماری قند و اواخر بیماری مزمن کلیه هاست درباره نسل ریوی عقاید مختلف است برخی آنرا سبب تحریک نیز میدانند. چاقی نیز نزد برخی ضعیف کننده است، بیماریهای عفونی و مسمومیت های حاد یا مزمن از آنجمله اند بیرون آوردن بیضه ها نیز اغلب همینطورند. آلت مرد اگر دو تا باشد یا زیاد کوچک باشد یا از وسط دو نیم باشد یا بزرگ باشد و سخت نشود ختنه شده باشند که هنگام سخت شدن آلت کج شود فتق شدید هم ممکن است سبب شود مرد خجالت بکشد و کم کم قدرت جنسی را از دست بدهد

ما آلت بزرگ تر از معمول وضع خاصی دارد که مرد و زن با تناسب مخصوص بهم خواهند رسید.

همانگونه که جبرها قدرت متفاوت دارند جبر گذشت زمان بر سیطره است و جبر خوردن قدرتش کمتر است اگر بیک دزد بگوئیم تو آدم مقدس و متقی هستی یا بگوئیم تو رباخواری یا بگوئیم ای دزد عکس العمل های متفاوت خواهد داشت اگر به یک کچل در حین نزاع گفته شود ای کچل آتش نزاع دامن زده میشود اما اگر گفته شود ای کور آب بر آتشش ریخته میشود مرد نیز اگر در کودکی از همبازیش شنیده باشد که آلت کوچکتر یا ناقصی دارد اگر در اولین برخورد با زن متوجه شد که زنش خندید یا قیافه ناراحت کننده گرفت بیاد دوران کودکی افتاده تصور میکند همسرش نیز همان را در ذهن دارد که دوست کودکش به او گفته است مطلب دیگر خرد شدن شخصیت مرد است که هنگام آمیزش بیاد شوهر قبلی زنش یا خدای نکرده بیاد رفیق او افتد که مرد تسلیم به اوج رنج خواهد شد زیرا در این حالت بیاد تسلیم شدن زنش به مردی شده است.

بطور کلی باید متوجه بود که زن دارای دو شخصیت است شخصیت جلب و جذب مرد و شخصی مادر شدن اما هر دو شخصیت در برآیند دو نیروی جاذبه و دافعه مسیری مشخص دارد میخواهد مادر شود و زمانی نیز نمیخواهد مرد خود را جذب کرده و میخواهد همیشه مطیع وی باشد اما دوست ندارد به غلبه شدید بر مرد پردازد.

زمانی که یائسه شده اند خانه را خلوت می بینند، بچه ها به خانه جدا یا دانشگاه رفته و ممکن است میلی جنسی مجددی پیدا نمایند یا هستند زنانی که سن خود را پیش کشیده آمیزش را شرم آور میدانند و اینها

اشتباه میکنند و در هر صورت دستور اسلام و شناخت علم درباره وجوب تمکین زن در موقع درخواست مرد بقوت خود باقیست و درخواست زن نیز در کاری که خدا حلال و مباح کرده است درخواستی بجا و شرعی است البته مرد به دردی ممکن است دچار شود که برای زن هرگز پیش نیاید و آن نعوظ در مرد است که ممکن است یا ابتلائاتی حاصل نگردد در حالیکه مرد از لحاظ قبل کاملاً مسلط بوده و خواهان آمیزش میباشد.

آلت مرد مسن بد و علت بزرگتر از جوان بنظر میرسد یکی کم شدن چربی زیر پوستی شرمگاهی و چروک شدن پوست آن ناحیه و ظاهر شدن دنباله آلت و دیگری تصلب و سفت شدن شراین که خود بر وجود اجسام سفتی در سراسر آلت دلالت میکند گاهی نیز آلت با افزایش سن کاهش اصولی پیدا مینماید. تصلب شراین گفته شده سبب میشود خون کمتری به مراکز مغزی و نخاعی نعوظی برسد و در نتیجه قدرت جنسی کاهش یافته و این بیماریهاست مخصوصاً بیماری کبد که از میل و قدرت جنسی مردان میکاهد نه ترشحات و مرد تا هر چه عمر کند قدرت و تمایل جنسی دارد.

مرد ممکن است در دوران پیری که میل دارد و قدرت ندارد به کارهای به تصور خودش جبران کننده ای دست بزند چون جلق زدن یا زنی را به خود متمایل ساختن و اینکه وی معشوقه اوست برخ دیگران کشاندن یا به فحشاء با زن یا پسران کوچک روی آوردن یا آنکه وضعی لباس پوشیدن که آلت تناسلی اش را دیگران به بیند و شرح آنها مربوط به بحث نیست. (ناگفته نماند زنان مسن جلق زدن را بیشتر از مردان دارند گرچه نزد هر دو بندرت دیده میشود) و نویسندگان جلق زدن را در یکی از شهرهای مغرب زمین بوسیله زنی اطلاع پیدا کردم که سرپائی

نشسته و سگش فرج او را لیس میزده تا از حال میرفته است (به اوج لذت جنسی خود انتخاب کرده اش میرسیده است) درمان ناتوانی جنسی پیری را ضمن اینکه در جلد هشتم آوردم آنجا که از گوشت گوساله بحث می‌کردم و نزدیک به شانزده اعجاز علمی در یک جمله قرآن (فجاء بعجل حنید) را هم آوردم ملاحظه فرمودید بنای قرآن بر درمان و بلکه جلوگیری از تصلب است و لذا باید هم از پرخوری و هم از خوردن شیرینی های مصنوعی و چربیها که بوجود آورنده تصلب اند اجتناب نمود و هم به ویتامین های ۲۲ و A و ب و ۱ بیشتر توجه کرد. مواد بیاض البیضی نیز در پیری نقش جبران کننده ای دارد عناصر سازمان دهنده مخصوصا کلسیم و فسفر نیز برای بدن لازم میباشد - از کاری که دلخواه نیست و از کارهای خسته کننده و از بیماریها بخصوص سرماخوردگی و گریپ و از مواد مخدر و افیون و الکل و شب نشینی ها و ... باید پرهیز کرد.

### دگرگونیهای اعضاء تناسلی

بحث این قسمت لازم بنظر نمیرسد فقط به اشاره کافیت تا اگر مبتلای آنرا خواند تکلیف خود بداند.

بسته بودن پرده بکارت و سوراخ نداشتن آن که تا زمان پیدایش قاعدگی مطلع نمیشوند و از آن پس که خون در پشت آن جمع شد درد و تورم خبردار میسازد.

بسته بودن مهبل است که درمان میشود همانگونه که مردان! برای زن شدن عمل مینمایند.

بسیار کوچک بودن یا نبودن بظر که بلا اشکال است.

تخم ها نباشند که از زمان بلوغ ببعد خواجگی پیدا میشود و چند تخمی باشند (اغلب چهار تخمی) که عقیم میمانند و دو آلتی که گاه در نوک دو قسمت است و گاه تا ثلث و گاه نصف و گاه هم آلت دو تاست و نبودن آلت که بسیار نادر است و جراحی میشود همانگونه که زنان! مرد! میشوند. کجی آلت نیز ببالا یا پائین یا راست و یا چپ وجود دارد.

تخمدانها نیز همانند تخم نبود دارند و بیشتر بودن ولی بظر و لب فرج دو تا بودن دیده میشود اما بسیار بندرت.

همانگونه که در افرادی تمام احشاء چرخیده و قلب طرف راست و کبد طرف چپ است جابجا شدن آلات و اعضاء تناسلی نیز وجود دارد و از جمله قرار گرفتن آلت زیر تخم ها و سوراخ آلت در بالا یا زیر یا طرفین آن قرار گرفتن است.

### نانوانی چشمی

آنچه اهمیت دارد رعایت دستورات اسلام است زیرا اگر نیروی محرکه تاریخ را بنا بر عقاید گوناگون بطریق زیر بدانیم:

از مارک تواین - اطاعات از قوه درونی

بودا - اطاعت از افکار درون

کارل مارکس - اقتصاد

فروید - غرائز جنسی

نیچه - اراده

و نویسنده که از نیازمندی میدانم

میدانیم که هر نزدیک شدنی به ماده منهیات اسلامی در درجه اول و در درجه بعد هر نزدیک شدنی که موجبات رضایت و تقرب پروردگار حاصل آن است بر تمام هفت نوع گفته شده که هر کدام به تنهایی نیروی محرکه زندگی اند موثر بوده زیان یا سود خواهند رساند و از جمله بر ناتوانی جنسی لذا قبل از بحث قسمت داروئی آن بهتر است مختصری از روان زائیهائی که موجبات ناتوانی یا نارسائی جنسی اند یادآور شوم:

انشاء الله تعالی در کتابهای آینده که بحث از تربیت نسل است خواهید دید چرا و چگونه اطاعت کردن و نکردن از خدا فرمولهای زندگی و معیارهای اجتماعی را متعادل ساخته و یا بهم خواهد ریخت.

ناتوانیهای انعکاسی: افرادی که حیات جنسی آنها موهبتی ارزشمند نزد آنها محسوب است از این گروهند. سالها زندگی روبراه دلخواهی دارند اما ناگهان یک عامل خارجی یا حادثه کم و بیش مهمی قدرت جنسی را از کف باکفایتشان میرباید از جمله ضربه های روانی یا فشارهای عاطفی است. اغلب مردانی هستند که شخصیت آسیب پذیری دارند که پایه جنسی ناقصی دارد و ناقص از آن جهت که در دوران کودکی بطور طبیعی تکامل نیافته است و این نقش را مادر بیش از پدر داشته است مادری بوده است تندخو خشن و فرمانروا که فرمانفرمائی خود نوعی اخته کنندگی است اینگونه مادران که روش تربیت اسلامی را لگدکوب نموده و در نتیجه حالات تهاجم و ترس یا انتقام جوئی در فرزندانشان



فرزند چنین خانواده در آغاز بلوغ جنسی غنچه ای درست شکفته و راضی از اوضاع و احوال جنسی ناگهان در برابر حداقل ضربه ناتوانی که از طرف همسرش بوی وارد می‌گردد و در نتیجه بسرعت نسبت به همسر متنفر گردد و مصیبت آنکه با پیش آمد بارداری که موجب رضایت مادر است پدر ناراضی را وادار به مانورهای غیرعقلانی نماید و با تاثیر بر نوزاد بچه ای بیمار بوجود آورد یعنی تربیت غیر اسلامی یک مادر میتواند پسرش را در برابر کمترین هجمه و حمله همسر بزانو در آورده و نواده اش را فردی نارسا تحویل اجتماع دهد.

ضعف جسمی، افسردگی، فشار روحی که هر کدام ممکن است در اثر کار زیاد یا زیادی مسئولیت پیش آید چه بسا ناتوانی جنسی بوجود آید و در هر کدام از حالات گفته شده بعلت اینکه قبلا برخوردار و متمتع بوده است آسان میباشد.

ناتوانیهای اولیه: اینها عکس گروه قبلند یعنی هرگز زندگی جنسی طبیعی نداشته اند یا هرگز رابطه جنسی نداشته و حتی فکر نزدیکی کردن با زن به ذهنشان نرسیده است میل جنسی نامبردگان همیشه کم یا هیچ بوده است و پیش آگهی آن بستگی به حال بیمار دارد و روان درمانی ممکن است با مدت طولانی موثر باشد.

بین شدت اختلال عمل جنسی و شدت اختلال روحی مسئول بیماری هرگز هماهنگی وجود ندارد ممکن است اسکزوفرن (جنون جوانی) باشد و در روابط احساس بی تفاوتی کند یا بدون رسیدن به ارگاسم نزدیک شود یا جوانی باشد فقط هیجانی و در نتیجه آن ناتوان جنسی (در اینجا نیز متوجه باشند که روش مادرشاهی که در پیدا شدن نسل اسکزوفرن موثر است

یا هیجان داشتن هر دو روش ضد اسلامی میباشد)

۱- یسیکوز (افسردگی مالیخولیائی) همیشه با ناتوانی جنسی همراه است ولی در روان پریشی های مزمن مهار جنسی ثابت کشیده و بازداشته نمیشود.

۲- در افسردگیهای عصبی یا واکنشی که کاهش فعالیت های جنسی مشهود است و اگر ناتوانی تازه باشد عنصر افسردگی تیموسی را نباید فراموش کرد با روان درمانی درست پاسخ خوب داده میشود.

۳- نوروها (هیستری، ترس بیماری، وسواس، اضطراب، ضعف روان) اغلب ضعف فعالیت جنسی دارند و اغلب در نتیجه پس زدن فشارهای غریزی جنسی حاصل از منهیات فرهنگی یا اخلاقی است که حتی ممکن است بمرحله خطرناک خود اخته تصور کرد میرسد و در چنین افراد میل جنسی از بین رفته اما قدرت جنسی جزئی یا کامل کاهش یافته است.

شخص عصبی در یک مرحله از رشد روانی جنسی باقی مانده است مراحلی که فروید شرح داده است بیمار حتی ممکن است در برابر زن چون کودک عمل نماید.

ناتوانی جنسی ناشی از عصبانیت ها ممکن است با ناتوانیهای ناشی از کار، خواب، تماسهای اجتماعی آشکار شود که در اینجا نیز نقش اسلام در سطح بالای خود نمودار است.

۴- ناتوانی و انحراف جنسی - تربیت درست یا غلط سبب میشود غرائز در مجرای صحیح و با تکامل درست هماهنگ رشد جسمی پیش رود اما در غیر اینصورت انحرافات همجنس بازی - مازوخیم - سادیسم - عودت نمائی - تماشاگری جنسی همراه با توانی جنسی بوده باشد یعنی

انحرافات جنسی ناشی از سوء رشد تربیتی کودک آسیب کودکی روان جنسی بوجود آورد.

افراد با شخصیت ضعیف و ترسو بدون جاذبه پدر یا مادر یا بدون هماهنگی خصوصیات که باید بین زن و شوهر باشد برای پس رفتن تکامل روانی جنسی آمادگی دارند. تصاویر ناهنجار والدین از تحلیل مراحل جنسی انحراف جنسی بیار می آورد (تصاویر ترس آور - جاذب اما دروغین پدر مادر - آلت پدر. ترس پسر کوچک از اخته شدن و چه بسا سدی در برابر زندگی تناسلی باشد و کودک به انحراف به تصور وسیله پناهندگی روی می آورد.

منحرفان جنسی دو دسته اند حقیقی و عصبی. آنها که حقیقی اند انحرافاتشان بدون پروا انجام گرفته و به احساس گناه منتهی نمیگردد یعنی قدرت داخلی آنها برای مبارزه با آلودگی مذکور از بین رفته است (در آنجا که بحث مفصلی کرده ام و ان الذین آمنوا را شرح داده ام و عملوا الصالحات را به تفصیل بیان داشته ام روشن است که چگونه قدرت داخلی که همان آمنوا (ایمان) است از دست رفته است و این بیماران به درمان پاسخی نمیدهند و بلکه روز بروز بدتر میشوند و بدتر شدن آنها از اینقرار است.

کودکی مبتلا به صرع را می آورند فرض بفرمائید سه قرص دارو به او داده میشود چند سال بعد پدر و مادر می بینند مدتی است بچه اشان غش نکرده است به پزشک مراجعه مینمایند میگویند چرا قرصهایش را کم نمیکنید؟ پاسخ میدهد پسرتان بزرگ شده وزنش زیاد شده اما قرصها همان سه عدد در روز است آنروز که ۲۰ کیلو بود سه قرص میخورد حالا که

شصت کیلوست باید نه قرص بخورد پس خود بخود خوردن قرص کم شده است.

بدتر شدن بیماران حقیقی نیز همینطور است باید هر چه به مرگ نزدیکتر میشوند و هر چه رزق خود را بیشتر می خورند از انحراف خود بکاهند و همانگونه که نبی اکرم فرمودند: پیر زناکار بدترین شماسست بهمین علت که روز بروز بدتر شده است و آنچه قرآن میفرماید فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا نیز یک علتش شاید همین باشد - منحرفان جنسی عصبی علیه انحراف از خود دفاع میکنند احساس گناه و ناراحتی اخلاقی مینمایند و با روان درمانی بخوبی درمان میشوند (ناگفته نماند که همجنس باران ناتوانی جنسی ندارند و گاهی با زن آمیزش طبیعی دارند).

۵- ناتوانی جنسی معتاد به الککل: حتی مستی ملایم نیز میتواند مانع عمل جنسی شود ولی مستی حاد و مزمن ممکن است ناتوانی حاد یا تدریجی بوجود آورند.

۶- بیماران خیالی اند که زود درمان میشوند و با پارانوئیدها که بد زمان بد جواب میدهند باید از یکدیگر تشخیص داد.

۷- ناتوانی جنسی واکنش: که با یک علت شک مانند توانائی جنسی اش عقب نشینی کرده و این قابل برگشت است بهر صورت ملاحظه فرمودید که با رعایت دستورات اسلامی چگونه میتوان مسئولیت درست که داشتن توانائی را خوب بسرانجام رساند.

اینک که مختصر آشنائی به ناتوانی های جنسی حاصل شد میپردازیم به انواع درمانهایی که در قدیم معمول بوده است و در ضمن از ذکر انواع ناراحتی های جنسی دریغ نمیورزیم.

غالب ناتوانیها عاملی روانی داشته شوهری که عوامل محیط در نحوه تفکرش تاثیر دارد قادر هب انجام تمایلات خود نیست بویژه ترس اینکه قادر بانجام تکلیف شوهری نباشد بیشتر وی را از بههدف رسیدن باز میدارد و ضایعات نخاع شوکی و مغز حرام عوامل فیزیکی نارسا چون بزرگی و کوچکی آلت یا ..... - احساس گناه و شرمندگی در قلمرو آمیزش - خستگی موقت - احساس مسئولیت و احتلام شبانه - جلق زدن و مهمتر از همه امتناع همسر است که در وجه اخیر بیش از سایر موارد اسلام دخالت کرده زنی را که چنین است نکوهش مینماید

ختنه صحیح - مالیدن روغن ها بی حس کننده به سطوح غلغۀ حشفه - درمان بیماریهای عفونی مجاری ادرار - داروهای آرام بخش نزد جوانان پرشور - تقویت های تفریحی و داروئی نزد سالمندان - داروهای محرک اندام آمیزشی و سیستم اعصاب مرکزی و .... از جمله طرف درمان است.

عدم ظهور نعوظ - عدم استحکام و بدان حال ماندن - عدم تمایل به آمیزش - عدم ایجاد حالت ارگاسم و باوج لذت رسیدن - انزال زودرس همه از ناتوانیهای جنسی بحساب است که هر کدام را درجاتی میباشد. ناگفته نماند مسافرت به نقاط گرم یا رسیدن فصل گرما از راه بهتر شدن جریان خون و از راه تحریک مراکز جنسی در مغز و مغز حرام روی قوای جنسی اثر دارد.

گرفتن زن جوان غدد جنسی مرد را بکار انداخته و چون کلیه غدد بدن همکاری مشترک دارند فعالیت نزد آنان بیشتر میشود و در نتیجه هورمونهای زیادی وارد خون و بدن گشته توانائی مرد زیاد میگردد از

طرف دیگر زن جوان بنا بر مقتضیات سنی که دارد مرد را مجبور به سیاحت و تفریح و شرکت در اجتماع یا تحرکات آمیزشی نموده و تنوع زندگی را که در روحیه مؤثر است سبب میشود و قبلا روایاتی در این باره آورده شد (ناگفته نماند در صورتیکه سن مرد ما طاب لکم من النساء نباشد و زیانی به زن وارد گردد شاید با مکتب اخلاق اسلامی سازگار نباشد)

اثر غذا بر قوای جنسی از زمان قدیم شناخته شده که انکارناپذیر است و مدرکی در دست مربوط به هزار سال قبل از حضرت ابراهیم است که مردم بابل نوعروسان را برای تقویت قوای جنسی غسل و کنجد تناول میکردند و تجویز داروهائی که از شاخ کرگدن تهیه میشد معمول بود و خوردن صدف دریائی را برای بهبود و تقویت قوای جنسی توصیه میکردند (البته امروز به وجود عنصر روی که بمقدار متناهی در صدف است واقف شده و میدانیم کمبود روی در پرستات سبب استعداد عفونت پذیرش میگردد بعلاوه فهمیده اند که صدف دو اسید آمینه دارد که در پرستات نیز وجود دارد و امروز از آن دو در درمان بعضی بیماریهای پرستات استفاده مینمایند).

شیر بعلت داشتن کازئین بیشتر از گوشت ترشح هرمونها را بالا برده قوای جنسی را تقویت مینماید گرچه گوشت و تخم مرغ و نان گندم و میوه تازه و سبزیجات نیز مؤثرند و مخصوصا سفیده تخم مرغ را که قدما مؤثر میدانستند امروز تأیید شده و اثر یکسان بر مرد و زن دارد. دیگر غذاهای مؤثر ویتامین ب ۱۲ میباشد که در جگر یافت میشود.

عصاره هسته خرما و روغن گندم و پیاز گل لاله نیز مورد مصرف قرار گیرد مؤثر است.

آنچه نیروی قوای جنسی را کاهش می‌دهد پرخوری در ردیف اول می‌باشد و سرگرمی تغذیه ای با چیزهایی که غذا نیستند چون مشروبات الکلی - سیگار - قرصهای مسکن و آرام بخش و ....

فکر اینکه آمیزش سبب ضعف بدن میشود.

توقعات اقتصادی بیجای زن

همیشه در یک شکل نگهداشتن اطاق خواب

خوردن غذاهائی که مانع ترشحات تحریک کننده می‌باشد همه قدرت جنسی را کاهش می‌دهند.

مرد در برابر زن ممکن است:

اشتهای جنسی نداشته میل به ارتباط هم نداشته باشد - اشتهای نداشته باشد و میل داشته باشد - اشتهای دارد اما می‌ترسد نزدیک زن شود - به زن نزدیک میشود بدون انجام عمل - نعوظ ندارد و انزال و تماس و دخول هم ندارد - دخول دارد و فوری انزال و نعوظ تمام میشود - دخول دارد و انزال ندارد (ناتوانی ارگاستیک) - دخول دارد انزال هم دارد ارگاسم ندارد.

شایع تر از همه فقدان نعوظ و انزال سریع و زودرس است.

عجیب اینست که برخی از افراد مراجعه نمیکنند و عجیب تر آنکه بعضی مراجعه نکرده و کاهش قوای جنسی خود را دلیل غلبه انسانیت خود بر حیوانیت میدانند که قبلا درباره این فکر غلط بحث کرده ام.

سه عامل مهم وجود دارد کشش جنسی که با مطالعه اولین عمل جنسی و انجام استمناء و اخلاقیات طرف شناخته میشود.

جسمی که سکسو البته برایش مطرح است.

زمینه مذهبی اجتماعی فرهنگی شخص که گاه انسان را قادر میسازد که از تمایلات خود سرپیچی نماید.

اگر بخواهیم درباره عوامل فوق و علل نارسائیهای جنسی که شرح دادم بحث کنم و درمان هر کدام را بیان نمایم خود کتابی خواهد شد اما کتابی که از ردیف کتابهای قبلی به نسبت چگونگی و کیفیتی و روابطی که با مسائل اسلامی دارد خارج خواهد گردید و هر کس برای درمان باید به پزشک با روانپزشک مراجعه نماید.

اما آنچه از سرد مزاجی زن بد نیست دانسته شود.

به نارسائی جنسی زن سرد مزاجی نام داده اند و آن نرسیدن به لذت طبیعی در جریان تماس جنسی است.

سرد مزاجی یا مربوط به فقدان یا کاهش به اوج لذت رسیدن (ارگاسم) مهبل است یا ارگاسم مظر که در هر دو صورت فقدان یا کمبود ارگاسم همراه با این است که زن میفهمد لذت نبرده و دردی درد مهبل را میاندوراه دارد.

سرد مزاجی برعکس نارسائی جنسی مرد با ماشینیسم ارتباط مستقیم داشته و روز بروز رو به افزایش است. خطرناکترین سرد مزاجی که اغلب ارثی است بر دو نوع میباشد: یکی آنکه زن تن به آمیزش میدهد اما در عمل شرکت نمیکند گویا لاشه ای بی عشق و ذوق در بغل مرد قرار گرفته است. نوع دوم زنانی هستند که دست بهر گونه وسیله ای میزنند تا از آمیزش فرار کنند.

سرد مزاجی بظری آن است که میل جنسی وجود دارد ولی کامل نیست و نزد چنین زنان ارگاسم وجود نداشته یا بسیار کم است این نوع را



که سرد مزاجی قسمتی نیز نامیده اند از اینجهت است که فقط شهوت روی آلت تذکیر زن (بظر) متمرکز می باشد و از قسمت زنانگی خود گویا لذتی نمیبرد و بهمین جهت کمتر به ارگاسم میرسد و تنها در تماس آلت مرد با بظر لذت میبرد.

زنانی نیز با میل آمیزش بسیار شدید که دارند ارضاء نشده و با آمیزش حتی طبیعی شوهر سیر نشده و در نتیجه تشویش داشته همیشه در فکرنند که نکند مانند آمیزش قبلی به ارگاسم برسند.

سرد مزاجی بعلت درد هنگام آمیزش - سردمزاجی بعلت درد پایان مقاربت - سردمزاجی بعلت ابتدای آمیزش - سرد مزاجی بعلت ترس از آبستنی یا غیر از آن نیز وجود دارد.

در زن چون همانند نعوظ مردانگی نباید بوجود آید که در اثر آن ناراحتی ایجاد گردد هر گونه سرد مزاجی که مربوط به شغل یا خستگی یا مسئولیت باشد سرد مزاجی کاذب نامند.

سرد مزاجی ناشی از غلط های مرد که به اشتباه آلت را وارد راه مثانه کند یا مدتی عدم توانائی از خود نشان دهد مهم نبوده بزودی برطرف شده و همزمان با رفع اشتباه و برگشت قدرت نیرو میگیرد.

در اینجا نیز همانند سایر جاهای آفرینش آدمی به شگفت میافتد که این چه نظمی است زیرا زنی که مردش را دوست نداشته باشد همانند فواحش همیشه در سرد مزاجی بسر خواهد برد. (البته زنانی که با مردان الکلیک یا بی تفاوت نیز روبرو میشوند در قلمرو چنین سرد مزاجان قرار دارند)

سرد مزاجی جبران پذیر همان سرد مزای پس از آمیزشهای

اولیه است که تازه ازدواج کرده اند و بعد از اینکه عروس و داماد بیکدیگر اعتماد پیدا کردند برطرف خواهد شد ولی اگر بر این سرد مزاجی اولیه مدتی طولانی گذشت و بهبودی نیافت درمان آن سخت خواهد بود.

سرد مزاجی موقت که بیشتر ناشی از دوران بعد از سقط جنین یا ترس از بارداری یا مشاجره و دعوی با شوهر است بزودی برطرف می گردد.

اختلالات غددی - بیماریهای قند و عصبی و علل دستگاه تناسلی چون ضایعات میان دوراهی - مهبل - فرجی و انزال زودرس شوهر - نیز از جمله عللند.

علل روانی که خطرناکتر از همه همجنس گرایی است و هیستریک ها و وسواس ها و ... نیز از جمله اند.

درمان موارد فوق میتواند داروئی - روانپزشکی - جراحی - تعلیم و یاد دادن - هورمونتراپی و .... بوده که باید به پزشک یا روانپزشک مراجعه نمود.

اما طب قدیم برای درمان ناتوانیهای جنسی مطالبی دارد که از جمله:

تقسیم میکن بیماریهای مربوطه را به سه قسمت: فساد اعضاء ریشه - فساد در اعضاء که مستقیماً بر نعوظ و توانائی اثر بد دارند و اغماء و بیهوشی.

فساد اعضاء ریشه یا از دماغ است یا از ستون فقرات یا از قلب و فساد اعضاء چون معده بیماریهای معده و جگر و حرات و رطوبت و ...

ما به سردی و گرمی کار نداریم چیست و در جلدهای قبل با پذیرش

این موضوع چگونگی آن را در طب جدید شرح دادیم اما هم اکنون قبل از شروع دو مسئله را ذکر مینمائیم:

علاوه بر اینکه هر کس در انجام کارهای خداپسندانه یا فسق و فجور دیگری را راهنمایی کند یا یاری دهد در آن ثواب و عقابها شریک خواهد بود یک اصل کلی در اسلام برای استمرار اعمال صالحه و کارهای آلوده و زشت اینست که اگر کسی وضعی بوجود آورد که پس از مرگش عمل صالحی ادامه یافت یا فسق و فجوری استمرار پیدا کرد همان متوفی در آن شریک و سهیم خواهد بود مثلاً عمارتی ساخت که در آن روان یا جسم مردم به حیات بخشی و ارتقاء نائل آید و ثوابی برسد و صوابی عمل شود یا برعکس در آن رنج و شکنجه ببیند و عذابی برسد و آلودگی پدید آید برای آن مدت که آن عمارت برپاست عاقبت و عقوبت آن به او خواهد رسید و هم اکنون باید بگویم آنچه مطلب در جلدهای قبل و بعد و جلد حاضر آورده و خواهم آورد چنانچه در راه انجام کارهای غیر مشروع مورد استفاده قرار گیرد و در نتیجه در زمان حاضر و بعدها سهمی و بهره ای از گناه داشته باشم هم اکنون تنفر و انزجار خود را اعلام میدارم و عدم رضایت از آنچه آورده ام اظهار مینمایم.

دوم آنکه هر پیشنهادی میشود نباید همان را انتخاب قطعی دانست بلکه باید مورد تجربه قرار داد زیرا شناخت اوضاع نفس و تشخیص ابتلا و تطبیق داروهای قدیمی در مورد مخصوص کار آسانی نیست مثلاً- ممکن است یکی مزاج خود را سرد تشخیص داده فلان روغن را که مخصوص سرد مزاجان است بخورد بمالد و بعد متوجه شود که روغن گرم مزاجان بسی مؤثر بوده است.

مالیدنی برای سرد مزاجان روغن های قط - رازقی - نارجیل همراه با خوردن گوشت بریان ادویه دار و درست کرده از عنبر و مشک و مربای شقاقیل و مربای کرز بخورد.

اگر از حرارت است آلت را با روغن های بنفشه یا گل مالش دهند و شیر گاو یا شیر الاغ یا طباشیر یا اسفرزه با آب سرد بنوشند و بخورد خیار چنبر و سکنجبین و ....

و برای هر دو قسم گفته شده مالیدن چربی کوهان شتر مؤثر است.

برای اینکه پس از جماع زود قوه جماع دیگر بدست آید خوردن عسل و آب انگور شیرین و آبگوشت و غسل با آب سرد اگر سرماخوردگی پیش نیاید نافع است.

و کسیکه قوه باه او پس از جماع ساقط شود باید پس از جماع خود را گرم گرفته بخوابد و سپس تخم مرغ نیم برشته و کباب و آب انگور شیرین بخورد و عطر استعمال کند. غذا و میوه و سبزی خام یا پلو کرده با تخم مرغ لیموی شیرین و انار و کاهو و خیارشور و گوشت ماهی بخورد و با آب نیم گرم غسل نماید و در جلد نهم آنجا که از انار بحث کردم از خاصیت انار پس از جماع آوردم. مالیدن روغنهای معتدل بر بدن و استراحت نسبی و خوردن ترنجبین و خرما نیز نافع است.

نیمدرم الی یک درم مزر نجوش شربت شود برای کسانی که بعد از جماع لرزش دارند مفید است و اگر علاج شد حنظل و قناء الحمار و قنطیرون و تخم انجره باید بخورند و مشک و عنبر و سعد و روغن های قسط و نارجیل و سعد و ابهل و نانخواه به سر بمالند آنها که پس از جماع بخار شدیدی مثل شعله بمغزشان رسد میتوانند روغن گل به سر مالیده

قدری هم با گلاب بنوشند یا مخلوطی از سرکه و آب انگور به سر بمالند و ترشیجات بخورند (غوره و سماق و سرکه) و روغن گل در دماغ چکانده روغن بنفشه بسر بمالند و خواب بسیار کنند و یکدرمیان حمام روند.

خستگی شدید پس از جماع باید با قدری خوابیدن و خوردن غذای مقوی و غسل برطرف گردد.

ول بطور کلی پس از جماع اگر سردی غلبه کند که علامتش باریکی نبض و کندی آن است و سردی در اعضاء و پیهها و کشیدگی آنها و درد سر و گردن و سنگینی و برافروختن آنها و اگر گرمی غلبه کند تندی نبض است و التهاب و اشتغال و برافروختن در حال اول گوشت را آنقدر بپزد که آبش طعم گوشت کند بعد با زرده تخم مرغ و ادویه حاره مخلوط کرده (قرنفل - دارچین - شقاقل) بخورد و مشک بپوید و روغن بابونه و گل و مصطکی گرم کرده بمالد و خوردن پیاز و کرر و شلغم و چغندر بریان برای معده قوی خوب است غسل هم بکند و استراحت نماید.

اگر ناراحتی در جهت روانی اندوهی است تهیه شده از کدوی کوزه ای، تخم مرغ، ماست شیرین، نخود مغز سر مرغ و خروس و ماهی بریان و حلوی شکر که با خشخاش و مغز بادام باشد و بعد آبگوشت رقیق و آب سیب با بادام و شکر با کمی خولنجان -

کسیکه مدتی آمیزش نکرده یا باید شروع کند و اگر زیاد جماع کرده و ترک کند ممکن است آلتش ورم کند و درد زیاد گیرد.

لفل و فلفل سیاه و عاقر قرحا و قسط و خولنجان و ترب و ذکر گوساله و خصیه گورخر و زنجبیل و مغز پنبه دانه و اینسون و خشخاش تر و برزانجره و زعفران و گروه سقنقور و بیخ سوسن و بسباسه و تخم شلغم و تخم خربزه

و عود هندی و تخم کتان و هسته رطب تازه و پوست ترنج و تخم جرجر و تخم خیار و سعد و مسک و خارخسک تازه و تخم پیاز سفید و قرفه و دارچینی و مصطکی و پیه کوهان شتر و پیه شیر و ابی که آهن تافته در او سرد کرده اند و تخم کلم و تخم مارچوبه و تخم ترب و تخم کرفس و تخم کنگر و تخم شنبلیله و دانه صنوبر و زبان گنجشک و پسته و بادام و فندق و گردو و نارگیل و گهیر اوانقوزه و رنجبر و موز و سوسمار و بزمجه و سقنقور و ماهی گرم و شیر شتر و ماهی های کوچک خشک شده و تخم مرغ و مرغابی و جوجه همه و همه با زیاد میکنند و اگر چند ترکیب آن ذکر شود پنج مثقال را زیانه و تخم تر و تیزک کوبیده با شیر گاو خمیر کرده باندازه باقلا کرده (حدود یک مثقال شود) بخورد و بحمام رود و بدن را به سرکه و زیت و شیره تا جریری ماساژ دهد با یک جزو آب بیار و دو جزو عسل با آتش ملایم تا آبش تمام شود وقت خواب دو قاشق بخورد اما اگر خارخسک خشک را نرم بکوبد و آب خارخسک تازه بخوردش دهد و پنج مثقالش بردارد و دو مثقال با آب نیمگرم و شیر میل نماید قوت عجیبی در او پدید آید سیر بیابانی و تخم تر و تیزک و زنجبیل و دارچین همه را مساوی کوبیده و سائیده و با روغن کنجد خمیر کرده هر صبح ناشتا یکقاشق بخورد تخم کرس و شکر مساوی در روغن مخلوط کرده سه روز متوالی بخورد. تخم تر و تیزک پنج مثقال و تخم خرفه یکمثقال و نیم هر دو را کوفته یا عسل مخلوط کرده هفت روز بخورد هم شهوت مرد را زیاد میکند هم شهوت زن را.

زنجبیل و فلفل فرنگی و آویشن و اینسون و اکلیل کوبی و جعفری و برگ درخت غاز و تخم مرغ و هویج و مارچوبه و لوبیای قرمز و نارگیل و شقاقل و مارچوبه و کرفس و سیر و پیاز و داروهائی جدا شده از گیاهان یا حشرات

یا شیمیائی و همچنین وسایل فیزیکی و مکانیکی نیز هر کدام نزد افراد مستعد جواب بخصوص میدهند.

برای تحریک زن امروز از کاپوتهای خاردار استفاده مینمایند و در سابق در اطراف آلت مرد شن های فلزی یا اشیاء خاردار و موئین جا میدادند که زن را تحریک کند.

برای نعوظ مرد از تلمبه های تخلیه کننده که سبب میشود به آلت خون وارد شود و نعوظ باید و گاه خطرانی ایجاد میکرد بکار میبردند.

از الکتروتراپی، و شنیدن نوار ناله های زن در هنگام زایمان یا آمیزش یا ... و حتی فرو کردن چیزی در مقعد مرد نیز استفاده شده است. ناگفته نماند در مغرب زمین زن های لاستیکی بفروشو در اختیار مردان قرار داده میشود که هنگام جنگ بیشتر معمول میگردد و این کار در زمان غیر جنگ مورد استفاده کسانی قرار میگیرد که نمیخواهند با زن تماس بگیرند یا خرجی داشته باشند و این علم که در اسلام حرام است عوارضی بر آن مترتب است. موادی نیز وجود دارد که میل جنسی و قدرت آنرا کاهش میدهند و نیترات پتاسیم و برموران و آنتی بیرین و کافورو ... از آن جمله اند.

تریاک و مشتقات آن نیز اغلب از اول اوضاع را روبراه میکند ولی طولی نمیکشد که در ردیف بهترین کاهش دهنده قوای جنسی در میانند. حشیش چون درک زنان را مختل و مرد خیال میکند مدتی دراز نعوظ و آمیزش داشته و بر نعوظ نیز عقیده دارند مؤثر است ولی عوارضی چند به دنبال خواهد داشت بقیه داروها و مواد مشابه نیز اثرات زیان بخشی دارند.

الکل نیز کاهش دهنده قوای جنسی است و بزودی مرد خود را نسبت به زن مقایسه میکند و خود را گرفتار و زن را در آسایش تلقی میکند.

ناتوانی جنسی ممکن است مربوط به خرابی وسیله باشد یعنی عضوی از اعضاء تناسلی درست نباشد مثلاً سوراخ بجای آنکه در نوک حشفه باز شود در قسمت های دیگر بوده باشد و مرد مجبور باشد جایی ادرار کند که کسی او را نه بیند و همانند دختران بنشینند که کسی نفهمد و مواظب شلوارش باشد که باز نباشد و کسی اطلاع نیابد که وضع آلتش غیرعادی است و لذا به علل روانی و اینکه شاید از ناهنجاری که دارد دختران و زنان فراری باشند ناتوانی جنسی خواهد داشت.

البته بر پدر و مادر است که اگر چنین کودکی داشتند در همدان کودکی اقدام نمایند که با جراحی اصلاح گردد.

وضع دیگر بهم کشیدن شدن آلت و در نتیجه آن خمیده شدنش است که با سوختن پوست آلت یا سفت شدن بافت ها یا قسمتی دیگر یا رسوب کلسیم یا آماسها و سفلیس و ... پیش میآید و آلت را کج میکند و چه بسا دردهای مقعد که به آلت سرایت کند یا آماس حشفه یا قسمت دیگر آمیزش را دردناک نماید.

مجرای ادرار که بوسیله سوزاک یا غده های کوچک یا آماس تنگ میشود یا کیسه های منی یا پروستات صدمه می بیند یا شروع سرطان که با ناتوانی جنسی اعلام میگردد یا پروستاتی که عمل شده یا روده بزرگی که برداشته شده یا عملی که در نواحی مرکز نعوظی نخاعی انجام گرفته هم ممکن است ایجاد ناتوانی جنسی نمایند.

مسئله شب زفاف را که در جلد قبل شرح دادم باید از یاد نبرد



زیرا ممکن است برای داماد خسته و مضطرب نعوظ کاملی دست ندهد یا انزال زودرس پیش آید بخصوص اگر نتواند همان شب و چه بسا چند شب بعد پرده بکارت را پاره کند احساس حقارت و ناتوانی کرده و چه بسا در ماه عسل نیز این گرفتاری بعلت عوامل روانی برای وی بوده باشد.

کسانی که استمناء مینمایند و با استمناء به ارگاسم میرسند در برابر زن ناتوانند یا اگر استمناء دارند و در فکر عقوبتند عامل روانی آنها را به ناتوانی جنسی میکشاند و همجنس بازان که چه بسا در برابر زن نعوظ کامل نداشته باشند.

کودکانی که شاهد آمیزش پدر و مادر بوده اند و در جلد قبل شرح دادم چون عمل مذکور را خشونت و آزار شناخته اند و نمیخواهند همسر خود را آزار دهند چه بسا گرفتار عدم نعوظ کامل شوند بویژه اگر زن بسیار زیبا باشد و وی را در ردیف خواهر و مادر بحساب آورند یا زن فاحشه باشد که فقط برای گرفتن وجهی تسلیم شود که وی را از ردیف زن خارج و سبب عدم نعوظ کامل گردد.

استمناء اگر زیاد شود بیضه ها کوچک میشود و نقش مهمی که بیضه ها در آمیزش دارند باید از یاد نرود و میدانیم که اگر بیضه ها از بین بروند چه بطور کلی چه نسبی حال و فال و شکل و شمایل آدمی بطرف زن شدن متمایل میگردد.

تنبلی بیضه ها با دنبلان که خوردنش در اسلام حرام است و شرح آنرا در قسمت بهداشت بدن دادم و با خوردن جگر که در اسلام خوردن احشاء نیز کراهت دارد و شرح دادم و با خوردن ماهی و فلفل سیاه و مخلوط عسل و زنجبیل و بهارنارنج، جوانه گندم - پسته - شلغم چغندر

شیر - ثعلب - کله گنجشک ممکن است بهتر شود در بعضی کشورهای غربی سوپ لا-ک پشت و در برخی ممالک عربی سوپ سوسمار یا ملخ دریائی و خوردن موز را مفید میدانند.

نکته ای بسی مهم را که در کلیه موارد باید در نظر داشت رعایت سه مطلب است.

خوب جویدن غذا که در اسلام از مستحبات است و پزشکی فوق العاده به آن اهمیت میدهد که شرح داده ام.

کم خوردن غذا که در اسلام از مستحبات است و پزشکی میگوید عسل که بهترین غذاست اندکش دوا متعادلش غذا و زیادش بلاست و در مورد بحث نیز باید دانست هر چه درباره ناتوانی جنسی تجویز میشود اگر خوب جویده نشود اثر چندانی ندارد و اگر زیاد خورده شود اثر معکوس خواهد داشت.

دیگر آنکه هر غذائی مرد برای تقویت میخورد چه بهتر که همسر خود را نیز شریک گرداند (باستثنای چند غذا که شرح داده خواهد شد) تا روح احساسات شهوانی و تحریک در او نیز بوجود آید و غیرمستقیم بر مرد اثر بگذارد شیر خشت - کافور و رازیانه و گوشت حیوانات ماده که زیاد خورده شود برای بیضتین خوب نیست و حتی شیر گاوی که با رازیانه تغذیه شده همین اثر را دارد.

سرعت انزال را باید قبل از همه با رفع هر گونه انگلی از معده بر طرف ساخت و این کار را میتوان با خوردن تخمه کدو و اندکی ریشه درخت انار با داروهای مؤثر انجام داد و به خوردن احشاء که سرشار از ویتامین ب میباشد پرداخت ناگفته نماند که اثر کرما غیر مستقیم بوسیله

ضعیف ساختن اعصاب است که با خوردن بریانی گوشت بره و تفریحات سالم بویژه شنا و کنار دریا و خوردن ویتامین ها بخصوص ویتامین های گروه ب برطرف میشود.

کسانی که قبل از ازدواج آمیزشی نداشته اند هنگام ازدواج تا مدتی انزال زودرس دارند که بزودی برطرف خواهد شد و برای کسانی که انزال زودرس دارند ملاحظه و عشق بازی قبل از آمیزش سودمندتر از دیگران است

علاوه بر غذاهای قبلی خوردن زعفران و خاویار که این نیز در اسلام خوردنش بخاطر فلس نداشتن ماهی آن حرام است مؤثر میباشد.

تسلسل منی نیز از جمله ابتلائات آزاردهنده میباشد که مرد با سوار شدن بر زین یا خنده شدید تا ترس یا صداهای غیرعادی یا ... سبب میشود منی از آنها خارج شود و در قدیم مجرای ادرار را داغ می کردند ولی دست برداشتن از استمناء و آمیزش هفته ای دو بار و تفریحات سالم و بخصوص دوش آب سرد گرفتن مرتب و بستن کمربند هنگام خواب و کم خوردن غذا در شب و خوردن داروهای مقوی اعصاب چون گل گاو زبان و دارچین و شیر نارگیل و تخم مرغ و توت فرنگی و گلابی و لوبیا و عدس و هویج و کلم قمری و انار و موز و انگور و آنچه قبلا شرح دادم مفید است از بین بردن کانونهای عفونی و بیوست که هر دو مسمون کننده نزد این اشخاص لازم میباشد.

دیر انزال شدن هم حدی دارد و اگر زیاد بود باید معالجه شود همجنس بازان اغلب نزد زن که میروند یا نعوظ ندارند یا انزال تاخیری دارند یا آنها که از همجنس بازی بدشان میاید اگر لواط کنند ممکن است انزالشان دیر صورت گیرد. استعمال کاپوت که حساسیت مرد

را کم میکند یا زیادی ترشح مهبل زن که مرد را ناخوش آید یا زنی باشد که مرد بعلت زشتی یا بداخلاق بودن از او خوشش نیاید و نزد معتادان بالکل و تریاک و مردی که مرتب کاری کند تا نعوظ یابد و بدون انزال تمام شود و مدت‌ها کارش همین باشد همه و همه ممکن است یا نعوظ نداشته باشند یا نعوظ تاخیری داشته باشند.

نامبردگان باید در یک شب بیش از یکنوخت مقاربت نکنند خوراکهائی را که شرح دادم بخورند دوش آب سرد بگیرند مرتب سیرینها و دستگاه تناسلی خود را به آب سرد بزنند تا جریان خون در آنجا سریع شود.

کسانی که انزال تأخیری دارند اغلب دیگری را در نظر آورده و انزال مینمایند و زیان آنرا در جلد قبل شرح دادم اما کسانی که نعوظ ندارند یا علت روانی دارد یا بدنی که نوع اخیر یا مادرزادی است یا آنکه اکتسابی و عارضه ای میباشد آنها که مادرزادی است باید به پزشک مراجعه و جراح و متخصص غدد آنها را به بیند و مربوط بهر کدام است اگر قابل درمان باشد اقدام نماید.

آنها که عارضه ای سبب شده بیضه ها از بین برود (جنگ - سرطان - بیماری دیگر) درمانشان مشکل است اما بسیاری که سوء تغذیه داشته اند یا داروهائی خورده یا میخورند یا معتاد به الکل و یا افیوند یا در جوانی افراط در آمیزش داشته اند یا سنشان زیاد و در هر صورت غذاها و داروهائی که قبلا شرح داده شد و کاهو و سیر مفید است.

اما آنها که علت روحی سبب عدم نعوظشان میشود یا جوانهای فجولند مخصوصا اگر بخواهند یا زنی مسن تر از خود آمیزش کنند یا در اولین آغوش دچار اضطراب شده اند یا ترس از عدم موفقیت در ازاله بکارت

یا وحشت از زنی که خیال میکنند بیمار است یا تنفر از زن که اغلب در برخورد با فواحش پیش میاید و جوانانی که آلت کوچکی دارند و از زن خجالت میکشند در صورتیکه زن از جوان خوشش میآید و آن هم آلت کوچک دارد و زن دیر انزال شدن را دوست دارد نه آلت بزرگ یا کوچک.

دوش آب سرد - آب دریا - مقویات اعصاب و تلقین و اعتماد به نفس در این مورد نافع است.

اگر نعوظ دیر حاصل شود و از سی و پنج سالگی بعد دست دهد شخص یا معتاد به تریاک و مشتقات آنست یا استمناء داشته است و در سنین بالاتر علامت اینست که میخواهد بتدریج نعوظ از دست برود که با خوردن کاهو، زعفران، توت، فلفل سیاه و یا سبز بمقدار کم ممکن است برطرف شود ولی مبتلایان به تریاک و جلق باید از دوش آب سرد و ورزش و اسب سواری و هورمونها استفاده نمایند و اعتیاد را نیز ترک نمایند.

اگر نعوظ حاصل میشود اما بلافاصله تمام میگردد و این انزال زودرس اغلب نزد کسانی است که استمناء میکرده اند باید مخلوطی از زنجبیل و عسل، تخم مرغ تازه و گوشت و پیاز با هم بریان کرده بخورند، شلغم پخته و شیر نارگیل و موز و ماهی میگو و ثبلت نیز مؤثر است بعلاوه باید دست از استمناء برداشت و عوامل از بین برنده نعوظ را نیز برطرف ساخت از قبیل ترشیجات مهبل یا ...

نعوظ اگر ناقص است یعنی شق و محکم نیست که شخص پیر و مبتلا- به استمناء یا کسی که افراط در آمیزش داشته یا شخصی که بیضه اش پائین نیامده ممکن است دچار باشد موردی است که باید به متخصص مربوطه

مراجعه نماید.

علاوه بر آنچه گفته شد سیگار کشیدن و سرگرمی ها چون سواری و ورزشی که بصورت سرگرمی با درآمد و برای سلامتی نباشد و پرخوری و زیاد خوردن حتی موادی که قوه باه را افزایش میدهد قوای جنسی را کاهش میدهد و دنبلان و زعفران و موز و میگو و خاویار نیز تمایلات زنان را از بین میبرد و برعکس را زبانه زیاد میکند.

جا دارد از کسانی که دست بگریبان احتلام مرتب هستند تذکر داد، شود اگر معده زیاد پر نباشد و به تخیلات شهوانی پرداخته نشود و در شب که بیدار میشود ادرار از مثانه خالی شود و دو سه مرتبه یا هر مرتبه بیدار شد آب سرد بر آلت بریزد و کمر را با بستن پارچه گرم بگیرد با احتمال قوی که از آن نجات یابد.

روغن هائیکه باه را زیاد میکند و قوت میدهد روغن نرگس بلسان سوسن، ترنج، بالونه، رازقی، بان، زنبق بنفش، مغز پنبه دانه، روغن رازقی اگر بر بیخ ران و شکم و خصیتین و ذکر و معده و کف پا بمالند یا اگر پنبه دانه را بکوبند و آب آنقدر بر او بریزند که او را فرا گیرد و به آتش نرم او را بپزد و چون خوب پخته شد و چسبنده باقی ماند آنرا به قصب و کف پا بمالند اثر کند یا روغن زنبق بر مورچه پردار بزرگ بریزد و شیشه را در آفتاب گذارد تا بشکل روغن شود و کف پا بمالد (ممکن است بجای روغن زنبق آب پیاز صحرائی که غنصل است بر مورچگان ریزد و جهل روز در آفتاب بیاویزد و بعد به آلت بمالد یا فلفل سفید ده دانه کوبیده با عسل و روغن زنبق هفت روز در شیشه نگاهدارد و بعد به سرآلت بمالد پیه مرغ و پیه شیر نیز به آلت بمالند یا زهره بز نر را بر خصیتین بمالد.

از آنچه که میتوان با آنها مربا درست کرد مفید است قبل از همه باید دانست که مربا بدون ادویه که مهمترین آنها زنجبیل و دارچین و قرفه و میخک و جوز بوا و مصطکی و عود هندی است میتوان به تساوی با یک مثقال زعفران و شکر و نیم مثقال مشک همه را کوفته برای مربا کردن آماده داشت. مربای شقاقل که چهار رطل گرفته درد یک سنگی آب بر او ریزند که سر آنرا بپوشاند و با آتش ملایم بپزند و بعد پوست کنده با عسل که آنرا بپوشاند بجوشانند و خیلی نافع است.

مغز زردک دو رطل در دیک سنگی آب بریزید آنقدر که او را بپوشاند و آتش نرم بر او کنند پس سرد کنند و خشک نمایند برای مربا یا سیب بدون عیب پوست کنده یا عسل آنقدر که فرا گرفته شود با آتش ملایم بجوشانند یا گردوی تازه که پوستش سفت نشده (یا اگر سفت شده پوست بکنند) در دیکی نموده عسل بقدری ریزند که او را فرا گیرد بعد در کوزه ابگینه نمایند با تنقیه نیز میتوان اقدام کرد بعد از تخلیه باید باشد:

بالونه و تخم کتان و زاغ و شنبلیله هر کدام هفت مثقال و سفز و خار خشک چهارده مثقال همه را در پنج رطل آب بجوشاند تا یکرطل بماند صاف کرده با پانزده مثقال روغن کنجد و هفت مثقال شکر سرخ تنقیه نمایند

لعاب اسفرزه و لعاب شنبلیله و آب فشرده چغندر و لعاب خطمی از هرد کدام دو مثقال پنج مثقال بوره و پنج مثقال شکر سرخ و ده مثقال روغن کنجد و تنقیه نمایند.

شیاف که بسیار نافع باشد از تخم تر و تیزک و بیروج الصنم که لعبه هم گویند و پنبه دانه بقدر مساوی از هر کدام کوفته با آب تر و تیزک شیاف بسازدک. قنطریون و موم روغن سوسن شیاف نمایند. بیه سقنقور با قند

بسیار نافع است. مغز پنبه دان و عاقر قرحا و گوشت مرغابی بزرگ یا بذر البنج را در آب بجوشانند تا آبش تمام شود با پنبه بردارد و استعمال نماید.

عاقر قرحا و فلفل و زنجبیل بقدر مساوی با زرده تخم مرغ جوشانده و عسل قبل از غذا و بعد از غذا خورده شود بسیار نافع است. مغز بادام و مغز فندق و مغز تمره صنوبر بزرگ و کنجد بقدر مساوی و زنجبیل و فلفل و قند که بقوام عسل باشد صبح و شب یکقاشق باندازه گردو بخورند علاوه بر تقویت باه لذت جماع را نیز زیاد کند.

چون کتابهای چندی در این باره نوشته شده و داروئی هم بوده است که بیماریش هرگز تمام نمیشود و لذا در تمام کتب طبی که از قرابادین بحثی است در این مورد مطالبی هست بهمین اندازه اکتفا میشود.

هر چند کتابهای مورد بحث دور از شعر و شاعرند اما شعری که بنا بر مشهور منسوب به ابن سینا که مربوط به مطلب مذکور است و کسی از وی سئوال کرده آورده میشود: خدایگان افاضل ملت دین که با وجود تو چرخ ستیزه نستیزد - تو آن طبیب مسیحا دمی که در عالم - که با وجود تو علت ز خلق بگریزد - مراست علتی از ضعف پشت سستی باه - کز این جهت دل غمگین بخون در آمیزد. دو هفته میگذرد ای طیب کاین غصوم - حرارتی که شهوت بود نه انگیزد. نمیشود بکسی ملتفت در این مدت - مگر به عنف دمی با زنی در آمیزد. خروس وار سحر خیز بود مرا اکنون - چون ماکیان ز سر بیضه بر نمیخیزد. هنوز ناشده اندر سرای چون مستان - ز پا در آید وقی از دهن فرو ریزد. خدایرا من بیچاره را دوائی کن - و گرنه یار به پیشم چو بخت بگریزد.



جوابی که ابن سینا داد گویند چنین بوده است:

آیا خجسته سئوالی که گام نظم سخن - ز بحر طبع لطیفت گهر بپزد. سئوال کرده ای از ضعف پشت و سستی باه - چنین سئوال ملیحی دگر که انگیزد. ز نار جیل و شقاقل ز خرفه بهمن - ز زنجبیل بگویند در گر فرو ریزد. ز زعفران سقنقور و مغز چلغوزه - ز سعد و سنبل و مغز چغوک آمیزد. غذای خویش همه قلیه نرگس باشد - بشرط آنکه ز دیگر غذا به پرهیزد. به هفته ذکر آن عضو همچنان گردد - که از صلابت آن نره شیر بگریزد. هزان نگار مهر پوشن که ضرب آن بیند - چنان مطیع تو بر پوش گردد که از تو نگریزد

### متفرقه

قبل از آنکه وارد شوم باید متوجهتان سازم که با خواندن این دو جلد اخیر بویژه با خواندن بحث هائی چنین که هم اکنون خواهم آورد تعجب خواهید کرد و بذهنتان خواهد رسید که چه شد یکجای کتابهای اولین دانشگاه و آخرین پیامبر از اعجاز علمی قرآن مطالبی دارد و جای دیگر از بهداشت گورستان بحث مینماید و جایی فرق نابغه و پیامبر و ناگهان به سقیفه سر میزند و رد پای یهود را در آن محل تعقیب میکند و اینکه به طرز آمیزش و طرف گوناگون آن پرداخته و هم اکنون سخنانی شرم آور را بمیان می آورد و حال آنکه باید توجه داشت دین از سیاست جدا نیست (جلد ۲ - ۳۰۴ و جلد ۱۱ مربوطه) بهمین دلیل است که سیاست خارجی و استعمار میخوهد در مدارس ما طرز آمیزش را درس

دهد و دستگاههای تناسلی را قواره ریزی کرده مجسمه بسازد و درس علمی آزمایشگاهی شروع کند ولی اسلام این را هم فراموش نکرده به آنها که نیازمندند درس مربوطه را داده از هر قسمتی که باشد با فرمان (لا حياء فی الدین) چیزی را حتی از راهنمایی عروس و داماد در شب زفاف دریغ نداشته و برای بیشتر و بهتر لذت بردن شرعی همسران از یکدیگر در تمام قسمت های آن وارد شده است و ملاحظه فرمودید همان رسول خاتم و فرستاده الهی که از فرط عبادت به او وحی میرسد (طه ما انزلنا علیک القرآن لثقی) قرآن را برایت نفرستادیم تا در مشقت باشی آری همین رسول میفرماید از دنیای شما زن و عطر را دوست دارم و نور چشم من در نماز است و قبلا- آنرا شرح دادم و نیز معظم له میفرمایند برای آماده کردن زن باید قبلا با او بازی و ملعبه کرد و آمیزش آدمی نباید همانند گنجشک باشد که نر از هوا برسد بر ماده بنشیند و بلند گردد.

در این قسمت پر آزرتم ترین و شرم آورترین مطالب ذکر شده است و بعد از این چون آمیزش و زایمان تمام میشود و نوزاد متولد میشود کمتر چنین پیش آمدی خواهد کرد هر چند بحث هائی از فریدویسم باز اوضاع و احوالی مربوط به سکس پیش خواهد آورد و بهر صورت این عنوان «متفرقه» بحث زیر را بصورت جنگ متفرقه در آورده و از هر قسمتی مطلبی دارد که رعایت هر کدام زندگی را شیرین تر و سزاوارتر مینماید و برای نمونه اشاره به مطلبی مینمایم که چند سال قبل همه روزنامه ها آنرا اطلاع دادند:

در یکی از شهرهای لبنان ناگهان متوجه شدند آمار طلاق بطرز سرسام آوری بالا رفته است پس از بررسی متوجه شدند شهر به تازگی لوله

کشی شده و قبلا چشمه ها و مراکز آبدهی داشته که زنان میرفتند و ظروف خود را پر از آب میکرده و در ضمن درد دلها و سخنانی با یکدیگر میداشته اند و اینک لوله کشی مانع از مصاحبت و عقده کشائیهای زنان شده است جبران آنها با مرد خانه کرده و چون در برابر شوهران رفع نیازمندهای گفتاری آنان نمیشده کار به محاوره و مشاجره و مجادله و طلاق میکشیده است و هم اکنون مواردی از ملاحظه میفرمائید که اگر رعایت شود زندگی را بهتر نمودار خواهد ساخت و شیرین تر خواهد گرداند.

هرگاه مرد تب کرد یا بیمار شد زن باید به مرد بفهماند که برای رعایت حالش به او نزدیک نمیوشد اما اگر زن تب کرد یا بیمار شد مرد باید به او بفهماند که همسرش در هر وضعی و سنی باشد به او علاقه دارد باید به او نزدیک شود و در صورتیکه آمادگی به تمکین اعلام نمود با وی نزدیکی کند.

زن باید سعی کند هر جای بدنش بو دارد به بینی مرد نزدیک نشود ولی مرد اگر چنین کند و زن به آن پی ببرد درست نیست بلکه اگر مرد زیر بغل بدبوئی داشت باید آنها بشوید و به زن بفهماند بخاطر او آنها شسته اما اگر زن صورتش را به بغل مرد نزدیک کرد و هنوز بوی بد دارد نباید آنها از زن دور نمود اما زن باید تا سر حد امکان عفونت را برطرف سازد یا بشوید بطرقی که قبلا یاد داده شد اما سعی کند اگر بوئی باقی مانده به صورت مرد نزدیک نشود. مرد بفهمد زن زیربغلش را بخاطر او تمیز کرده نیکوست اما با وجود این نباید آنقسمت را زن به بینی مرد نزدیک نماید. سعد و اشنان و زنجبیل و کندر جودین و خوردن بوی دهان را که بدترین بوهاست میتواند نافع باشد در آنجا که

بحث از درمان استمنا کردم یادتان باشد آوردم که موی بسیار بر بدن گذاشتن و عزم و اراده داشتن و روزه گرفتن چگونه از طرف اسلام پیشنهاد شده است و در این باره قدما نیز ستودن موهای بدن را برای تقویت باه پیشنهاد مینماید. خوشبو ساختن با عطر را محرک اما گلاب بصورت زدن را سبب سستی معرفی مینمایند و مرد یا زنی که به مستراح رفته اند نباید بلافاصله پس از خروج از مستراح به فراش نزد همسر خود بروند بلکه باید لحظاتی که برطرف کننده پوست درنگ گردد. زن نباید خود را چنان باز بدارد که مرد در هنگام آمیزش نفهمد که چه کرده است بلکه باید سعی کند تا حد ممکن آلت مرد فشرده شود نه به حدیکه مرد احساس کاملاً تصنعی بودن آنرا بنماید.

زن نباید همانند لخته ای و لاشه ای بیفتد بلکه باید در هر مرحله ابراز رنج و ناله کند و پس از چند نوبت آمیزش بفهمد که با چگونه اظهار رنج کردنی شوهر را خوشتر آید و این بسیار مهم است در برابر مرد باید حالت شهامت و شجاعت نشان دهد و همانند شیری که بطعمه رسیده و میغرد و میخورد باشد و به رسیدن یک قسمت دو بدن بهم هرگز اکتفا نکند که اگر هر عضوی بیشتر دخالت کند حتی یک دست به سینه و دست دیگر به لای موهای بدن نوازش دهد بهتر است ولی زن باید حالت پناه گیری و پناه آوردن داشته باشد یا دست مرد بگیرد یا به گردنش آویزد یا ... سرعت و سختی در دخول و آرامش و نرمی برای کناره گیری زن را راضی تر سازد و کسیکه قدرت دارد چنانچه هنگام دخول سر آلت خود را بهر طرف ببرد بهتر است و اگر مرد از زن پیرسد چه میشود و کجاست و .... زن پاسخ خواهد داد و کاملاً راضی خواهد برد و چه بهتر که

زن نیز در پاسخ مرد حرکاتی کند که به تجربه پس از چند نوبت آمیزش خواهد فهمید که شوهرش کدام حرکت را دوست تر دارد و بیشتر تشخیص دادن زن از راه مبامعه است و صدائی که مرد در آن حال خواهد داشت

پس از آمیزش خوابیدن بدننده راست سفارش شده است. به جلد ۱۷ که خوابیدن را دارد مراجعه شود.

از جمله دستورهائی که برای فربه شدن زن نافع است خوردن ترکیب زیر است:

نخود را یک شبانه روز در شیر گاو بخیساند بعد برنج سفید شسته و تخم خشخاش کوبیده و گندم و جو که پخته شده با هم مخلوط کرده بهم زده تا قوام آید بعد بادام افزوده هر روز با شیر بخورد و بحمام گرم رود.

آرد باقلا و نخود و برنج و جو بقدر مساوی و نصف از این تساوی عدس و ماش پوست کنده و خشخاش و یک برابر و نیم گندم بلغور و کنجد و دو برابر شکر مخلوط کرده صبح و عصر با قدری آب نعنای میل نمایید.

داروی فربهی که ابن سینا تجویز کرده برگ شاهدانه را یک شبانه روز در آب بخیساند بعد با آب بشوید و با روغن مخلوط کرده بر آتش گرم کرده هموزنش شکر و همانقدر گردو و چهار برابر بادام افزوده هر شب مقداری بخورد.

هسته مویز با صمغ عربی سه مثقال و شب یک مثقال و خوردن آب لوبیای قرمز و گوشت.

اما خوشبو ساختن خود:

سوسنبر و نعنای و مرزنجوش و برگ سیب بقدر مساوی آب بریزند تا

چهار انگشت بالای آنها بایستد و بجوشاند تا ثلث شود صاف کرده بر بدن بمالند.

سعد و گل و مشک مساوی کوفته گرد کرده با گلاب بر بدنی که بوی عرق می‌دهد بمالند.

راسن خشک و زراوند بلند سوخته شده و برگ چنار سوخته شده و هسته زیتون سوخته و آبگینه سوخته و زعفران بقدر مساوی سائیده پودر کرده با آب برگ مو خمیر نمود، در سایه خشک کرده زیر بغل را تراشیده از آن پودر بمالند بوی زیر بغل زایل شود.

ناگفته نماند داروهائی برای تنگ نمودن مجاری است یا خشک یا پاک یا خوشبو نماید در کتابهای قدیمی دیده میشود و نیز داروهائی که آدمی را برای آمیزش بهیجان آورد و داروهائی که موها بریزد و دیگر بیرون نیاید یا حيله ای دارویی که زن به مرد التماس کند یا مرد زن را تمنا نماید و از شرح و اطناب پرهیز میشود.

البته بوئیدنهایی نیز هست که قوه باه را زیاد مینماید چون روغن بان که با اقادیه و مشک مخلوط کرده گلوله ای بسازند و بپویند.

اما غذاهائی که برای برطرف کردن ضعف باه نیکوست: گوشت گوسفند با پیاز و نخود در صورتیکه کباب شود نه جوشانده دیگر تخم مرغ نیم برشته با فلفل و زنجبیل و دارچین و خولنجان و نمک سقنقور و غذاهائی که در او شلغم و زردک و مغز سر گنجشک یا کبوتر و سماق و شیر و فسنجون و تر و تیزک و گندنا و کنگر و نعناع و ... و محرورین ماست و شیر و ماهی بریان و خربزه و خیار سبز و خیار چنبر و کدو و سبزیهای تر و کاهو و خرفه

اما خوراک نافع چنین است: تخم چهار پیاز را بریان کند و

پوستش بکند و بکوبد و با یک کیلو و نیم گوشت در کمی آب بپزد تا یک فنجان بماند پس کوبیده و با پیاز سرخ کرده و زرده بیست تخم مرغ و ادویه و نمک مخلوط کند و زردک هم باشد بریان کرده اضافه نماید و با روغن گوسفند یا روغن کنجد پخته و بخورد.

اما چیزهاییکه باه را کم نمیکنند ولی جماع را لذت می بخشد: جوز بوا و فلفل و عاقر قرحا و سنبل و مشک و خولنجان هر کدام باشد بقدر مساوی با عسلی که زنجبیل و شقاقل در او پرورده اند خمیر کرده بر آلت بمالند یا زهره مرغ و کمی زنجبیل پودر کرده مخلوط کرده بر ذکر بمالد یا عود قرح را پودر کرده با عسل خمیر نموده حب باندازه نخود کرده خشک نموده موقع لزوم با آب دهان خمیر نمود بر آلت بمالد یا فلفل و دار فلفل و سنبل و مرزه مساوی کوبیده با شیر زنجبیل خمیر کرده بمالد یا زنجبیل کوفته با روغن زنبق مخلوط کرده بمالند یا دم شتر با پوست و استخوانش سائیده با شراب کهنه مخلوط بر بیضه ها بمالد.

البته در کتابهای قدیمی انواع و اقسام دیگر برای هر عنوان ذکر شده وجود دارد که بقدر کافی آورده شد.

### قدرت دفاعی تعیین جنس

تاکنون دو سه نوبت این مسئله پیش آورده شد اما تکرار آن در این جا مورد دارد زیرا بحثی واردتر بنظر رسیده و حاوی مطالبی اضافی نیز خواهد بود:

از آن روز که بشر در پی آمارگیری برآمده است توجهش به تساوی

ارقامی زن و مرد در سراسر جهان جلب شده است گرچه در برخی کشورها تعداد زن یا مرد بیشتر است اما در سطح جهانی اختلاف جزئی بوده و افزایش عده زن بر مرد قابل اغماض می‌باشد و نر و ماده هر موجودی به تناسب و مقدار معلوم است (و ما نزله الا بقدر معلوم - قرآن)

روزی که نویسنده دانشجوی پزشکی بود آمار متولدین را چنین تدریس میکردند که در برابر هر یکهزار دختر یکهزار روسی بسر متولد میشود و علتش را چنین توجیه میکردند که مرگ و میر بیشتر از حد نوزاد پسر سبب چنین پیش بینی جبرانی شده است که از طرف هستی توجیه می گردد و امروز این رقم را هزار در برابر ۱۰۵۳ نوشته اند که در سال ۱۹۷۳ اعلام گردیده است (سقط بیشتر پسر - مرگ نوزاد شش ماهه پسر که بیشتر است - جنگها و کارهای زمخت که بر مردها واگذار میشود و ....)

آنچه توجه متخصصان را جلب کرده است افزایش آماری پسران در زمان جنگ و در کشورهای جنگ زده می‌باشد که هر مملکتی جنس ذکور خود را بیشتر از دست داده بود رقم تولیدی پسر در آن کشور بیش از زمان صلح نشان داده میشد و چون بمیزان تعادل سابق برمیگشت و زن و مرد بتساوی میرسیدند آمار به نحو سابق برگشت داده میشد هر چند این آمار در جنگ بین الملل اول کاملاً چشمگیر بود اما تسلط مکتب های مادیگری ناشی از افکار کارل ماکس و انگلس و داروین و فروید و نیچه و ... سبب هراس و اضطراب دانشمندان گردید که چون در اثر جنگ قحط و غلا پیش آمده و در نتیجه پروتئین کمتری به بشر میرسد فرزندان بیشتری پیدا خواهد کرد و فقرا را می بینیم که فرزندان بیشتری دارند اما غافل از این



مطلب که چرا کشته شدن مردها در برابر تولید بیشتر پسر قرار میگیرد و اگر حیوانات را نیز مورد آزمایش قرار داده هر چه جنس نر دارد بکشیم متولدین بعدی بیشتر نر خواهند بود.

بهمان تناسب که قرن اخیز برعکس قرن ۱۹ با جلال و جبروت خاصی دانشمندانی بزرگ و همه خداپرست داشت بشریت مجبور به اقرار و اعتراف دخالت مد بر حکیمی در امور گردید زیرا باز در جنگ بین الملل دوم مشاهده گردید در کشورهای جنگ زده متولدین پسر به تناسب خاصی افزایش یافته است و دیگر عصر تفوق دین و اقرار و اعتراف به نظم کائنات و بالاخره اجبار به اینکه نیروی شاعر و حکیم در برابر داشتن جنس نر و ماده در انسان و حیوانات و حشرات و ... دخالت مینماید و سرایت این اعتراف و اقرار به مجلات و روزنامه ها. (۱)

مطلب جالب دیگر تقسیم متولدین به دو بهره مساوی است که یک گروه را به شب و گروه دیگر را به روز اختصاص داده است یعنی برعکس آنچه تاکنون تصور میکردند آمار متولدین در شب و روز مساوی است.

گویا همانگونه که بشر از لحاظ جنس دو نوع است جنس اول و جنس دوم - مرد و زن از لحاظ علم کرونوبیولژی نیز لازم است دو قسم شود یک قسمت شب متولد شود یک قسمت روز جنس اول و دوم برای پدری کردن و مادری نمودن و نگهداری بقای نسل اما تساوی متولدین شب و روز برای شب و روز برای چه؟ آیا چه خاصیتی است.

علاوه تر آنکه آیا قسمت های دیگری برای آدمی منظور شده است یعنی از هر لحاظ آدمی در عالم اضداد خلق شده است؟ بدون شک

جواب مثبت است زیرا در آن زمان که کراب مرد قورباغه ای انگلستان گم شد و بعد سر از مسکو در آورد و توجه دانشمندان به زندگی مردان قورباغه ای دنیا جلب شد ملاحظه نمودند در بین دو هزار نفرشان (دو هزار مرد قورباغه ای) کمتر اولاد پسر وجود دارد یعنی محیط آب برای زندگی و تماس بیشتر برای حفظ تساوی زن و مرد مساعد نیست و تساوی مرد و زن بر کره خاک با یک نیروی شاعر مراقبت میشود

اینکه میگفتند متولدین شب بیشتر است از اینجهت بود که روز کمتر به زایشگاه مراجعه مینمودند ترسی نداشتند میگفتند اگر به متخصص نیازی بود بیمارستانها و درمانگاهها و مطب ها پر از دکتر است ولی همینکه هوا تاریک میشد ترس اینکه مبادا شب پیش آمدی کند و دسترسی به دکتر و دارو و آمبولانس و ... نباشد به زایشگاه میرفتند و آمار شبانه زایشگاه رقم بیشتری نشان میداد.

مطلب دیگر توجه به بهتر انجام گرفتن زایمانهای طبیعی در خانه بجای زایشگاه است که امروز قاطعیت یافته و طرفداران زیادی داشته و عوارض ناشی از زایمان در زایشگاهها را در خانه کمتر آمار میدهند حتی روش سرخشت رفتن و وضعی را که ماماها قدیمی برای زائو پیشنهاد میکردند امروز بهتر میدانند همانگونه که ساختمان چند طبقه ای بیمارستانها و زایشگاهها هم اکنون مورد سرزنش و پیشنهاد ساختمانهای مذکور را در دو و حداکثر در سه طبقه میدهند با داشتن حیاطی وسیعتر و دلپذیرتر یعنی تازه به آنجا رسیده اند که اسلام چهارده قرن قبل رسیده بود و پیامبرش حتی داشتن خانه نورانی و وسیع و حیاط دار را پیشنهاد فرموده و از جمله سعادت مرد بشمار آوردند.

درباره فشارهای رحم که بر جنین وارد میشود شرح دادم که سبب میشود نوزاد بتواند فشارهای زندگی را در بزرگی تحمل کند و درباره دردهای زایمانی که با همان فشارها مرتبط است قبلا آوردم که عدمش سبب میشود حیوان یا انسان نسبت به بچه اش علاقه و عاطفه کمتری داشته باشد. بزرگ کردن فرزند در رحم های مصنوعی نیز مسئله ای تازه ای است که با مونتاز نطفه های زن و مرد صورت میگیرد رحمی که حرارت و رطوبت و تمام امکانات یک رحم طبیعی در آن فراهم آورده شده است اما بعلت وارد نشدن ترشحات ناشی از همکاریهای اعصاب با غدد که از راه خون مادر به جنین باید برسد و نمیرسد فرزندان رحم های مصنوعی تنوع مربوط به تکامل را از دست داده و در یک بی تفاوتی خواهند ماند چنانچه بر نردبان خلقت سراشیب شویم در درجه پائین تر بین یک افراد یکنوع شباهت بیشتری می بینیم و هر چه بالاتر رویم تنوع چشمگیرتر است اما مقصود من از ذکر این مطلب توجه دادن به یک معجزه علمی دیگر قرآن است که در سوره واقعه اگر اشاره بهمه زرع میشود (انتم تزرعونه ام نحن الزارعون) یا بیرون آمدن آتش را میفرماید (انتم انزلتموه من المزن) اما به خلقت انسان که میرسد میفرماید (افرایتم ما تولدون) بلکه اشاره به مرحله منی سازی می فرماید (افرایتم ما تمنون انتم تخلقونه ام نحن الخالقون) راستی صدق الله العلی العظیم و صدق و صدق رسوله النبی الامین الکریم.

## جنس جنین

خوانندگان در آن جلد (قسمت مربوطه به سقط جنین) تا حدودی به آنچه اسلام درباره تشکیل جنین و دگرذیسی هایش گفته بود آشنا شدند و آنچه اینک در اینجا آورده میشود نظر اسلام است درباره تعیین جنس جنین که از طرف مرد خواهد بود.

کلمه روح را میدانیم بهر یکی از طرفین که در انسان و حیوان قرینه جنسی یکدیگرند گفته میشود (و در مواردی دیگر) و جعل منه الزوجین الذکر و الانثی (آیه شریفه) از آنجمله میباشد که مرد را زوج زن و زن را زوج مرد معرفی میفرماید (و زوجک الجنه - آیه شریفه) و جمع زوجه زوجات است (بر وزن موجات) و جمع دیگر ازواج (هم و ازواجهم احشروا الذین ظلموا و ازواجهم - آیات شریفه) یعنی اقتران آنها. از اینقرار آیه جعل لکم من انفسکم ازواجاً که خطاب به مذکر است ازواج میشود همسران آنها و نیز در آیه و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم ازواجاً (۱۱ / الفاطر) که میفرماید پروردگار شما را خلق فرموده از خاک و سپس از نطفه و بعد همسرانتان را.

اکفرت بالذی خلقک من تراب ثم من نطفه ثم سوّیک رجلاً (۱۲۷ الکهف) مردی به مردی دیگر میگوید آیا کافر شدی به آنکه آفریدت از

خاک سپس از نطفه پس ترا مردی برپا ساخت.

و انه خلق الزوجین الذکر و الانثی من نطفه اذ اتمنی (۴۶ / النجم)

انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج (۲ / الانسان)

ملاحظه فرمائید انسان را چه نر و چه ماده خلق شده از نطفه میداند (۴۶ / النجم) و از نطفه مرد گاهی مرد را جدا شده معرفی میفرماید (۱۳۷) و گاهی از نطفه مرد آفرینش زن را نشان میدهد (۱۱ / الفاطر) یعنی بصارحت سرنوشت پسر یا دختر شدن را قرآن کریم به دست مرد معرفی میفرماید و چون به روایات وارد شده در این مورد مراجعه نمائیم مطالب جالبتری هم بدست میآید:

آنچه امکان دارد مطلب ما را تأیید کند اشاره قرآن کریم به خلقت آدمی از یک نفس واحده است که چون نفس واحده معنای حیات عمومی را نمیدهد و مرادف با فرد و شخصی آورده شده و قرآن نیز آنرا تأیید میفرماید (۴۸ - ۱۲۳ / البقره - ۱۴۵ / آل عمران - ۱۰۰ / یونس - ۱۰۵ هود - ۲۸ / لقمان) لاجرم اگر همه را بگوئیم از یک پدر بوجود آمده اند اشکالی ندارد (استقلال خلقت حضرت آدم) یا بگوئیم تعیین جنس با پدر است.

ماء الرجل ابیض غلیظ و ماء الراه اصغر رقیق فاذا علاما الرجل ماء المراء کان الولد ذکر ایاذن الله عزوجل و اذا علاما المراه ماء المراه خرج الولد انثی باذن الله تعالی. (نبی گرامی فرمودند: آب مرد سفید غلیظ و آب زن زرد رقیق میباشد پس اگر آب مرد بر آب زن بالائی گرفت فرزند پسر میشود و چنانچه آب زن بر آب مرد بالائی داشت دختر خواهد گردید باذن خدای متعال)

فاذ اسبق نطفه الرجال نطفه المراه فی الرحم خرج شبه الولد الی العمامه و اذ اسبق نطفه المراه نطفه الرجل الی الرحم شبه الولد الی احواله (حضرت علی فرمود: هرگاه پیشی گیرد نطفه مرد بر نطفه زن در رحم مولود جدید به عموها شبیه میشود و اگر نطفه زن بر مرد پیشی یافت در رحم به خاله ها می رود) توجه شما را به کشف جدید که ذکر تفاوت سرعت کرموزمهای مردزا و زن زاست جلب میکنم).

ان نطفه الرجل بیضاء غلیظه و نطفه المراه صفرا رقیقه فاذا غلبت الرجل نطفه المراه شبه الرجل اباه و عمومته و ان غلبت نطفه المراه نطفه الرجل شبه الرجل احواله (حضرت صادق فرمود: نطفه مرد سفید غلیظ و زن زرد رقیق است پس هرگاه غالب شد نطفه مرد بر زن شباهتی در جهت پدر و عموها پیش می آید و در صورت غلبه نطفه زن بر مرد شباهت مرد به اقوام مادری خواهد بود)

سه روایت که در یکی کلمه علا- در دیگری سبق و آخری غلب آورده شده ملا-حظه میشود و روایاتی دیگر نیز بهمین مضامین هست که کلمات سه گانه فوق بنحو خاص مذکور در آنها ذکر گردیده است و چون همه آنها را مورد بررسی قرار دهیم مطلب جالبی که بدست می آید: هرگاه کلمه علا دیده میشود در مورد تعیین جنس است که آیا مولود پسر است یا دختر و هر جا کلمه سبق است یا غلب به شباهت پیدا کردن اولاد به پدر یا مادر یا خویشاوندان گذشته آنها متذکر می باشد بعلاوه آنکه از حضرت رضا نیز هست .... موضع الغلام فی الرحم مایلی میامها و الحاربه معاملی میاسرها (جای پسر در رحم از آمده طرف راست است و جای دختر از آنچه از چپ آمده است) و با توجه به اینکه رنگ سفید به تنهایی رنگ نیست بلکه

مخلوطی از چند رنگ مکمل است و رنگ زرد خود رنگ کاملی است و بعلاوه غلیظ بسیط نیست و رقیق یکنواخت است و لذا سخن نبی گرامی که فرمودند آب مرد غلیظ سفید است یعنی نمیتواند یکنواخت باشد و از حداقل دو نوع درست شده است بلکه بقرینه ای که برای آبن رنگ زرد را آورده اند که با یک رنگ دیگر (مجموعاً دو رنگ) میتواند رنگ سفید را بوجود آورد پس آب مرد از دو نوع است و زن از یک نوع.

آب مرد اگر غالب شود یا پیشی بگیرد یعنی جنس دیگر هم هست. اما دومی مغلوب اولی است یا عقب افتاده یعنی صفات مرد اگر آبش غالب یا سابق گردد (بالا یا جلو) صفات زن است و در نتیجه با آنکه صفات ارثی از طرف زن و خویشاوندانش در اولاد وجود دارد اما پنهان و مغلوب میباشد و مولود بشکل پدر یا مادر است و همینطور درباره زن اگر آبش غالب یا سابق باشد مطلب مورد بحث وارد میباشد که اسلام کاملاً به چگونگی بارث رسیدن صفات اشاره فرموده است.

آب مرد اگر علو گیرد (علا غیر از غلب و سبق است زیرا غلب و سبق اجازه تظاهر آنچه پائین تر و مغلوب شده و عقب افتاده است نمیدهد اما در علا باید بقیه باشند که در مقام مقایسه با بقیه بالا و بودنش معلوم گردد) علا یعنی صفات خود را جلوتر و بالاتر و تعیین کننده سرنوشت بداند (با مقایسه دو آیه شریفه ان فرعون علا فی الارض قال انا ربکم الاعلی که علوش را به ربوبیت خود اتکاء داده و دخالت در تعیین سرنوشت مردم کرده است) از اینقرار آب مرد که از دو گونه رنگ (زرد + مکملش) و آب زن از یک رنگ (زرد + زرد) درست شده است (ناگفته نماند برای مرد هم رنگ زرد را بدین جهت نوشتم که نبی گرامی فرمودند سفید است و غلیظ و زن

زرد است و رقیق و برای اینکه زرد سفید شود مکمل لازم دارد و چون رقیق بخواد غلیظ گردد مخلوط اضافی میخواهد) مجدد تکرار شود آب مرد (زرد + مکملش) آب زن (زرد + زرد) است اگر زرد + مکملش علا- گیرد بر زرد + زرد موجود پسر است و مگر میتواند یک زرد دیگر وارد (زرد + زرد) شود و موجود پسر (زرد + مکمل) گردد و سرنوشت تعیین کند و این نیست مگر آنکه قائل به سخن حضرت رضا شویم که ردیفی را راست و ردیف دیگری را چپ معرفی و فرموده است اگر از جانب راست بیاید پسر است و از چپ دختر و شاید این مسئله نیز حل شود و مطلب ما را نیز مؤید باشد که زن از طرف (ضلع) چپ مرد است و این همان که حضرت رضا فرموده اند اگر از طرف چپ جدا شود دختر میشود (و من هم اکنون بافتخار حضرت رضا دو ردیف ایکس ها و ایگرگ ها را ردیف های راست و چپ برای عالم دانش معرفی مینمایم)

فراموش نشود پدر مقصر است در پسر شدن یا دختر شدن برای اینکه تعیین جنس فرزند با دخالت های مجازی پدر است دخالت حقیقی نه پدر نه مادر بلکه همانگونه که نبی گرامی فرمودند باذن خداست، نه پدر میتواند کاری کند که کرموزمهای مردانه اش وارد عمل شوند نه مادر میتواند دستور دهد اجازه ورود کرموزمهای زنانه مرد را به نطفه اش ندهند و لذا اگر مسئله دختر یا پسر برای مؤمنین مطرح است فقط سلامتی نوزاد را طالبند و بقیه هر چه را ذات مقدس تبارک و تعالی مصلحت بنده اش دانسته است و اگر برای غیر مومن مشکلی است پدران باید بدانند که زن نه دخالت حقیقی در تعیین جنس نوزاد داشته و دارد و نه دخالت مجازی و تقصیر از پدر است که قسمتی از نطفه اش برای پسر شدن وارد عمل نگردیده



است! یا تقصیر پدر است که از لحاظ علمی اختیار پسر یا دختر شدن را اعمال نکرده است.

### رفع اشتباه قبلی

بارها آورده شد که دخترانی چند گزارش شده که بدون مرد، باردار شده اند اما از آنجا که زن فقط دارای کرموزم XX میباشد نخواهد توانست فرزندی پسر بوجود آورد و گفته شد یا علم در اشتباه است یا پسر آوردن حضرت مریم بدون مرد فقط جنبه الهی و اعجاز دارد اما هم اکنون میتوان با توجه به مطلب تازه کشف شده ای به تولد حضرت مسیح از مریم عذرا جنبه علمی داد.

در روزنامه های جهان دیدید زمانی که خروشچف به انگلستان مسافرت کرد و کراب مرد قورباغه ای انگلستان گم شد توجه جهانیان به دو هزار مرد قورباغه ای که در اختیار کشورهای ابرقدرت بود جلب و مطالعه بر اوضاع و احوال زندگیشان آغاز گردید و شگفتی های مربوطه منتشر گردید و از جمله نایاب بودن فرزند پسر نزد تمام مردان قورباغه ای که جهانیان را در حیرت فرو برد و با ملاحظه اینکه تماس زیاد با آب چنین اثر خارق العاده ای خواهد داشت هیچگونه اشکالی نخواهد داشت که وضع فوق العاده ای برای حضرت مریم بوجود آمده باشد و فرزندی پسر که معجزه علمی باشد بیاورد و بزودی نظر اسلام را در این باره خواهید خواند که حتی احوال متغیر روانی یا تغذیه ای میتواند در تعیین جنس نوزاد مؤثر باشد.

## آب مرد و زن

بارها به این مطلب برخوردید که سخن در آب مرد و زن شده است که در تولید مثل دخالت دارند و آن هم در تعیین جنس طفل یعنی بارها دیدیم که از نبی گرامی نقل شد که اگر آب مرد بر آب زن غلبه کرد فرزند پسر خواهد بود و آب مرد غلیظ است و سفید و از زن رقیق و زرد در صورتیکه علم هنوز از زن آبی را تذکر نداده است که در سرنوشت جنسی جنین مؤثر باشد زیرا تمام کرموزمهای زن هیچکدام دخالتی در پیدایش پسر یا دختر ندارند بعلاوه که فقط تخمک زن در عمل دخالت کرده آن هم در رحم به آب مرد میرسد پس آب زن چیست که نبی گرامی به آن اشاره فرموده و خصوصیات چندی از آن را نیز برشمرده اند؟ از رقیق بودن و زرد بودن و دخالت در سرنوشت یعنی جنسی که نوزاد پسر خواهد شد یا دختر:

این علم بسیار جوان و تازه کشف شده است و در اوراق بعد آنجا که بحث از پسر یا دختر خواستن میشود خواهیم آورد اما فقط باید دانست که آب زن آبی است از ترشحات فرج و در روز تخمک گذاری دیده میشود همان تخمک که سبب تولید مثل میشود و لذا ترشح تولید شده مقارن تخمک گذاری نظر دانشمندان را جلب کرده که لابد بایستی در عمل تولید

مثل دخالت نمود و امروز چنین عقیده دارند که جمله ای از آن را بدون کم و کسر و دخالت خواهم آورد تا ملاحظه فرمائید بدون توجه به روایات نقل شده از نبی گرامی چگونه همین یک جمله حاوی خصوصیتی است که نبی گرامی برای آب زن قائل شده است از دخالتش در تعیین جنس نوزاد در وقت آن و .... «.....» و از آنجائیکه در روز تخمک گذاری ترشحات واژن معیالتر و آبکیتر و بیشتر از مواقع دیگر حاوی ماده تندی میباشد و نیز اندرواسپرم ها ضعیف تر و حساستر از ژینواسپرمها میباشند لذا حوالی روزهای تخمک گذاری دامنه فعالیت اسپراتوزئیدهای پسرزا برای بوجود آوردن جنین پسر بیشتر از سایر دوره های سیکل بنظر میرسد زیرا...» ملاحظه فرمودید آب زن در این موقع رقیق تر است و آب مرد غلیظ تر و شگفتی آنکه بعدا شرح میدهد چنانچه نویسنده نیز خواهد داد که در این موقع ژینواسپرم (آب مرد که حاوی ایگرگ است) غلبه میکند و جنس پسر میشود.

### پیشگوئی جنس جنین

فرزند امتداد وجود است و لاجرم توجه به نسل علاقه فطری است. هر کس وجود خود را باقی می پندارد و این پند را نداشته باشد ارتباط خود را با آینده قطع می پندارد.

نه تنها آدمی میل دارد با آینده ارتباطش قطع نشود بلکه با گذشته نیز همینطور است و هر کس میخواهد بداند از کدام پدر و مادر است و اجدادش چه کسانی بوده اند بهمین جهت هر پدر و مادری ذی علاقه اند که صاحب فرزند شوند و بعلم دیگر مایلند همینکه صاحب فرزند شدند

جنس داخل رحم معین شود و علت بزرگتر از همه دنبال کردن هوسها و آرزوهاست که بدانند اگر پسر بیاید چنین و چنان و در صورتیکه دختر داشته باشند چنان و چنین خواهد بود لذا دانشمندان برای شناخت جنس داخل رحم قبل از تولد آزمایشاتی کرده و موفقیت هائی به دست آورده اند.

قبل از ورود به بحث توجه شما را به مطلبی در قرآن جلب مینمایم که میفرماید خدا میداند چه چیز در رحمهاست اما باید متوجه کلمه "ما" در آیه شریفه بود زیرا نفرموده است «من فی الارحام» بلکه فرموده «ما فی الارحام» یعنی خدا میداند چه چیزی در رحم است (نه اینکه خدا میداند چه کسی در رحم است) آری خدا میداند چه چیزی در رحم است یعنی میداند همه سرنوشتش را و کوچکترین اموری که مربوط به اوست و شمارش همه عناصر و اتمها و اعضاء و انساج و دقائق عمر و بیماریها و آرزوها و مرگ و مدفن و همه اش را میداند و سابقا میگفتند در قرآن است که فقط خدا میداند در رحم پسر وجود دارد یا دختر در حالیکه پزشکان هم میدانند.

پسر یا دختر بودن هر دو نسبی است مرد یا زن مطلق کمتر وجود دارد و فرد طبیعی کسی است که به نسبت بسیار کمتر پاره ای صفات و خصوصیات جنس مخالف را هم از نظر بیولوژیکی داشته باشد و هم از نظر رفتاری آنرا نشان دهد (قابل توجه پدر سالاران و مادرشاهیان که نه آن پدرها مردند و نه این زنها مادر).

آری چه جنسی در شکم مادر است؟ از جمله دیرین آرزوهای بشری است. پدر، مادر و خویشاوندان و گاه نیز جمعین بیشتری میل

دارند بدانند زنی که آبستن است از پسر باردار می‌باشد یا از دختر و در این میان مادر بیش از همه علاقه مند است. فقرا در میان اجتماع عده و عده اشان اغلب به دو نفر و گاه نیز یک نفر می‌رسد که انتظار نوزاد را دارند و قبل از آن جنس اش را بدانند و دو نفر در این باره فکر میکنند (پدر و مادر) و گاه نیز یکنفر زیرا پدر بیشتر از جنس جنین بکفر نان جنین و مادر جنین است و سران کشور از همه بیشتر سهم می‌برند اگر ظالمند همه مردم چشم براه که بلاعقب بمانند و اگر فرزندی یافتند آنگونه که نتواند جانشینی کند و چنانچه عادل است برعکس همه ملت در آرزوی جنسی که بتواند مسئولیتی را چون سلف خود بعهدہ عدالت بپذیرد یعنی پیشگوئی جنس جنین برای فقرا شادی و غم یکنفر است و حداکثر دو نفر و برای اغنیا شادی و غم فامیل یا کشور یا همه خلق جهان می‌باشد.

بشر در سابق به ستاره شناس، طالع بین، تعبیر خواب و سحر و جادو متوسل میشده است و در پایروسی که تقریباً مربوط به چهارده قرن قبل از میلاد بدست آمده است راه تشخیص آبستنی و پیشگوئی جنس جنین را چنین شرح داده است:

«مقداری جو و گندم، روزانه با ادرار زن خیس نموده اگر جو شروع به جوانه زدن و رشد کرد دختر است و چنانچه گندم چنان شد بچه آینده پسر است و اگر هیچکدام سبز نشد فرزندی تولید نشده است»

اگر چهره باردار سبز فام بود پسر است و در غیر اینصورت دختر (مصریان قدیم)

خوشرنگی چهره مادر علامت همراه داشتن پسر و بدرنگیش همراه کک مک صورت حمل دختر است (مکتب بقراط)

مطالبات و احتیاجات بیشتر مادر و حرارت بالاتر مادر علامت داشتن جنس مذکر است (عقیده ارسطو)

مادر بشاش (عربها) خوشحال (هندیها) بی دردسر (یهودیها) گویند پسر خواهد آورد.

کبودی شدید پستان و خط وسط شکم علامت داشتن دختر است.

اگر غذائی که دوست دارند در خواب دیده شد (هندیها) کارد و چماق و چوگان در خواب دیدن (روسها) اشتغال زن بکارهای مردانه در دوره بارداری (ژاپونها) عقیده دارند جنس پسر است. خواب دیدن آلات و ابزار کشاورزی نزد برخی ایرانیان پسر و خواب گل و لاله دختر است و بالاخره عرق کردن زیر نعل راست یا چپ و بوی کف دست راست و چپ و امثال اینها نزد برخی اعتباری دارد.

برخی گویند اگر زن را ناگهان صدا زدی و از چپ گردید و جواب داد دختر است. اگر و یار زن بسیار شدید است پسر است. اگر شیر پستان راست سفت و غلیظ است پسر است و میتوان با چکاندن قطره ای در آب یا ادرار تشخیص داد بدینطریق که اگر ته ظرف رسوب کرد پسر و در آنها متلاشی شد دختر است. اگر ذرات نمک بر سر باردار ریختند بر حسب آنکه کجای صورت متوقف شوند پسر یا دختر است. درد بیشتر طرف راست پسر، پستان راست بزرگتر شود پسر. پستان راست زود تر به شیر آید پسر. هاله پستان راست زودتر بزرگ شود پسر. نبض دست راست قویتر باشد پسر. چشم راست روشتر نمایان باشد پسر. جنین زودتر حرکت کند پسر. ضربان قلب جنین از ۱۲۴ کمتر باشد پسر و از ۱۴۴ بیشتر دختر. میباشد.

اخيراً متوجه شده اند در چهارهمين هفته بارداری لنفوسیت های جنین به خون مادر مهاجرت مینمایند و با امتحان خون مادر قلیلی از سلولهای اپلوئیدی EUPLOID که هر کدام دارنده پنج کروموزم انتهائی کوتاه در آن مشاهده میگردد که کاریوتیپ سلولهای مذکور نشان داد که اشکال آورده شده سلولی به سری کروموزمهای جنسی نر (XY) مربوط است و آنها که دارای سلول کاریوتیپ XY نباشند دختر بدنیا می آورند (البته زنانی که سلولهای اپلوئیدی با مشخصات گفته شده را در سلولهای لنفوسیت ندارند ممکنست چنین سلولهایی را در برخی گلبولهای سفید خود داشته باشند از اینقرار میتوان گفت وجود دو یا چند لنفوسیت با کاریوتیپ مخصوص علامت وجود پسرزائی است.

دستگاهی ساخته اند که زیردریائیهها را از مسافت زیاد نشان میدهد و بچه ۱/۵ ماهه را و دستگاه بجای اشعه ایکس از امواج صوت کار میکند (۳۴/ سال هفتم طب و دارو)

### پدر مقصر است

کسانی هستند که چند دختر دارند و پسر میخواهند و افرادی که چند پسر دارند و طالب دخترند و با آنکه این دلچسبی زندگی بالمنصفانه بوده و زن همان را میخواهد که مرد. و مرد آنرا می طلبد که زن، بلکه زن التهاب زیادتری هم درخواستن دارد اما همینکه برخلاف میل هر دو پسر آمد بجای دختر. یا دختر آمد بعوض پسر، زانوی رنج کشیده. درد متحمل شده، نه ماه بارداری و زایمان وحشتناک را پایان رسانده

بجای آنکه به پاسخ تبریکات و تهنیه‌ها بلبل زینی کند که فارغ شده و پروردگار فرزندی سالم به او عطا فرموده است در برخی خانواده‌های بدون انضباط، علم، زائو باید لحافی بگیرد و در گوشه‌ای غنوده و از اینکه برخلاف میل خودش و شوهرش خلقت تکوین کاری را که در اختیارشان نبوده انجام داده پنهان شود و آنچنان این مسئله مورد خشم پروردگار است که دخالت در این نظم آفرینش را در آیه شریفه تقبیح و به اذای بشر احد هم بالانثی ظل وجهه مسودا و هو کظیم آنها را که خواهان پسر بوده و همسرشان دختر آورده و بجای شنیدن بشارت و ایجاد بشاشت رنگشان سیاه و چهره‌شان خشمگین میشد نکوهش فرموده و در موردی که یکی از صحابی حضرت صادق از شنیدن خبر زایمان همسرش که دختری بوجود آورده و قیافه‌ای ملالت‌بار گرفته فرمود سنگینی اش بر زمین است و رزقش بر خدا. که زمین باید متحمل تهیه رزق خدا داده کند گیاه و میوه بدهد و رشد نوزاد را تأمین کند یا به حیوان بدهد و نوزاد از لبنیات و گوشت حیوان تغذیه و رشد کند و این برداشت سنگینی کیفیتی نوزاد است و تحمل وزن وی کردن از آن کمیتی و بدینگونه که همه مخلوق خداست رزق هر کس با اوست علاوه بر تغذیه هر چه در قلمرو رزق است که در جلد چهارم همه را شرح دادم و در مورد دیگر چون خبر دختر آوردن یکی از همسران امام به حضرتش رسید تنها پرسید آیا سالم است؟ چون جواب مثبت شنید سپاس و شکر باریتعالی و تبارک بجای آورد.

شوهری که در سرزنش همسر زائوی خود بخاطر دختر آوردن سخنی میگوید اگر میدانست تعیین جنس و اینکه فرزند باید پسر شود و یا دختر همه در اختیار مرد و شوهر است و هیچگونه دخالتی زن در تعیین جنس



دختر ندارد به تقصیر خود که خود نیز مقصر نیست و مصلحت اوست واقف میشد.

برای سهولت فرض کنید در نطفه زن رشته ای تسبیح مانند است که بر آن ۴۶ دانه است که هر لایه آن میشود ۲۳ عدد و در نطفه مرد نیز همانگونه است اما در یک ردیف ربع یک دانه اش شکسته است و آنرا ندارد پس نطفه زن دو ردیف و مرد هم یک ردیف دانه های همانند دارند و فقط یک ردیف رشته مرد است که مختصر فرقی با آنها دارد.

رشته ها را از وسط نصف میکنیم تا به حساب اینکه همیشه نصفی از رشته های مرد و نیمی از رشته های زن در سازمان بخشی انسانی دیگر شرکت مینمایند به بینیم موجود جدید زن خواهد بود یا مرد؟

رشته جدید نیمی از زن است که هر کدام برگزیده شوند فرقی نمیکند اما نیمه دیگر که از مرد است اگر از آن دانه شکسته برداشته شود تسبیح جدید همانند آن تسبیح نطفه مرد خواهد بود و اگر از نیمه اول خلق جدید زن می باشد.

ناگفته نماند اگر گفتیم همه اختیار پسر و دختر شدن با مرد است باید توجه داشت که این اختیار به اجبار است و در بحث از جبر و اختیار هم آوردن انسان به جبر مختار است و اینجا و برخی موارد به اختیار مجبور است و علم امروز دارد مواردی را نشان میدهد که پیامبران الهی گفته اند و از جمله دستورات توسل و دعا و خوراکیهاست که از طرف ادیان آورده شده است که طبق قوانین علمی روز نیز به اثر آنها وقوف علمی حاصل شده است که در برگهای آینده خواهیم آورد اما از آنجا که همیشه آنچه پیامبران آورده اند بر علم روز پیش و پیشی دارد و همیشه مردم به زبان

علم باید بازگو کنند سخنان پیامبران باشند می بینیم موارد استثنائی نیز در قرآن و کتابهای آسمانی دیگر آورده شده چون باردار شدن ساره همسر حضرت ابراهیم با مسئله حضرت مریم و فرزند بزرگوارش حضرت عیسی زیرا قرار شد زن هر دو رشته کرموزهای نطفه اش یکسان باشد و آن دانه شکسته مرد اگر شرکت نکرد حتما باید موجود متولد شده از زن. دختر باشد و این را می بینیم پسری آنچنان شد که پروردگار او را مردی بزرگوار معرفی فرمود و یا در عمل می بینیم اعلام شده است که قریب به اتفاق مردان قورباغه ای جهان صاحب دختر میشوند و علم هنوز به میدان این مسائل حیرت آور قدم نگذاشته است یعنی پسر و دختر شدن بدست نه پدر است نه ما در.

### دختر یا پسر خواستن

قاعدگی و بارداری و شیر دادن و خصوصیات دیگر زنانگی قسمتی از اوقات مرد را میگیرد تا به سرپرستی زن پردازد و بزرگترین مزاحمت و ناراحتی در جنگها و مخصوصا شیخونها روی میداد که دختران و زنان به اسارت دشمن درآمده و غیرت مردانشان بدینوسیله جریحه دار میگردد بعلاوه که زن نمیتوانست در جنگها همانند مردان جهاد کند یا کارهای سنگین انجام دهد و در نتیجه پسر خواستن از جمله آرزوهای تمام قبائل و گروهها بوده و نزد برخی پیدا شدن دختر آنچنان ناراحت کننده بوده که زائو را از بسیاری مواهب حتی خانوادگی محروم میساخته است.

نزد اعراب عصر جاهلیت چنانچه قرآن میفرماید فاذا بشر احدهم

بالانثی ظل وجهه سودا. چون خبر دختر پیدا شدن را میدادند چهره اشان سیاه میشد و اقدام به دختر زنده بگور کردن از جمله کارهای عادی آنان شده و خرید و فروش و تعویضشان با شتر و حیوانات دیگر معمول بود که ناگهان نور اسلام و ایمان تابیدن گرفت و زن را استقلال مالی داد. برای قبول ازدواج نصف و نصف به زن و مرد بهره داد و حتی جهت آمیزش و شیر دادن نیمی به این و نیمی به آن نصیب تقسیم نمود. سوره نساء نازل شد و رجال چشم براه هیچ سوره ای بنام رجال ندیدند و بالاخره نبی گرامی هر روز دست یگانه دخترش را می بوسید و آنچنانه زنان دانشمند و شاعر و خیرات حسان در میان مسلمین بفوز یافت شدند و حق خود بدست آوردند. اما از زنان باردار هنوز که هنوز است توقع آوردن پسر داشتند و تا به امروز نیز این تمنا نزد برخی دیده میشود و به تصور اینکه زن دخالت کلی در آوردن پسر یا دختر دارد در صورت آوردن دختر سرزنش میکردند و میکنند.

هر قومی برای اینکه همسرش به پسر باردار شود عقیده ای داشت. در دنیای کهن متداول بود که مرد جوشانده ای از دو قسمت مساوی خون و شراب بیاشامد تا پسر بیاورد یا اگر در زیر قرص کامل ماه با همسرش آمیزش کند صاحب پسر خواهد شد و اگر با وجود چنین رعایتی دختر آورد بدون شک لکه ناپیدائی از ابر بر قرص ماه بوده است بسیاری عقیده داشتند زن را دو رحم جداگانه است که در راستش پسر جا میگیرد و در چپ دختر رشد مینماید و بهمین جهت زمان آمیزش همسر خود را به پهلوی راست میخوابانند تا نطفه در قسمت راست جایگزین گردد و چون نطفه بیضه راست را پسر حساب میکردند مرد نیز به طرف راست متمایل

میشد که از بیضه راستش نطفه خارج گردد. دست راست را رحمانی و چپ را شیطانی میدانستند و هر فرضیه ای که به راست منتهی میشد به پسر نسبت میدادند و چپ را به خبر. زنان بیضه راست همسرشان را نیشگون میگرفتند و یا مردان گوش راست همسرشان را گاز میگرفتند. لباسشان را از طرف راست رختخواب می آویختند. باد شمال که وزیدن میگرفت آمیزش میکردند. شب زفاف لباس مردانه به عروس می پوشاندند یا شب زفاف پسر بچه ای را در رختخواب عروس میگذاشتند (۱). زن پسرزائی را میگفتند بسر عروس دست بکشد، که هنوز در برخی نقاط معمول است. جذر و مد و یا خوردن غذای تلخ و شور، افزایش محصول درخت گردو را در پسرزائی ذی نفوذ میدانستند. ماههای بعد از فراغت از زایمان را یکدرمیان بدختر و پسر اختصاص میدادند زیرا دانسته بودند در جریان بارداری تخمدانها از کار میافتادند و پس از زایمان دوباره بکار خویش آغاز مینمایند و اگر در زایمان قبل نوزاد پسر بود اولین ماه پس از زایمان نوبت ایجاد دختر خواهد رسید از اینرو ماهی را یک در میان به دختر و پسر اختصاص میدادند بدین معنی که ماههای ۱ - ۳ - ۵ - ۷ را ماههای دخترزائی و ۲ - ۴ - ۶ - ۸ را پسرزائی بحساب می آوردند. برخی از مردم خوردن مواد انرژی زا و محرک چون فلفل، جوز و نارگیل و ... را در ایجاد پسر مؤثر میدانستند بعضی بیکربنات دو سود میخوردند و بیش از دویست معجون در کتابهای داروئی قدیم برای اینکه زن بخورد و فرزندش پسر گردد دیده میشود.

دکتر ویلیام جیمز انگلیسی عقیده دارد مادران پسرزا زمانی هستند

که بطور مداوم با شوهرانشان ارتباط دارند و امکان پسر داشتن نزد زن و شوهرانی است که خیلی جوان ازدواج کرده اند و همچنین بچه هائی که نطفه اشان در ماه عسل بسته میشود و اینکه در فنلاند و استرالیا و آمریکا پسر بیشتر از دختر دارند همان عشق‌بازی مداوم زن و شوهر است.

دکتر فرنیزک لهستانی گوید هرگاه تقارن ۲ - ۵ روز قبل از تخم‌گذاری باشد ۴۸/۷ درصد شانس داشتن دختر بیشتر است و در صورتیکه ۲ روز قبل از تخم‌گذاری باشد تناسب دختر و پسر مساوی است و یکروز قبل از تخم‌گذاری و یا دو روز پس از آن آمیزش انجام گیرد ۸۶/۶ درصد شانس داشتن پسر بیشتر است و علت این امر را چنین شرح میدهد که روز ورود اسپرماتوزوئید به رحم یا یک الی دو روز بعد آنها که دارای کروموزم مردانه (Y) اند بعلاوه آنکه قویترند میتوانند پسر بوجود آورند و اگر از دو روز بگذرد آنها که X و ضعیف ترند باعث وجود دختر میشوند.

اوژینو OGINO دانشمند ژاپنی و کنائوس KNAUS دانشمند اطریشی ثابت کردند که تخم‌گذاری ۱۲ - ۱۶ روز قبل از قاعدگی است و در چند روز بهترین ایام برای آمیزش میباشد و شانس فرزند یافتن در این پنجروز زیادتر است و ۳ روز قبل از تخم‌گذاری و یک روز بعد از آن را بهترین موقع تقارن میدانند. اغلب روز تخم‌گذاری در یک سیکل زنانه (۲۸ روزه) از روز چهاردهم شروع میشود و پنجروز تخم‌گذاری را باید بنابر احتیاط ۹ روز حساب کرد (از دهم تا هیجدهم) که همزمان با تخم‌گذاری درجه حرارت زن (۱ - ۳) درجه بالا میرود.

اخیرا متوجه شده اند که نه تنها ترکیب نطفه های مرد و زن از نقطه نظر داشتن Y و در زن X در مرد متفاوت است و زن بهیچوجه در تعیین

جنس دخالتی ندارد بلکه مکانیسم دفاعی و قدرت حیاتی و وظائف الاعضاء و عکس العمل های دو نوع اسپرماتوزئید با یکدیگر تفاوت فراوانی داشته و این پدر است که بطور قطع در تعیین جنس جنین نقش غیرقابل انکاری داشته و مادر را دخالتی نیست و بهمین دلیل زمان آمیزش تغییرات و تحولات در ترشح فرج و دوران قاعدگی است که در سرنوشت طفل دخالت مینماید و چون در روز تخمگذاری ترشحات مزبور رقیق تر و آبکی تر و بیشتر از مواقع دیگر حاوی ماده تندی است و اندرواسپرما (دسته ای که دارند) ضعیف تر و حساستر از ژینواسپرما (داران) میباشند لذا حوالی روزهای تخمگذاری دامنه فعالیت اسپرماتوزئیدهای پسرزا بیشتر و در نتیجه شانس بیشتری برای پیدایش پسر خواهد بود زیرا ژینوهای ریز و سریع رقبای خود را پشت سر گذاشته به تخمک زودتر میرسند. (البته عکس آنرا نیز گفته اند که آمیزش حوالی تخمک گذاری دخترزائی بیشتر است)

دکتر "لندروم شیتل" فرمیکولژیست دانشکده پزشکی کلمبیا گوید: اگر پسر میخواهید قبل از اقتران دو قاشق جوش شیرین در یک شیشه بزرگ آل حل کرده خود را شستشو دهید یا مقداری از آن بنوشید و اگر دختر خواهید دو قاشق چای خوری سرکه در یک شیشه آب ریخته خود را بشوئید یا بنوشید!!

اخیرا متوجه شده اند که در بسیاری افراد حدود شصت درصد بلکه بیشتر اسپرماژنیو و مرد سازند و در بسیاری برعکس دارنده اسپرماهای با کرموزم و دختر آفرین میباشند و نیز متوجه شده اند که تمایل آنها که دارند بطرف قطبی های مثبت و منفی (کاتدواند) مختلف بوده و در آرزوی این هستند که این عمل را بنحوی بتوانند بر انسان پیاده کرده و در

تعیین جنس را بدستش بسپارند.

اگر حرارت پوست بیضه یکدرجه افزایش یابد تعدا کرمک های ساخته شده کاهش مییابد و کافیت شورتی که چنین عمل میکنند پس از یک ماه تعداد قابل توجهی از کرمک ها را کاهش دهد و یا نیم ساعت حرارت صفر درجه ده درصد بر شمارش کرمک ها بیفزاید.

از جمله مطالب قابل توجه آنکه نه تنها جنین پسر تلفاتش بیشتر از جنین دختر است و نوزاد پسر و جوان پسر نیز بیشتر از دختر نوزاد و تلفات دارد و لذا آفرینش احتیاط قبلی را کرده و همه جا آمار متولدین و پسر بر دختر فزونی دارد بلکه حرارتی که اسپرمها (کرمک ها) را کاهش میدهد آن هم بیشتر پسر سازها را کاهش داده است. از اینقرار گرم نگهداشتن بیضه ها دخترزائی را بالا میبرد.

حرارت بدن زن نیز در انتخاب پسر گفته میشود دخالت دارد و هنگام تخمک گذاری که تغییر حرارت بدنی زن آشکار است شانس پسر شدن بیشتر میباشد در صورتیکه آمیزش چند روز قبل یا بعد از آن دختر شدن احتمال بیشتری دارد و بعلاوه آنکه زمان تخمک گذاری ترشحات دستگاه تناسلی زن قلیائی شده و زمینه قلیائی برای پسر شدن بیشتر میباشد و علت آنرا چنین ذکر مینمایند که وجود گلیکوژن در ترشحات گردن رحم هر دو نوع کرمک ها را تقویت میکند هم آنها که کرموزم پسرزا با خود دارند هم آنها که کرموزم دخترزار را دارند و چون کرمکهای پسرزا فعالترند بسرعت پیش میروند و به تخمک میرسند و پسر بوجود می آورند.

مطلب دیگر کاهش تعداد کرمک ها در هر آمیزش بعدی است که در نتیجه معلوم شده در آمیزش های بعدی کرمک های دخترزار تعدادشان

زیادتر میشود و نزد زن نیز چون ترشحات دهانه رحم زنان دور از تخمگذاری غلیظ تر و چسبنده تر است شانس دختر شدن بیشتر میباشد.

بطور خلاصه برای آنکه شانس پسر شدن بیشتر باشد باید:

زمان تخمک گذاری دقیقاً معلوم شود.

آمیزش در زمان تخمگذاری باشد نه در فواصل آن.

زن با اندکی جوش شیرین که در آب جوشیده ریخته خود را بشوید و محیط را برای آمیزش قلیائی کند.

با زن قبل از آمیزش معاشقه شود تا ترشحات مخاطها محیط را قلیائی سازد.

آمیزش بوضعی که در جلد قبل شرح داده شد و شانس آبستنی را بیشتر دارد و کرمکهای پسرزا بهتر میتوانند سبقت گیرند.

البته برای پیدایش دختر باید:

در فواصل تخمک گذاری آمیزش بوقوع پیوندد.

بجای جوش شیرین از سرکه استفاده شود.

زن زیاد برای آمیزش تحریک نشود.

آمیزش سطحی باشد.

ناگفته نماند کرمک های پسرزا (اندرواسپرم) چون زودتر از کرمک های دخترزا (ژینواسپرم) از بین میروند آمیزش در فواصل تخمک گذاری پسرزاها را قبل از رسیدن به تخمک فرصت نمیدهد و آنها خواهند مرد.

یکی از دانشمندان معتقد است که پسرزا و دخترزاها در محلول آلبومین اثر متفاوتی از خود نشان میدهند و همین تفاوت جداسازی آنها را ممکن میسازد. پسرزاها در آلبومین ته نشین میشوند و ماده در سطح



آن قرار میگیرند و جدا کردن آنها آسان بوده و بدینوسیله میتوان پسر خواستن و دختر خواستن را به اختیار داشت.

دانشمند دیگر محلولی بنام بی - اس - ا (بوین - سرم - آلبومین) درست کرد که با یک محلول تغذیه ای رقیق میشود و نطفه مرد چون در آن وارد شود (در حالیکه محلول در لوله ای شیشه ای ریخته شده است) سلولهای پسرزا تندتر پیش میروند و ممکن است با مکیدن لوله آنها را از یکدیگر جدا کرد و بطریق تلقیح از آن استفاده نمود.

تاکنون حدود پانصد فرمول برای انتخاب جنس اولاد عرضه شده است ارسطو سفارش میکرد زن و مرد در وزش باد شمال آمیزش کنند تا پسر داشته باشند و اگر در باد جنوب باشد دختر خواهد شد.

نطفه دخترزا میتواند دو یا سه روز زنده بماند ولی پسرزا بیست و چهار بیشتر زنده نیست و منی چون نطفه پسرزایش بیشتر است با آمیزش بحد اعتدال بر تولید پسر افزوده میشود (در اینجا توجه شما را به دستور اسلام و دو مرتبه آمیزشی را که از آن طرفداری میکند جلب مینمایم زیرا در اینموقع حتی شمارش نطفه های پسرزا و دخترزا برای هر آمیزش در حد اعتدال قرار میگیرد)

مجدد یادآور میوشد که با بکار بستن دستور دیگر اسلام که باید زن را آماده برای آمیزش کرد و میدانیم اگر زن بطور معمول به ارگاسم برسد ترشحات قلیائی دستگاه تناسلی افزایش یافته و پسرزائی احتمال بیشتری خواهد داشت و قبلا شرح داده شد میتوان با دو قاشق غذا خوری کربنات دو سود با یک چهارم آن آب ۱۵ دقیقه قبل از آمیزش مهبل را شستشو داد.

بعقیده بعضی از دانشمندان مرد باید زمان انزال خود را با زمان ازاله زن و به ارگاسم رسیدنش تطبیق دهد تا پسرزائی به یقین نزدیکتر شود و بعقیده بسیاری نعوظ کامل منی در دهانه رحم نیز پسرزائی را بیشتر مینماید.

در فرانسه و کانادا اعلام شد که اگر زن تخم مرغ و نمک بخورد پسر میزاید و روزنامه ها آنرا نقل کردند (از جمله کیهان ۵۷/۴/۲۸) و باز در همان سال روزنامه عصر تهران (۱۳ شعبان ۹۸) از خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که خوردن نمک زیاد فرزند را پسر و تخم مرغ زیاد دختر خواهد کرد (آیا در ترجمه اشتباه از کدام بوده است؟)

موضوع دیگر که علم روز هنوز جرئت نکرده در حول وحوش آن دیده شود عوامل روانی و اثر آن در انتخاب جنس می باشد در صورتیکه احادیث چندی در این باره وارد است که به چند تای آن از صفحه ۲۸۰ لتالی الاخبار اشاره میشود:

قال الصادق من اراد ان یولد له ولدا ذکر افلیضع یده الیمنی علی السره من جانب الایمن عند الجماع و لیقرا انا انزلناه سبع مرات ثم بجامع فانه یری ما اراد و قال رسول الله من کان له حمل فنوی ان یسمیه محمد او علیا ولد له غلام. قال الصادق ما من رجل بحمل له حمل فینوی ان یسمیه محمدا الا کان ذکرا

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس می خواهد که فرزند مذکر بدنیا آورد دست راستش به پهلوی راست هنگام آمیزش بگذارد و انا انزلناه را هفت مرتبه بخواند و آمیزش کند پس آنچه را بخواهد، می بیند.

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس که باردار است نیت کند که آنرا محمد و علی بنامد، فرزند او پسر دنیا آید. و حضرت صادق علیه السلام فرمود هیچ ردی نیست که حملی داشته باشد پس نیت کند که آنرا محمد بنامد مگر اینکه مذکر باشد.

### اگر انتخاب بدست بشر باشد

اکثر متخصصین عقیده دارند اگر انتخاب جنس بدست بشر داده شود به اضمحلال تهدید شده است. و جز در مواردی که بیماری موروثی در میان است درست نیست که این انتخاب طبیعی لذت بخش را بدست بشر داد و بر هم ریختن این روال طبیعی نوعی برداشت و قطع رابطه بین تکوین و انسان بشمار رفته و خلاقیت والدین بصورت خلاقیت کارگران در میآید که هر نوعی و شکلی خواستند سازمان بخشی میدهند.

دکتر شتلس از دانشگاه کلمبیا گوید: بیشتر جنایات در جوامع مختلف بدست مردان صورت میگیرد حال اگر انتخاب جنس جنین به انسان واگذار شود و تعادل بین پسر و دختر بهم ریزد معنایش اینست که اگر پسر بیشتر خواستند بر جنایات افزوده اند و تعداد زنان آنقدر کم شود که پیوندهای زناشویی بمخاطره می افتد و بشریت با جنگی دیگر (در راه بدست آوردن زن) در پیش خواهد داشت.

رئیس دانشکده روانکاوی دانشگاه نیویورک گوید: اگر اختیار تعیین جنس بدست بشر داده شود مسئله بارداری، زایمان، شیر دادن لطف خویش را از دست داده جنبه ماشین پیدا خواهد کرد و بدتر از آن

محدود شدن خانواده هاست زیرا اگر خانواده ای که چند دختر دارد و بامید یافتن پسر باز تولید مثل میکند یا چند پسر دارد و دختر میخواهد دیگر بنابر میل خود خانواده را به آنچه خود میخواهد محدود میسازد و در این میان تنها کمک بزرگی به بهداشت و تنظیم خانواده خواهد بود.

بدست داشتن قدرت تعیین جنس بالاخره سبب خواهد شد شانس داشتن پسر یا دختر از بین رفته برای شرکت در جنگ یا مسائل دیگر اجبار داشتن پسر یا دختر از طرف قدرتها مسائل دیگری را پیش آورد و در نتیجه زمینه اختلافات بشری تشدید گردد و رقیب مسابقه تسلیحاتی مسابقه ای در این زمینه پیدا شود.

مهمتر از همه گرفتاریهای دولت هاست که مسئله داشتن پسر یا دختر را باید کنترل کنند و در نتیجه با مشکلترین مسئله اجتماعی روبرو خواهند گردید و احتمالاً مسئله دولت و تشکیلات قدرتی بهم ریزد و به نوعی دیگر تظاهر کند زیرا قانونی که بتواند بر یک اجتماع که افرادش حتی در یک مورد مساوی باشند مثلاً در داشتن پسر یا دختر یافت نشده و هیچ چیز مساوی یافت نشدن از نوامیس طبیعت بوده و نزدیک شدن به تساوی و تشابه یعنی انفجار همانگونه که اختلاف شدید طبقات یعنی انفجار.

دو سر سیم اختلاف پتانسیل پیدا میکند طوفان نور میشود دو گوشه بیابان اختلاف شدید سرما و گرما طوفان باد را بدنبال میآورد دو نیمکره مغزی فکر را و دو انسان شرافت یا پلیدی را و اگر کمیت اختلاف جنس انسانی شدید شود طوفانی هلاک کننده انسان و انسانیت را یدک می کشد.

بارها دیدیم هر جا سربازان زیادی کشته شدند سال بعد آمار متولدین پسر رقم بیشتری نشان داد و این افزایش تا مدتی که تعادل اولیه برقرار نشد ادامه یافت یعنی موازنه بین کمیت انسانهای نر و ماده از نوامیس آفرینش است که خود بمحض مشاهده خلاف آنرا هموار میسازد حال اگر این قدرت به دست هوس انسان داده شود که تعادل کمیتی را بهم ریزد چه فاجعه ای بار خواهد آورد فاجعه ای که جنگ بدنبال دارد!

نه اینست که همیشه با بروز جنگها تعادل این کمیت بهم خورده است هرگاه هوس انسان نیز بتواند چنین کاری را انجام دهد هوس جای جنگ را گرفته است با این تفاوت که جبران بهم ریزی معیاربها پس از جنگ تابع هوی و هوس مهار کننده انسانی نبوده ولی هم اکنون چنین نیست و انسان میتواند به میل خود تعادل بهم خورده را در حد نسبی دلخواه نگهداری کند.

تمام صفات و سجایائی که در یک محیط مورد پسند و مربوط به مدینه فاصله تصور آن ممکن است رخت بر بستنش از یک اجتماع نامتعادل که زن و مردش بمقیاس خواهشهای نفسانی پدرها و مادرها باقی مانده اند ممکن است یعنی در آن جامعه که کمیت تناسب خود را از دست داده است محال است کیفیت بتواند یا برجائی کند و وقتی به اسلام عزیز می نگریم می بینیم حتی تحدید اولاد را حرام دانسته و نه تنها تعیین جنس را به دست پدر و مادر نداده بلکه شمارش جنس های تعیین شده از طرف تکوین را نیز در اختیار کنترل پدر و مادر قرار نمیدهد متوجه اهمیت موضوع شده اقرار میکنیم که نمیتوان دنیای فردا را بدست کسانی سپرد که

از طرف پدر و مادر ذکور و اناث بود نشان پیشنهاد شده است.

### تلقیح مصنوعی

تلقیح مصنوعی مسئله بزرگی شده و در حال حاضر تعداد کودکانی که در سراسر جهان با توسل به آن متولد شده اند به میلیونها نفر میرسد. تلقیح مصنوعی از جمله روشهای درمانی متداول گردیده که پزشکان متخصص هر روز آنرا به بیماران خود پیشنهاد مینمایند. تلقیح مصنوعی بدو دسته بزرگ تقسیم میشود که یکدسته آن را اسلام مطرود و حرام دانسته و زنا بحساب آورده و آن وارد کردن اسپرم مردی است در رحم زنی که شوهرش عقیم میباشد اما آنچه که در اسلام وارد است تلقیح مصنوعی اسپرم شوهری است که کاملاً عقیم نبوده و بعلمی نتوانسته است همسرش را باردار سازد که در صورت دوری از محرّمات یعنی در صورتیکه عمل بوسیله زنی متخصص انجام گیرد و در حین عمل صدمه ای به زن وارد نگردد آنرا تجویز کرده و قریب باتفاق مراجع نیز اظهار میدارند چنین فرزندى میتواند از والدین خود ارث ببرد یعنی همانند سایر فرزندان میباشد.

جالب اینجاست که پزشکان متخصص متفقاً اظهار میدارند مرد و زنی که رضایت داده و حاضر شده اند نطفه مردی اجنبی وارد رحم زن ساخته بارورش سازیم در صورتیکه بعدها با کودکانشان همانند کودکان سرراهی عمل نمایند و یا حداقل کودک نزد پدر غریبه ای محسوس نشود حتی یک مورد هم پیش نیاید که چنین زنی برای بار دیگر بهمان متخصص مراجعه کند و حتی کسانی که پزشک فامیلی میباشند در این مورد با عکس العمل

خاصی روبرو میگردند.

علل عقیم شدن مرد زیاد است:

کرمک تولید نکردن - مایعی که باید حفرات و پرستات ترشح کند تا کرمک ها بتوانند در آن حرکت کنند کافی نباشد -  
اسید شدن بیشتر از حد منی و کشته شدن کرمکها - ضعیف بودن کرمک - کمتر بودن شمارش کرمکها - سابقه فامیلی -  
ناسازگاری که بعلت بهم رسیدن علت مرد و علت زن بیکدیگر میباشد - ریخته شدن منی در اطراف دهانه رحم و وارد نشدن.

هر کدام از علت‌های فوق الذکر درمان مخصوصی دارد که اگر شفا نیافت و زن تندرست و مستعد بود مسئله تلقیح مصنوعی را مطرح و حل مشکل میدانند.

تلقیح مصنوعی فقط داخل رحم کردن منی مرد است با سرنگ یا وسایل دیگر که در تلقیح منی بیگانه موفقیت آماری تقریباً دو برابر شوهر بوده است (گرچه اسلام و مسیحیت کاتولیک تلقیح از کرمک بیگانه را حرام میدانند)

اخیراً با یک نطفه درست کرده و آنها را در حرارت ۷ - ۱۹ نگهداری مینمایند. ناگفته نماند که: اخیراً تلقیح مصنوعی در طیور نضجی نشر یافته است دیگر طپانچه ای درست نشده است که بوسیله فنر یا گاز و یا الکتریک بطور خودکار عمل تلقیح را انجام میدهد که با فشار مقدار واکسن لازم داخل نسج بازو می شود.

**تغییر جنسیت در اسلام**

آفرینش همه موجودات بنابر آنچه قرآن در ۱۵ قرن قبل فرموده و علم روز آنرا فهمیده است بر دوگانگی است اما آنگونه دوگانگی که سازگاری کرده و هستی را بوجود آورده است (مقصود آنست که قرآن میفرماید همه چیز را زوجین خلق کردیم) از مثبت و منفی بودن بار ذرات (و چه بسا احرام نیز) - ماده و ضد ماده - عمل و عکس العمل - فعل و انفعال - و .... و بالا-خره نر و ماده بودن که در یک فرمول کلی میتوان همه و همه را عالم تضاد نام نهاد اما چگونه تضادی؟ آنگونه که حضرت علی فرمود



بتشعيره المشاعر عرف ان لا مشعوله و بمضادته بين الامور عرف ان لا ضد له و بمقارنيه بين الاشياء عرف ان لا قرين له ضاد النور بالظلمه و الوضوح بالبهيمه و الجمود بالبلبل و الحرور بالصرده مولف بين متعادياتها مقارن بين متباينا - نها مقرب بين مبعاد انها مغرق بين مندايبانها اله بتقريقتها على مفرقتها و بناليفها على مؤلفها و ذلك قوله تعالى و من شى خلقنا زوجين لعلكم تذكرون (با ايجاد حواس و نیروهای دراکه معلوم میگردد برای خدا آلت حساس و ادراکی نیست و با مقرر داشتن تضاد بین اشیاء معلوم میشود ضد و مخالفی ندارد و با ت عین قرین میان چیزها معلوم میگردد که همنشین و قرینی ندارد. روشی را با تاریکی و آشکار را پنهانی و خشکی را با نرمی و گرمی را با سردی ضد یکدیگر ساخت. ترکیب کننده بین اشیاء متضاد است که از هم جدایند (مانند روح و بدن) و نزدیک کننده چیزهائست که از یکدیگر دورند (مانند خواشهای نفسانی) و جداکننده است بین آنهایی که بهم نزدیکند (بین جسم و جان) جدا شدن رهنمون ما بر جدا کننده و تألیف و گردآوردن راهنمایی ما بسوی گردآورنده است اینست که پروردگار میفرماید از هر چیزی دو زوج آفریدیم تا شاید متذکر شویم (متذکر حقیقت توحید).

توجه خوانندگان را به تضادی که حضرت در انواع تکامل و بطور فیزیکی و غیرفیزیکی بیان میفرماید جلب مینمایم و به نقصی که در آفرینش است و بتدریج به کمال میرسد و لذا ناقص نمیتواند خود علت باشد و به تضادی که بین اشیاء است و بتدریج به کمال میرسد و لذا خدا را ضدی نمیتواند باشد و به قرین و تضادهای دیگری چون نور و روشنائی و نرمی و خشکی و گرمی و سردی و نزدیکی و دوری که همه میرساند فاعل شاعر

خداست و جوشش در سازمان بخشی و نظم و بکمال رفتن را ذات مقدسش در نهاد اشیاء نهاده است توجه میدهد آری اگر قرار بود تناقض و تضاد در سازمان بخشی ها و به کمال رساندن آنها دخالت داشته باشد چرا همه هسته های اولیه را فرا نگرفت و این تناقض و تضاد از کجا پیدا شد و چگونه حالت نزاع به آنها تعلق گرفت و چگونه یکجا تضاد شد و جای دیگر تناقض و چگونه تضاد و تناقض فهمیدند که یکجا باید ماده با انواع گوناگونش بوجود آید و جای دیگر نظام و انضباط مخصوص بهمان ماده و از کجا هم ماده پیدا شد هم نیروئی که بنام تضاد و تناقض وارد عمل گردد و از کجا هر چیز هم منشاء صدور خودش شد و هم منشاء صدور آنچه باید انجام دهد و قوانینی که باید بر او حاکم باشد و این حالت ضعف در نوع تکامل یافته هستی که تفکر باشد پیداست چه رسد به مراحل پست تر آن و از کجا تناقض و تضاد میدانست به کجا که رسید باید موجود زنده یا بعرضه وجود گذارد یا حیات بخشی از کجای تضاد و تناقض های عامله قبلی جوشش پیدا کرد و از کجا فهمید باید چند ملیون تحول انجام دهد تا تنوع مقصود را بوجود آورد و این مسئله نسبی مورد علاقه قرآن است که یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی را بارها آورده و پیدایش مرده را از زنده با کلمه یخرج (نه یخلق، نه یجعل) آورده است و چون همه از بحث خارج است انشاء الله در بهداشت روانی خواهیم آورد.

البته مطلب دیگر را نیز نباید از یاد برد که حضرت از تناقض نامی نبرده و هر چه را از تطور و تکامل (حتی تضاد) نام برده در جمله قرآنی و من شی خلقنا زوجین آنچنان نشان داده است که تناقض غیر ممکن است و هر چه هست هر دو طرفش وجود و زوجین است و یکطرف

عدم باشد تا نقض آن هستی باشد غیر ممکن است.

انسان نیز در قلمرو آنچه آورده شد با دو گونه مختلف بدنیا می آید و با دو گونه غرائز که کشش شدیدی نسبت بیکدیگر دارند ارضای غریزه مینمایند و کانون گرم خانواده را بوجود می آورند و همانند خود را تولید مینمایند.

موجودات نر و ماده هر کدام بنحو خاصی در جلب یکدیگر میکوشند و قدرت مذکور بجهت بقای نسل بر آنها حاکم است یکجا پر و بال است که جنس نر را جذب میکند و جای دیگر گرده افشانی یا صدای مخصوص کردن یا مواد رنگی در فضا رها نمودن یا .... و انسان نیز برای جلب یکدیگر مأموریت کلی آرایش و پیرایش را بدست جنس ماده سپرده. زن را مأمور پوشیدن لباس های گوناگون که اندام را زیبا میسازد و آرایش رنگارنگ که بیشتر زیبا میگرداند و همه نشانی از نوع دعوت خاموش زن از مرد است که زیبایی و جمال هر زشتی را زیبا و هر زیبایی را برای جلب جنس مخالف زیباتر نشان دهد.

مردها دارای دو کرموزم جنسی هستند یکی بزرگتر است از نوع و دیگری کوچکتر که کرموزم گویند و مهمتر کارشان که سبب ایجاد اختلاف جنسی انسانها میگردد کنترل کار مختلف بدن بوده که هر مونهای جنسی را درست کرده و در نتیجه خصوصیات جنسی را بوجود می آورند.

با خارج ساختن بیضه یک پسر یا ضایع ساختن آن مشاهده میشود پس از مدت کوتاهی اندامهای تناسلی جنس ماده شروع به تظاهر نموده و پسر بشکل یکدختر در خواهد آمد اما چون بلوغ رسد قاعده نخواهد شد و شکل وی با یک زن کاملاً فرق دارد.

برخی از مردان بیمار از نظر روانی زن هستند و بدون داشتن کوچکترین اثر از زن بودن درست دارند لباس زنانه بپوشند و صورت خود بیارایند و کارهای زنانگی کنند که امروز با مطالعات فراوان بر روی کرموزمها علتش دانسته شده است و همین هایند که با یک عمل جراحی کوچک به زن تبدیل میشوند و با وارد ساختن تدریجی هورمونهای زنانگی اندامشان را نیز زنانه میسازند ابتدا پستانها بزرگ میشود و چربی زیر پوست افزوده میگردد و بوژه در ناحیه کفلهها و بعد موهای صورت از بین میرود و شکل زنانگی ظاهر میگردد و زمانی نیز زن را بهمین روش با شرایط و ضوابطی دیگر مرد مینمایند.

ناگفته نماند عمل تغییر جنسیت بر روی اشخاص خنثی (هرمافرودیسیم) عمل میشود و پیدایش چنین اشخاص که مردند و قسمت هائی از اعضاء تناسلی زن را دارند یا زنند و دارنده برخی اندام آمیزشی مرد یا در قسمت هائی شریکند علتش اینست که تکه پاره های کرموزم های مونث X یا مذکر Y وارد عمل شده اند و X بعلاوه پاره های Y یا Y باضافه قطعه هائی از X جنس را ساخته اند بهر صورت چون قصد ما بررسی مختصر دینی از تغییر جنسیت است بهمین اندازه اکتفا نموده برای هزارمین بار توجهتان را به اسلام جلب مینمائیم که با سابقه ۱۵ قرنیش آیا کدام گوشه از مسائل زندگی را بررسی نکرده و دستور نداده است؟

عوامل پدید آورنده نابسامانیهای فوق الذکر که مرد زن نما شود یا زن مرد نمایا اخلاق زنانگی یابند یا خنثی متولد شوند یا ... همه در اثر بیماریهای عفونی و زهرها و سوء تغذیه و اعمال مشقت بار و شکنجه هائی است که معمول به جهان روز شده و در زندانهای بسیاری از کشورها

اعمال می‌گردد و نیز برخی اختلالات هرمونی و بیماریهای مادرزادی و ... که در صورت رعایت دستورات اسلام نباید موردی از آنها دیده شود و دستورات اسلام را در این باره آوردم که نباید در گرما، داخل آب، در زمان ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی، زمان رعد و برق و مستی و با حالتی وحشتناک و اضطراب آمیز و ... آمیزش کرد و نیز دستورات جالبی که در زمان بارداری باید رعایت کرد که اگر همه رعایت گردد مبتلایان بحداقل تنزل می‌یابند اما چرا حداقل (نه صفر) زیرا فقه اسلامی بابی در این باره باز کرده و دستوراتی داده و اگر قرار بود رعایت همه دستورات اسلامی درباره آمیزش (حتی مستحبات یعنی ریزه کاریهایش) امکان پذیر باشد مردم دیگر نیز همانند پیشوایان دینی مسئول این مزایا بودند که در برابرشان بایستند و بگویند کنتم نورا فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره و این مشکل زمانی حل خواهد شد که قطب الاقطاب مولا- و مخدوم عزیزمان حضرت حجت بیابند و با روشنگریها همه را رهنمون گردند. بهر صورت در فقه اسلامی فصل مبسوطی راجع به اشخاص مورد بحث وجود دارد که نمونه هائی چند از آن آورده می‌شود و طالبان میتوانند به کتابهای (تهذیب شیخ طوسی جلد ۹ - من لا یحضره الفقیه جلد ۴ - وسائل لمعه باب ارث - مستمسک آیه الله حکیم - تحریر الوسيله و ...) مراجعه نمایند:

کسی نزد حضرت علی آمد که سخنی دارم باید تنهائی بعرض برسانم. من هم زن دارم و هم شوهر کرده ام زیرا هر دو آلت را دارم درباره ام قضاوت بفرمائید: حضرت فرمود جنسیت خود را از اول ثابت کند که مردانگی بیشتر است یا زنانگی و دستور فرمود ادرار کند ریزش

ادرار از هر کدام زودتر بایستد و اگر مساوی ایستد نطفه در ظرف آب بریزد اگر ته ظرف بود مرد است و در غیر اینصورت زن. (۱)

در مورد مسائل حقیقی و تکالیف شرعی و معاملات نیز تا تکلیف جنسیت روشن نشود اقدام نمیتوان کرد. در بیماری ترنر که شخص هیچ آلتی ندارد به امام ششم مراجعه شد. فرمود اگر ادرار جهش دارد مردانه حساب شود و در غیر اینصورت زن (۲) و هر کس جنسیت خود را که مخفی است بداند باید طبق دستورات مربوط به همان جنس عمل نماید و اگر دو شخص که ازدواج کرده اند هر دو تغییر جنسیت دهند باید مجدد ازدواج کنند و اگر یکی تغییر جنسیت داد ازدواج باطل است.

درمان بیماری تغییر جنسیت نیز همانند هر بیماری بنظر فقها بلا اشکال میباشد اما نه اینکه هر کس تمایلات روانی زنانگی یا مردانگی داشت بتواند مرد یا زن شود.

عواملی که در پیدایش دو جنسی ها مؤثرند عبارتند از هیپرپلازی مادرزادی فوق کلیوی - آرنوبلاستوم - زیادی هورمون مردساز - نارسائی مادرزادی غدد فوق کلیوی - عوامل دیگری علاوه بر آنچه گفته شد وجود دارد که ناهنجاریهای دستگاه تناسلی و عجیب الخلقه ها را سبب میشود چون سفلیس، اشعه ایکس - بیماری قند - شیمیوتراپی - توکسوپلاسموز روبئول - اختلالات هرمونی - لیتریوز - فشار خون - بیماریهای عفونی و اخیرا دانسته شده که شکنجه دادنهایی که متأسفانه بشرها برای همنوع خود معمول میدارند که در هر نوع تغییری که گفته شد مؤثر است و ممکن است در نسل آنها ناهنجاریها و عجیب الخلقه ها و .... مشاهده شود.

۱- حدیث ۲۷۱ تهذیب و ص ۲۳۸ من لا یحضر

۲- وافی ص ۲۴۱ باب مواریث

آنچه را در بخش مستقلی آوردم که لابد مطالعه فرموده اید و دستوراتی از طرف اسلام است تا از پیدایش هر گونه عیب در نسل جلوگیری شود از قبیل آمیزش نکردن در زمان کسوف، خسوف، گرما، داخل آب، قبل از طلوع و غروب آفتاب، موقع رعد و برق، گاه اضطراب و ترس، یعنی در زمان ناامن و همچنین در مکان ناامن و مسائل بسیار دیگر که آورده شد

تغییر جنسیت که بر مبنای دو جنس را یک جنس کردن است و دو جنس بودن نوعی بیماری می باشد و مداوای بیماری بنظر اسلام جایز و بلکه واجب می باشد، بلاشکال می باشد.

ناگفته نماند که لواط و سحاق که از گناهان کبیره محسوب است و مرد با مرد و زن با زن آمیزش مینمایند و این در اثر واکنش های روانی است، مجوزی برای تغییر جنسیت بحساب نمی آید.

درباره بقیه مسائل تغییر جنسیت میتوان به تحریر الوسيله تحت عنوان ذکور مراجعه نمود.

تاریخ تمایل مرد که زن شود یا زن که مرد شود بسیار قدمی است و امپراطور روم کاکلی گولا- و شوالیه معروف دئون از آنجمله اند.

تاکنون عالم پزشکی تغییر جنسیت را ترانس سکسوالیسم نام داده حالت رضایت به آن داشته به درمانش بی توجه بودند اما امروز هرمونوتراپی و جراحی پلاستیک اقدام به تغییر دادن جنسیت تا بحداقل مینمایند و از ۱۹۳۱ بوسیله ابراهام جراح آلمانی مقبولیت یافت.

واژه ترانس سکسوالیسم در مورد سندرم روان پزشکی که با نفی کامل احساسات، افکار و هویت خود شخص و بکار گرفته شدن کامل احساسات افکار و هویت خود شخص و بکار گرفته شدن کامل احساسات و هویت

جنس مخالف مشخص میشود بکار میرود ترانس سکسوالیست ها بطور کلی همراه با آگاهی کامل از حقیقت تصور میکنند که جنس روانی آنها از جنس تشریحی ایشان به علت آنچه در آفرینش برای آنها رخ داده فرق میکند

با اینکه این افراد در تمیز هویت خود تا آنجا پیش میروند که لباسهای جنس دیگر را بر تن میکنند و به ایجاد روابط عشقی با افراد هم جنس خود مبادرت میورزند ولی نباید با آنها که لباسهای جنس دیگر میپوشند و با همجنس بازان اشتباه نشوند در صورتیکه آنها به لباس غیر جنس پوشیدن راضی اند و ترانس سکسوئل ها در حقیقت نتیجه منطقی وابستگی به جنس مؤنث بوده و اعضاء جنس خارجی آنها موجب عدم رضایت آنهاست و هموسکسوئل ها پا برجائی اعضاء تناسلی اشان موجب رضایت آنهاست.

ترانس سکسوئل هرگز طرف خود را بعنوان همجنس نمیپذیرد و هموسکسوئل تصور نکرده هتروسکسوئل قبول دارد و در صورتیکه هموسکسوئل ها و تراوست ها (آنها که لباس جنس مخالف بر تن مینمایند) بعللی (مثلا- اقتصادی) تن به تغییر جنسیت میدهند اما ترانس سکسوئل برای تمیز داده شدن مراجعه نمی نماید.

ترانس سکسوئل در آمریکا یک درصد هزار مردان و نزد زنان یک در چهارصد هزار است و در کشورهای دیگر نیز در همین حدود میباشد

روان پزشکان درباره افراد مزبور دو دسته اند یکعده گویند افراد مذکور خود را از جنسی میدانند که به آن تعلق ندارند و دسته دیگر گویند این حالت مربوط به نادرست بودن ارتباط والدین در دوره کودکی وی با او بوده است و حالت یسیکوز و روانی در کار نیست.



ناگفته نماند چه بسا افراد اسکیزوفرن (جنون جوانی) برای تغییر جنسیت مراجعه مینمایند ولی اغلب ترانس سکسوالیست ها عقل نسبتا درستی در تمام قسمت ها دارند بجز تشخیص هویت جنسی.

علت ترانس سکسوالیت شدن را بعلت آنکه نزد آنها دیده اند که تومور بیضه داشته اند یا تومور فوق کلیه یا ترشحات غددی استروژنی آنها مختل بوده است برخی به آنها نسبت داده و بعضی وجود مرکز عصبی را که تحت کنترل اند روژن است علت میدانند و زن یا مرد بودن را حتی قبل از تولد بدینطریق علت میدانند.

اگر مادر فوق العاده نسبت به کودک عاطفی و بدر مخالف وی باشد باز نزد بعضی علت دانسته شده است احساس وابستگی به جنس مخالف در سالهای اول زندگی بروز مینماید و هویت جنسی قبل از پنج سالگی ثابت است و اختلاف رفتار بین پسر و دختر سالم از سن یک سالگی تا شش ماه بعد ظاهر میشود و کودک خنثی یا مدتی همانگونه که اجتماع وی را پذیرفته شناخته میشود مثلا پسر شناخته و به کودک کان بعنوان پسر معرفی کرده است یا برعکس.

ظاهر اعضاء تناسلی افراد خنثی در هر سنی ممکن است تغییر یابد و هویت جنسی بندرت پس از اولین دوره کودکی تغییر می یابد و خطرناکترین دوره در ۵ - ۶ سالگی است که حتی اگر از نظر بیولوژیک مذکر باشد دختر قلمداد شده و هویت جنسی تغییر نیافته و اعمال نظر شده برای آنست که وضع تشریحی اعضاء تناسلی خارجی با جنس ترشچی (گونادی) هماهنگ باشد (ناگفته نماند مسئله ترانس سکسوالیم نزد حیوانات نیز مطرح است)

## تشخیص بارداری

خارج از موضوع هست و نیست و از این لحاظ وارد است که زن باردار را نیز وظایف شرعی است و اجرهائی که بسیاری از آنها آورده شده است لذا باختصار هر چه بیشتر بذكرش میپردازیم:

زن میخواهد بداند باردار است یا نه. برای اینکه رابطه شرعی اش چگونه باشد. آمیزشش و بالاخره زمانی که ترس دارند که باردار شده اند و نمیخواستند بشوند و اهل ایمان که مایلند با اطلاع از بارداری همسرشان و مراقبت از وی روح اطاعت از قانون را در جستجو و تقویت نمایند و آنچه اسلام خواسته بخورند و بگویند و انجام دهند و حتی بیندیشند همه در زمان بارداری رعایت شود.

علائم حاملگی بسه دسته (قطعی - احتمالی - حدسی) تقسیم میشود: قطعی که اغلب بعد از چهار ماهگی تشخیص داده میشود و احتمالی قبل از چهار ماهگی و حدسی که به اظهار نظر زن متکی است و در هر مرحله ای از حاملگی پدیدار میگردد.

علائم قطعی شنیدن صدای قلب جنین است و حرکاتی که میکند و عکسبرداری از استخوانهای وی.

علائم احتمالی چنین است: بزرگ شدن شکم - تغییر شکل و اندازه

و قوام رحم - نرم شدن و تغییراتی در گلوی زهدان - انقباضات نامرتب و بدون درد رحم - احساس جسم شناور در زهدان - اندازه رحم از روی شکم - آزمایشهای هرمونی (آشیم زندک - فریدمن - مانی نی گالی - شاپرید بلرمی - موش فرانک - رادن پروژسترون - تعیین مقدار گونادوتروفین کربونیک - روش کاهلر و پیدا کردن هسیتدین در ادرار زن آبستن - دو قطره محلول نشاسته یک درصد به ۲/۵ سی سی ادرار افزوده حرارت داده بعد بمقدار کافی محلول لوگل ریخته بمحض جوش آمدن اگر ادرار صورتی یا قرمز شدن مثبت است و اگر زرداند منفی است - آزمایش بر سینیا سیون گلبولهای قرمز که با ادرار باردار انجام میگیرد و از ادرار غیر باردار بدون اثر است - آزمایش مایع امینوتیک - کپسولهایی که اخیرا درست کرده اند و ادرار زن را وارد کرده تکان میدهند حلقه سیاه ایجاد شود آبستن است - لوله ای در انگلستان برای فروش بخانم هاست که چون ادرار باردار واردش کنند ارغوانی میگردد و باردار نباشد زرد باقی میماند - آزمایشات نامبرده دارای ارزش خاصی است و از بحث ما خارج)

ناگفته نماند سالهای قبل اگر ۱۵ روز متوالی پس از قطع قاعدگی درجه حرارت مقعد بالا-تر از معمول بود علامت حاملگی میدانستند. در قدیم نیز روشهایی معمول بوده است که علمای اسلامی بیش از همه تندترند و از جمله ابن سینا گوید اگر ادرار زن آبستن را بگیرند حتی اوائل آبستنی وی باشد و قورباغه ای را در آن ادرار گذارند رنگ پوستش تغییر میکند و باردار نباشد تغییری نمیکند (۱) که توجه دادن ارتباط قورباغه با آزمایش بارداری در آن زمان بسیار جالب است.

در زمان فراغ غنچه های گل زنبق و گلایول که با قطعه ای از ساقه چیده شد وارد ادرار زن میکردند اگر غنچه زودتر باز میشد آنرا دلیل آبستنی میدانستند. در ۱۹۴۷ دکتر اورلان گونادو تروخین را در پیشاب باردار یافت و به حیوان تزریق کرد و پیدایش فلیکول در تخمدانش را دلیل آبستنی دانست و بعد با وزغ و خرگوش و قورباغه و ... آزمایش شد.

علائم حدس حاملگی عبارتند از: قطع قاعدگی - تغییرات پستانها که در شکم اول نمایان تر است - ویا - حرکات جنین - تغییر رنگ مخاط فرج و مهبل - غیر طبیعی شدن پیگمانها که پوست تغییر رنگ میدهد و ترکهایی بر شکم پدید میآید - خستگی که اغلب در اوائل حاملگی است.

ناگفته نماند آبستنی کاذب نزد زنان مسن و دخترانی که در آرزوی باردار شدن اند دیده میشود و دانشمندان توانسته اند خرگوش و گربه را با خرگوش و گربه عقیم آمیزش داده و آبستنی کاذب در آنها بوجود آورند و در این دو حیوان دیده شده پس از آمیزش جسم زرد در تخمدان تشکیل شده و مخاط رحم تغییر کرده و پستانها بزرگ میشود و علت آنرا تحریک هیپوفیز در اثر آمیزش و ترشح هرمون میدانند و نزد انسان شکم بزرگ میشود (در اثر چربی زیر پوست) حرکات جنین بخوبی حس میگردد (تحریک روده ها و حرکات گاز شکم) پستانها بزرگ شده ویا هر صبحانه و حتی بی نظمی قاعدگی بوجود میآید و نزد زنان مسن حتی قطع قاعدگی.

هم اکنون با یکساعت صرف وقت جنین شش روزه را میتوانند تشخیص دهند و جهت تشخیص با بهره گیری از رادیو اکتیو استفاده مینمایند و

اساس بر اینست که در تخمدان گیرنده های مشترکی جهت گرفتن هورمون LH هیپوفیز و HCG وجود دارد دقت آزمایش مذکور بحدی است که حتی شش روز پس از تخمگذاری و حتی قبل از کاسته شدن بلاستوسیت ها تشخیص حاملگی را مسلم مینماید (میتوان چند قطره خون انگشت مادر را گرفته کوربونیک گونادترفین را که هورمون جفتی است اندازه گرفت و نتیجه صد در صد است)

### مرجع کیست؟

جفت وسیله ارتباط مادر و فرزند است وسیله ای که عبور و مرور مواد غذایی را از مادر به جنین و خروج و دفع مواد زائد سوخت و ساز را از جنین به مادر فراهم میسازد و لذا سالم بودنش در چگونگی جنین مؤثر است.

جفت نزد حیوانات خونسرد هم دیده میشود و از شگفتی های آفرینش اختلاف شدید ظاهری و ساختمان جفت نزد انواع حیوانات و یکسان و مشابه بودن عمل آنهاست و اینهمه اختلاف ظاهری و میکروسکوپی در برابر عمل مشابه و یکسان تعجب آور است و بهمین علت نمیتوان برای شناخت جفت انسان از جفت حیوانات استفاده نمود و لذا اطلاعات علمی جفت نزد انسان و حیوان فوق العاده اندک میباشد.

در جفت بین خون مادر و فرزند ارتباط خاصی برقرار است گویا رگهای مادر شاخ و برگ درختی از خونند که ریشه تقریباً افشانی دارند که در فاصله ها و حفره های کوچک محتوی خون که در جفت است فرو رفته و

رگهای جنین نیز بهمین شکل ریشه های درخت عروقی اش در همان حفره ها در برابر ریشه های عروقی افشان مادر قرار دارد این ریشه ها بلکه این پرزها از مایع روشنی مملو است و همانند دانه های انگور میمانند و در نتیجه خون مادر و جنین از یکدیگر جدا به تبادل و دادن و گرفتن انجام وظیفه مینمایند.

حیات محدود جفت سبب شده است که دانشمندان پیرشدنش را با تغییرات پیر شدن آدمی خیلی شبیه بشمار آورند (۱) و یکی از آنها قابلیت نفوذ است و دیگری کم خونی موضعی است که بواسطه لفاف شدن مرزها در قشر فیبرین بوجود میآید (و تا ادامه حیات جنین ادامه دارد) و مشابه بدن در هنگام پیری است.

جفت دارای تعداد زیادی آنزیم است و در ساختمان و ترشح مواد لیپیدی و پروتئینی (هرمونهای داخلی) شرکت دارد غذا و هوا به جنین میرساند که در برگهای قبل آوردم امام خون مادر را زندانی و وسیله رساندن غذا و هوا را مادر معرفی فرمود و مطالبی دیگر که طالبان میتوانند مراجعه نمایند و آنچه در اینجا آورده شد برای معرفی جفت بود از این جهت که از سطح محل خود (زهدان) برداشت کرده تغذیه و تهویه. و سازمان بخشی و رشد انجام میدهد و در عین حال در کنارش موجودی که بهیچوجه متناسب با محل (زهدان) نیست در حال رشد و کمال است و معلوم آنکه این موجود برای زندگی در جای دیگری و بزرگتری دست دارد. یا دارد. چشم و گوش و .... که چون بدنیا آید علت و حکمت آنهمه اعضاء و احشاء معلوم میشود و چون جفت و آنچه

در کنارش رشد میکند از محل اصلی (زهدان) خارج شدند آنکه به تناسب محل (زهدان) برداشت میکرد و باعث رشد خودش و قسمت کاملتری از خودش میشد (جنین) زیر خاک رفته همسایه اش که ساختمانی متناسب با جهان دیگر داشت متناسب با حیات محدود نیامدتی محدود در این محدوده (کره زمین) زندگی کرده و همانگونه که جفت از سطح محل خود (زهدان) برداشت میکرد بدن نیز از سطح محل خود (زمین با کشت و زرع) برداشت کرده (منها خلقناکم و منها نخرجکم تاره اخری) تغذیه و تهویه و رشد کرده همانگونه که جفت و سائل تغذیه جنین متناسب دنیا را فراهم میساخت و بیکدیگر بستگی داشتند در اینجا نیز بدن متوجه میشود و سائل تغذیه قسمتی متناسب با آخرت را فراهم میسازد و بیکدیگر بستگی دارند و متناسب آخرت یعنی بی نهایت - ابدی - همیشه زنده - فناپذیر چنانچه قسمتی از آن نیز که در کنار آن رشد میکند بی نهایت و ابدی و فناپذیر احساس میشود و نه سیر میشود و نه آرام میپذیرد و چون هنگام رفتن از این جهان شد باز همانند جهان قبلی (رحم) آنکه متناسب خاک است زیر خاک رفته آنچه متناسب با جهان ابدی است باقی میماند و اگر تناسب به نهایت و سازگاری رسید (نزد شهدای راه خدا وجود دارد) برای همیشه حتی قبل از قیامت و بعثت زنده اند و روزی میخورند و بقیه افراد بعثت آنکه همه چیز را قرآن عقیده دراد در مسیری خاص بسوی خداست (الی الله المصیر) و نابود شدنی وجود ندارد لذا جسم و جان و هر چه هست از اعمال و افعال و اقوال در روز خاصی که حیات بخشی دیگری است حاضر و زنده و با جهان ابدی سازگاری یا ناسازگاری آغاز مینماید (قد افلح

من زکها و قد خاب من دسیها) که در جلد معاد به تفصیل شرح داده خواهد شد و هم اکنون قسمتی را که لازم بنظر میرسد می آورم:

چون موضوع مهم و جالبی است قبل از آن به مطالب زیر توجه فرمائید:

هنوز جنین و جفت بیش از یک قطعه بسیار کوچک نیستند چون لخنه ای گوشی که دو نقطه بسیار کوچک آن لخنه روشنتر می نماید گویا آنرا چرب کرده اند و در یک نقطه ای نیز سلولهای میطید همانند کسیکه پلک چشم میطید بعد که آنها را دنبال میکنند می بینند این سلولهای روشن چشم میشوند و آن سلولهای طپش دار قلب میگردند و این با چشم غیر مسلح در روزهای ۲۴ و ۲۵ نمایان است و بدیهی آنکه با چشم مسلح میتوان در روزهای جلوتر محل چشم و قلب و ... را در آن ذره لخنه مشاهده کرد و با طرق علمی رساتر حتی در اوائل که سلولها جدا شده اند و اینک نظر میدهند که به زودی عناصر موجود در فضا را خواهند توانست تشخیص داد که آیا درچه نوع ساختمانی شرکت خواهد کرد. مثلا کربنی را که در فضا آزاد است مشخص میدارند که در سازمان بخشی گیاه شرکت خواهد نمود یا حیوان یا .... و در آنروز که این مسئله قاطعیت علمی یابد مسلم میشود هر موجودی با نظام قبلی آفرینش برای جلب و جذب عناصر موجودیت دارد.

مطلب دیگری که باید آن را دانست محدود بودن حیات جفت است. جفت نوزادی و کودکی و جوانی و پیری را در رحم میگذارند و تمام مراحل مذکورش مانند مراحل این دنیای کودک است که نوزادی و کودکی و جوانی و میان سالی و پیری را میگذارند مثلا ازدیاد قابلیت نفوذ که بنظر میرسد به نفع جنین تمام میشود و کم خونی موضعی آن بالفافه شدن



مرزها در قشری از فیبرین که در پیری آدمی نیز هست و آنجا با ادامه حیات جنین و اینجا با ادامه حیات انسان تباین دارد.

مطلب دیگر سلولهای ۹۹ عدید تروفوبلاست است:

ابتدا تخم دو سلول است که از شستشوی لوله شیپوری بدست آمده است بعد تخم ها تقسیمات سلولی بیشتری (۵، ۸، ۱۲، ۵۸) که باز هم با شستشو بدست آمده داشته اند، در مرحله ای که سلولهای بوجود آورنده جنین ۸ عدد هستند بوسیله سلولهای تروفوبلاست که ۹۹ سلولند احاطه گردیده اند (اپی تلیوم، مزانشیم پرده های جنین از سلولهای تروفوبلاست است). بمحض لانه گزینی تخم در رحم سلولهای تروفوبلاست بوسیله نسج مادری تغذیه میشوند (در اینجا توجه شما را به فرمایش نبی خاتم که فرمودند ۹۹ عرق در هر انسان در رحم وجود دارد و در جنین شناسی شرح دادم با عنایت به ارتباط تروفوبلاستها با نسج مادری جلب مینمایم).

مطلب چهارم که بارها تکرار شده اعضاء و جوارح جنین است که در رحم بهیچکدام کاری ندارد یعنی هیچکدام وسیله ارتباطی وی با محیطش و نیازمندیش نیست (با توجه به اینکه اعضاء آنهایند که زوجند و ارتباط آدمی را با محیط تأمین مینمایند. و بقیه جوارحند و جنین نه چشمی برای دیدن محیط نه گوشی نه ... لازم ندارد و نه قلب و ریه و ... همانند دنیا کار میکند مطلب روشن میگردد)

مطلب دیگر رو به بالا و رشد بودن مراحل خلقت جمادی، نباتی، حیوانی، انسانی است که هر درجه بعدی عالیتر از قبلی است و از ناموس خلقت است که یخرج الحی من المیت تحقق پذیرد و هر دانی

فدای موجودیت عالی شود و در عمل نیز میبینیم زمین را فدا میکنند تا گیاه باشد و گیاه را فدا میسازند تا حیوان بماند و حیواناتی را برای ماندن انسان میدوشند و میکشند و ... و در بین انسانها نیز هم اسلام میگوید اگر حکم دایر به نجات دو نفر شود باید اول عالی را نجات داد عالی از لحاظ دین، عالی از لحاظ علم.

حیوان از گیاه میخورد و انسان یا از شیر و گوشتش بهره میبرد یا خود مستقیماً از گیاه میخورد و بهر صورت گیاه واسطه رشد انسان است.

از عجایب جفت آنکه در حیوانات و انسان آنقدر بهم شبیه اند که مطالعات تجزیه اشان از لحاظ اعمال و افعال آسان نیست و جفت در رحم حیوان و انسان واسطه تغذیه ای جنین مییابد که از مادر گرفته به او میرساند جفت که واسطه است و گیاه که واسطه است و هر دو به زمین محیط خود چسبیده و برداشت دارند بهنگام پیری به آنقسمت برمیگردند که از آنجا حشر دارند (و اذا الوحوش حشرت - قرآن) و اینها (انسانها) حیوان و انسان در مرحله قبلی که اعضاء و جوارحی لازم ندارند همینکه به دنیای بعد آمدند معلوم میشود اینها پیش بینی های لازم بوده که آفرینش برای آنها کرده و در اینجا آنها را لازم دارند.

اولین مطلب مربوط به عناصر قبلاً مشخص شده بود که هر موجودی آنها را جذب مینماید و مطلب بعدی اینکه هر چه را زمین داد پس میگیرد جان داده پس میگیرد، بدن داده پس میگیرد، و برای گیاه و جفت که مرحله واسطه ایشان سبب اقدام مجددشان نمیشود تا آنچه را دانی از آنها گرفته بعنوان عالی پس بگیرند مسئله حشر مطرح نیست اما برای حیوان و انسانی که اعضاء و جوارحشان دگرگون ساز محیطند و اینها

واسطه نیستند و در دنیای قبل چشم و گوش و اعضاء و جوارحی برای دنیای بعد دارند حشر مطرح است و اینکه:

انسان عناصر خود را از خاک میگیرد از دانی میگیرد و صاحب جوارح و اعضاء میشود و علاوه بر حیوان مغزی نیز که عضوی آنچنان است دارد. مغز عضوی عالی تر از بدن حیوانی دانی. خاک دانی میآید و همه چیز عالی تر یعنی انسان را پس میگیرد و این توجه را قرآن داده است (منها خلقناکم و منها نعیدکم و منها ینخرجکم تاره اخری) و همین مغز و قلب و سمع و بصر است و حیوان را قلب و اذن و عین (از جمله لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اذان لا یسمعون بها و لهم اعین لا یبصرون بها...) و این اعضاء اعیانی و انسانی در دورن ایمان را دارند و آنرا بیرون میدهند بصورت اعمال (قصد و نیت و پندار و عقیده و غوغای درونی تبدیل به گفتار و کردار میگردد) و قوه ها مدام به افعال و اعمال تبدیل میگردد اما انسان عالی مجدد از دانی آنچه را داده پس می گیرد و به اعتبار آنکه در دنیای رحم جفت متناسب آن محیط در کنارش جنینی متناسب دنیای بعد وجود داشته و در دنیای بعد هم متناسب با آن رشد یافت و در آنجا نیز در کنار بدن متناسب با دنیایش ابعادی از اراده و قصد و نیت و فکر و فرآورده های قلبی و مغزی متناسب با جهان بینهایت آخرتی وجود دارد فردا همین قوای به فعل تبدیل شده که متعلق بهمین موجود است بوسیله این موجود عالی از خاک و محیط دانی پس گرفته میشود و در جلد مربوط به معاد به تفصیل شرح داده خواهد شد و خلاصه اینکه:

انسان عناصری را که آماده و مشخص شده است که مخصوص اوست

جذب مینماید یعنی از داین میگیرد و سپس دانی آنها را که داده پس میگیرد یعنی ذاتی از عالی میگیرد و ناموس طبیعت آنکه دانی فدای شود نه عالی فدای دانی و باز عالی باعتبار آنکه در هر مرحله قسمتی متناسب با دنیائی که به آن چسبیده و وسیله بهره بری رزقی اوست به همان قسمت پس میدهد یعنی جفت را که از جنین دانی تر و نزدیک به زمین است به آن پس میدهد و بدن نیز به زمین پس داده میشود اما بدن گسترده شده در تمام ابعاد هستی که موجودی عالتر است هر چه در آیه هستی داده مجدد پس خواهد گرفت.

موضوع دیگر توجه به اختلاف مراحل ساختمانی بین دو واحد بزرگ آفرینش و اختلاف قوانین مترتب بر آن دو میباشد بارها از قرآن آوردم که مقررات و قوانین ناظم بر سازمان را مهمتر از سازمان زمین و از نفس آدمی را بر نفس برتر آورده است (و الارض و ما طحها و نفس و ما سواها) قسم به زمین و آنچه سبب میشود طاحونه وار بچرخد (و در اثر چرخشهای انتقالی و وضعی و ... اینهمه آثار و اوضاع و احوال و گیاه و حیوان و انسان و ... بوجود آمد) و قسم به نفس و آنچه مراتب کمالی او را بوجود آورده است (و توجه فرمائید که آنچه قوانین و مقررات سازمان دهی است بر ساختمانهای بیولژی و فیزیولژی برتر بحساب آمده است.) و اینک اصل مطلب:

فاصله بین جماد و نبات بیشتر از فاصله نبات و حیوان و فاصله بین نبات و حیوان بیشتر از فاصله حیوان و انسان میباشد اما این فاصله در مورد قوانین و مقررات مترتب بر آنها معکوس بوده فاصله بین حیوان و انسان بیشتر از حیوان و نبات و بیشتر از نبات و جماد میباشد و اگر به

جمله هر دانی یابد فدای عالی شود توجه شود همینکه به انسان میرسیم و به نفس وی توجه علمی مینمائیم به اهمیت و ماسواها که قرآن میفرماید واقف شده به این مطلب میرسیم که رسول خدا فرمودند اولین آفریده شده عقل است و نیز فرمودند عقل در آدمی پیامبر دوم اوست یعنی بر این خط که از جماد به انسان هر چه قوانین و مقررات مترتب بر آن است اهمیت بیشتری پیدا مینماید تا عقل پیدا شود و از انسان به جماد هر چه برگردیم دخالت قوانین و مقررات سخت تر و فوق العادگی بیشتری دارد باز به ابتدای خلقت که عقل است میرسیم و با توجه به این مطلب جالبتر دیگری را خواهیم پذیرفت و آن دادن و پس گرفتن همه چیز از همه چیز و به همه چیز است و در نتیجه آدمی آنچه میکند که مورد توجه پروردگار نیست باید با ناسازگاری و نیستی و آتش روبرو گردد و آنچه را که مورد توجه الهی است یعنی مورد رضایت ذات مقدسش با سازگاری و هستی و فردوس سر و کار داشته باشد که خود فرموده است کل شی هالک الا وجهه.

مطلب جالب آنکه این سیر تکاملی که از دانی به عالی سازی و جاری است در تمام ابعاد آفرینش سازمان بخشی و مستقر شده است و اگر در آن قسمت که اختیار به بشر داده شده برگشتی به حالت قبلی که موضعی در غیر فطرت داشته دیده شود آنرا حالت ارتجاعی و عاملین آنرا مرتجع گویند که عنوان را برای جلب نظر همین مرتجع کیست قرار دادم بعلمت آنکه نزد برخی مخالفان روحانیت این کلمه زیاد بکار میرود و شاهد من قرآن است که گویندگان آن بعلمت عدم اطلاع آنرا انتخاب مینمایند.

وعده و وعید دو کلمه در قرآن است که اولی در مورد بشارت بکار میرود و دومی در مورد دادن خبرهای ناگوار و قرآن وعده بهشت میدهد

و وعید درباره دوزخ بکار رفته است و ارحم الراحمین خدا تا آنجاست که ان الله لا یخلف المیعاد داریم که خدا خلاف وعده نمیکند و هر صالح و شایسته را به بهشت خواهد برد و اما جائی از قرآن دیده نمیشود که خدا فرموده باشد خلاف وعید نمیکند.

خارج از برنامه بیاورم که انبیاء عظام که بشیر و نذیر بودند در تمام شئون زندگی و ابعاد حیاتیشان این بشارت و اندرز عجیب بود زمان وحی که میشد عده ای خوشحال بودند که جبرئیل از طرف خدا سخن می گویند و نفراتی میترسیدند که جبرئیل درباره کاری که کرده یا حرفی که زده اند خبرش را برای محمد بیاورد وعده ایشان نیز در کنار وعید است و اشد اعلی الکفارشان ردیف رحماء بینهم.

این را قبول دارید که پیامبران الهی از همه مردم بهتر جاده تکامل را کوبیدند و هرگز حالت ارتجاعی نیافتند و این را نیز پذیرفته اید که در رابطه بین پیامبران و مردم کلمه ای را خدا بکار برده است که سبب هدایت و ارشاد مردم گردد زیرا پیامبران مصطفی و برگزیده خدایند و هدایت یافتگان قبلی میباشند.

با توجه به پذیرش دو نوع موضوع فوق که وعده در مورد کار پسندیده است و هر کلمه ای در رابطه بین پیامبر و پیروانش بکار رفته برای ارشاد و هدایت پیامبران است و با توجه به اینکه پیامبران ممکن نیست حالت ارتجاعی داشته و پس از وعده برگشت به وعید نمایند به دو آیه مربوط به یکی از پیامبران اولوالعزم حضرت موسی توجه فرمائید.

حضرت وعده رفتن به مناجات در مدت سی شب دارد که آنرا با ده شب دیگر تمامیت می دهد در غیابش گوساله پرستی فتنه ای میشود و حضرت

با کلمه رجع بسوی قومش با خشم و تأسف برمیگردد فلما رجع موسی الی قومه غضبان اسفا و چون مسیر تکاملی حضرت موسی را از یاد نبریم میبینیم وعده مربوط به وحی و خشنودی است و ارتجاع آن حالتی که قوم موسی اختیار کردند یعنی به حالت قبل از دعوت موسی به توحید و آن موضع بت پرستی قوم اشاره شده است از اینقرار در قرآن و در اسلام مرتجع همانهاست که به عصر جاهلیت و قبل از اسلام گرایش دارند یا میخواهند مردم را بویژه جوانان را با سرگرم نمودن به الفاظ به عصر جاهلیت برگردانند تا بتوانند به آنها کلماتی را در کپسول کرده بحلقومشان بفشارند و این طبع سرکش بشری است که اگر خود کم فروشی کرد اشکالی ندارد اما بدیگران این نسبت را میدهد که خود را تطهیر کند اگر خود رشوه خوار بود رشوه خواری را به دیگران حواله میدهد برای تزکیه خود در حالیکه جوانان بیدار و مردم هشیار طهارت و زکات هر کس را از خودش که بگوید نمیپذیرند بلکه بر مبنای ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات قبول دارند و مرتجع را کسی می شناسند که مردم را بعصر جاهلیت اسلام سوق میدهد بعصری که سامری در آن گوساله میسازد از طلا و قبضه من اثر الرسول بر آن میزند و آنرا در مجموع خدای موسی و هارون معرفی مینماید یعنی مرتجع کسی است که با آثار توتیسم و پدرمادری و سنتی بجای اسلام کسی را قریب میدهند که نمونه عینی آن گوساله پرستی است که در هند شایع است یعنی مرتجع کسی است که با پول و مقام اسلام کسی را از دستش میرباید (که طلا پشتوانه هر دوتاست یعنی مرتجع کسی است که بجای استفاده از کلام جبرئیل و وحی از خاک ردپای جبرئیل به خورد مردم میدهد و با مسلکهای کاذب مردم را میفریبد.

## زمان بارداری چه باید کرد

شاید مطلبی در قلمرو ازدواج فراموش نشده باشد و از روزیکه بقصد ازدواج به خواستگاری اقدام می‌گردد تا روزیکه نکاح و آمیزش صورت می‌گیرد و دختری تکامل یافته به تربیت مادری میرسد آورده باشیم و اسلام را نگر که در مدت ۲۳ سال ارتباط با وحی کدام گوشه زندگی و چه زاویه ای از معیشت را که دستور نداده و دران برای بر فطرت ساختن اعمال آدمی دخالت نکرده باشد و کسانی که میگویند دین و سیاست از یکدیگر جداست از اسلام جز تطبیقی از شعار مسیحیت که «سیاست برای امپراطور و دین برای مسیح» اطلاعی بیشتر از اسلام ندارند.

چگونه بخواستگاری باید رفت؟ سن دختر و پسر در چه حدود باید بود؟ چرا باید عقد کرد و مهر معین نمود؟ آیا باید قبل از ازدواج پسر و دختر با یکدیگر آشنا شوند؟ صفاتی که باید یک پسر یا دختر داشته باشند تا در انتخابشان سعی شود چه چیزهاست؟ آیا ازدواج باید با فامیل انجام گیرد یا با بیگانه؟ سفره عروسی، آداب و تشریفات مربوط کدام است؟ آیا پدر و مادر حق جلوگیری از اولاد دار شدن دارند؟ آیا در صورت تولید میتوانند جنین را سقط نمایند؟ آیا در اولین برخورد عروس و داماد چه باید انجام گرفت و شب زفاف در چه زمان و مکان باید بود و



تشریفات و دستورات مربوط چیست؟ یعنی یکنفر مسلمان که قصد ازدواج کرد اینک تقریبا به تمام آنچه از روز قصد تا زمان بارداری در برابرش قرار خواهد گرفت آشناست که هنوز مطالبی بسیار در این مورد هست که اسلام دارد همان اسلام فشرده شده در ۲۳ سال و فقط قسمتی از آنها آورده شده است. و اینک زن باردار شده و در مدت نه ماه بارداری تکالیفی از طرف شرع دارد برای بهتر و سالمتر تحویل دادن نسل که اهم آنها عبارتند از چند مطلب که هم اکنون درباره آنها باختصار بحث می شود و در رأس همه اینکه خدمتی بسیار بزرگ که پدر برای نسل خود میتواند انجام دهد اینکه مادری صالح برای آنها برگزیند و بزرگترین خدمت مادر بفرزندان انتخاب پدری شایسته است. یک زن باردار نوشیدن و خوردن دارد. لباس پوشیدن، راه رفتن و ارتباط با پدر و فامیل از یکطرف و ارتباط با جنین در شکم از طرف دیگر و ارتباطی با آنچه در محیط او را فرا گرفته است.

اما آنچه قبل از بارداری نزد علم بسیار خبری نیست که نزد اسلام بسیار خبر است و به آن اهمیت فوق العاده داده میشود.

### قبل از زایمان

دوران حاملگی نه ماه است اما زمان وضع حمل چه مدت طول میکشد کسی نمیداند. اینکه میگویند شکم اول چند ساعت است و شکم های بعد چند ساعت کمتر - تعیین مدت دوران آمادگی برای وضع حمل است یعنی زمان دردهای زایمانی است.

مردن نیز همینطور است طول عمر مثلا نهصد ماه است اما زمان مردن چه مدت طول میکشد کسی نمیداند اینکه شخص در حال احتضار بسر میرد از اینجهت است که اگر مردنهای برق آسا چون انتحارهای حاد بودن احتضار و ناگهانی است سایر موارد و مردن هر کس بعلت خرابی یک عضو اوست مثلا- قلبش خراب بود و مرد و سایر اعضا به پیروی از او بلکه به وابستگی او مردند و لذا زمان مردن نیز کسی نمیداند چه مدت است.

بهمین علت که شرح داده شد زمان احتضار برای زایمان و زمان احتضار برای مردن وجود دارد و بنابر آنچه از قرآن معلوم میشود زمان زنده شدن و بحث و برانگیخته شدن نیز همینگونه ناگهانی است و یک حالت قبلی یعنی احتضار برای بحث نیز داریم و آیه «شریفه کانهم جراد منتشر» تأیید این سخن است و کسانیکه بیابانی را دیده اند که از تخم ریزی ملخها بوده با طلوع آفتاب تصور میشود ناگهان پوسته زمین جدا شد و به پرواز در آمد این مطلب رساتر و بلکه عینی است.

احتضارهای زایمانی و مردن و برانگیخته شدن چگونه است که آنهمه سیطره اجبار تسلیم و قاطع و شدنی است و در عین حال آنچنان شدنی که محیط اطراف را رها کرده به محیط کاملا مغایری وارد میشود در آب شناور بوده رها کرده در هوا شناور میشود هوا را رها کرده به خاک بر میگردد خاک را رها کرده به خلود بازگشت میکند آنجا قسمت مهمی از خود جفت را از دست میدهد و از اینجا قسمت مهمی از خود بدن را و همانگونه که مراحل قبلی محیط هر چه داده بودند از بدن پس گرفتند مجدد هر چه را بدن داده بود پس خواهد گرفت و همانگونه

که همه اشکال آفرینش مدور است و همه اعمال آفرینش نیز دایره ای است (مثلاً- باز آسمان میبارد به دریا یا وارد میشود مجدد بخار شده به آسمان میرود) این نیم دایره آفریده شده و مردن نیز دایره شده مجدد آفریده میشود و این سه زمان بسیار اهمیت دارد و برای ورود بهر مرحله بعد آنچه بکار آید سلم و سلامتی است و پروردگار برای دوستانش همین را خواسته است (به سوره مریم مراجعه فرمایند و السلام علیه (و السلام علی) یوم ولد و یوم (اموت و یوم ابعث حیّا و ...) ما نمیتوانیم جز این بگوئیم که عمل زایمان فقط چند لحظه بیشتر طول نمیکشد.

سلامتی اول در لحظه ای که باید جنین از مدار مسافرت نه ماهه خود خارج شده به نام نوزاد به مدار سفر دنیائی وارد گردد و متخصصین قبول دارند که طی سفر نه ماهه رحمی برای جنین به مراتب سخت تر و خطرناک تر از سفر فضانوردان به کره ماه است و همانگونه که سلامتی برای خلبان در آن لحظه که از مدار زمین خارج میشود بسیار لازم است برای جنین نیز در آن لحظه نوزاد شدنش بسی ضروری است و قرآن سلامتی را در سه زمانی که آدمی نام عوض مینماید ضروری میداند. آن زمان که جنین نوزاد میشود و آن زمان که زنده مرده میگردد و آن زمان که مرده زنده میگردد.

اینکه در قرآن من نطفه امشاج فرموده و انسان را مخلوطی از دو نطفه معرفی کرده و سپس کلمه نبتیه را می بینیم که در سوره دهر به نطفه امشاج اضافه فرموده یک ابتلاش همین گذشت از مدار زهدانی و ورود به مدار زمینی است که بسی خطرناک است و باز قرآن را ملاحظه فرمائید که پس از معرفی مراحل نطفه و علقه و مضغه بودن و مراحل دگردیسی جنینی

در آخر که انسان از آن مدار به این مدار وارد میگردد میفرماید ثم انشاناہ خلقا آخر فتبارک الله احسن الخالقین و اشاره به آفرینشی دیگر و خلقنی آخر مینماید و بسی جای شگفتی است که اگر محیط جنین کاملاً دیگر میشود آدمی نیز در بسیاری از امور دیگر و خلقی آخر میشود ریه ها باز میشود سوراخهائی در قلب و جاهای دیگر باز و سوراخهائی بسته میشود و ... و انشاناہ خلقنا آخر تحقق میپذیرد.

امروز بررسی های جالبی بر روی ژنها بعمل آمده است ژنها همان ذرات کوچک در کرماتین هاینده که حامل صفات میباشند اما شگفتی آنکه بعضی از ژنها خواص خود را بروز میدهند و برخی چنین خصوصیتی را ندارند یعنی هر ژن در محیط مخصوصی و در عضو ویژه ای خصوصیت خود را بروز میدهد که هم اکنون دنبال پیدا کردن هر دو هستند تا بتوان بر یکپهزار و پانصد بیماری شناخته شده که منشأ ارثی دارند فائق آمد.

امروز هم توانسته اند تخمکی را در محیط آزمایشگاهی بارور سازند و هم در رحم میزبانی کشت داد و صادر کرد که هم اکنون در دامپروری از آن استفاده میشود و در مورد نسل گاو بیش از سایر موارد مورد استعمال دارد:

تخمک های بارور شده گاو را در رحم حیوانات کوچک (بیشتر از همه خرگوش) میکارند و خرگوشها را صادر مینمایند چون حمل و نقل آنها که کوچکند آسان است. بعد تخمک را از خرگوش جدا و در رحم گاو وارد مینماید.

از عجائب خلقت آنکه اگر شما انگشت خود را با کارد ببرید و قسمتی از گوشت آنرا جدا سازید بدن مصالح در اختیار انگشت میگذارد و آنقدر

کار میکند تا بوضع اول برسد همینکه باندازه قبلی رسید برای پوست سازی اقدام مینماید و همان خطوط قبلی را که بیاد دارد در اینجا نیز نقاشی میکند آری همه جای بدن همه چیز بدن را برای همیشه بیاد دارد و قرآن میفرماید آنچه را بیاد دارد روز قیامت بازگو مینماید. بهر صورت از روزیکه نطفه زن و مرد بهم میرسند تا شروع دردهای زایمانی دوره بارداری به حساب است که باید وضع جسمی و روانی متعادلی برای سلامت ماندن و سلامت آمدن نوزاد در این مدت برای مادر حتمی باشد.

در دوران بارداری باید عوارض سوء آن از قبیل مسمومیت ها و عفونت ها به حداقل ممکنه برسد. باید توجه داشت در زمان بارداری قرصهای ضد بارداری و هر چه ترشح غددی را دارد برای درمان یا آزمایش حاملگی بکار برده نشود.

در زمان آبستنی باید از مصرف آسپرین خودداری کرد زیرا میل بخونریزی در جنین را افزایش خواهد داد و نوزادان چه بسا دچار اختلالات انعقادی دائمی شوند (البته باید سعی شود در مدت آبستنی از مصرف هر گونه دارو خودداری کرد بعقیده برخی از متخصصان حتی ۸۵ درصد داروها ایجاد عارضه مینماید) ورزش زن حامله که بارها تکرار شد بهترین نوع آن کارهای منزل است بشرط آنکه مورد علاقه زن باشد و هیچ لازم نیست ورزش اضافه انجام دهند از ورزشهای ضربتی چون شنا شیرجه، اسب سواری، جیب سواری در زمین های ناهموار و ... باید پرهیز کرد) در تابستان باید در آفتاب راه رفت که کلاهما زیاد نشود (لکه های حاملگی) و در زمستان باید راه رفت که مواد معدنی غذاها بهتر بمصرف برسد. پیاده روی نباید از ۳-۴ کیلومتر بیشتر شود، ماساژ

دادن بدن نباید انجام گیرد. تا ۶-۸ هفته قبل از حاملگی شغل‌هایی که خسته کننده نباشد بلااشکال میباشد. استراحت بعد از غذای ظهر لازم است. پرهیز از افتادن به زمین بویژه در ماه‌های آخر حاملگی واجب است. پارافین برای رفع یبوست نباید در روز و نزدیک به غذا خورده شود - مصرف داروهای چند باید ممنوع شود (کرتن، داروهای تیروئیدی - داروهای ضد دیابت خوراکی - شوک انسولینی دیوگلیمی - داروهای ضد سرطانی و ضد انعقادی - مصرف زیاد ویتامین کا - سری داروهای قلبی دیورتیک - انتی متتانیک ها - مسکن ها، خواب آورها، آرام کننده ها - لومنیال و فنوباریتال - لارگاکتیل - نالیدومید - هروئین و مرفین متابلیت زیاد - سیگار - کلرامفنیکل - آرافن اریترومایسین - فورادانیتین - آلبامایسین - کنین - استرپتومایسین - سولفامیدها - نتراسیکلینی ها - واکسن آبله مرغان و ...)

برای زنانیکه مایلند ورزش کند بهترین نوع آن ورزشهای تنفسیاست به پشت خوابیده زانوها را خم و افقی جدا از یکدیگر نگهدارید و دو دست را طرفین سینه قرار داده به آهستگی نفس بکشید. تنفس تند و کوتاه در ماههای آخر برای سهل شدن زایمان مفید است (ممکن است اینگونه تنفس ها ایجاد سرگیجه نماید)

ورزشهای دیگر: به پشت خوابیده پاها را خم و کمر را به زمین فشار داده رها کرده دوباره به زمین فشار دهید - نشسته پاشنه ها بهم چسبیده و زانوها را جدا کنید و کف دستها را روی قوزک پا و آرنج را روی زانو گذاشته و با فشار آرنج زانوها را بطرف زمین پائین بیاورید.

به پشت خوابیده پاها را کاملا کشیده و سر را در حالیکه ماهیچه

های شکم در حال انقباض است بلند کرده و دوباره بحالت اول برگردانید به پشت خوابیده و بطور متناوب یک پا را از پهلو بطرف بالا آورده و دوباره به حال اول برگردانید.

برای اینکه بتوان از خستگی فوق العاده در موقع زایمان جلوگیری کرد روزانه خوب است ربع ساعت تعیین زیر انجام گیرد.

به طرف چپ بخوابد سر روی بالش کوتاهی گذارده و دست چپ در عقب و کمی خمیده روی زمین و دست راست جلو بالش در حالیکه آرنج روی زمین است قرار میدهد پای راست کاملاً در جلو خم و پای چپ در عقب و کمی خمیده روی زمین و دست راست جلو بالش در حالیکه آرنج روی زمین است قرار میدهد پای راست کاملاً در جلو خم و پای چپ در عقب آن با کمی خمیدگی قرار میگیرد تمام قسمت های بدن را در راحت ترین وضع قرار داده و مدت یکربع ساعت استراحت کند و این کار هر روز تکرار گردد.

و اینک قسمت های ضروری دیگر که بنظر میرسد:

ورزش زانو در درجه اول استراحت کافی است که نه ساعت حداقل خواب شبانه روزی باید از آنجمله باشد روز اول زایمان فقط پاها را حرکت میدهند و تنفس عمیق نیز دارند.

روز دوم بیعد برای برگرداندن شکم بحالت قبل از حاملگی ورزشهایی انجام میگیرد:

سر را بلند کرده چانه روی سینه خم کرده ماهیچه های شکم بداخل کشانده پنج دقیقه این وضع را حفظ کرده و استراحت نموده و پنج مرتبه تکرار مینماید - ماهیچه شکم را با دم عمیق بلند کرده و یا بازدم آنرا بحالت اول برگرداند - پنجه های پا را خم کرده باز نموده زانو خم و به آهستگی بلند کرده بحالت اول برگرداند.

در دوران های دورتر از زائیدن میتوان حرکات زیر را انجام داد:

دراز کشیده دستها را ده مرتبه بطرفین پائین آورید - دستها روی سینه بحالت نشسته بعد روی زمین دراز کشیده چند بار تکرار شود - دراز کشیده سر را بلند و باز بحالت اول برگردانید - سر و بازوها و کف پا روی زمین و بدن را بلند کنید و این کار نباید قبل از ده روز زائیدن انجام گیرد - روی زانوها بخوابید سینه روی بالش دستها بالای سر رانها عمودی و ساقها افقی و این تمرین مساعدی برای کوچک کردن شکم میباشد. اما آنچه فوق العاده برای کوچک کردن هر شکمی مفید است سعی در تو کشیدن شکم است که هر چه مدت آن و تکرارش بیشتر باشد زودتر موفقیت حاصل است.

در جلد ورزش که جلد چهاردهم باشد درباره ورزش زنانی مطالبی آوردم و ثابت کردم کاری که زن برای بهتر کردن اوضاع و احوال خانه انجام میدهد چون راضی کننده و نموداری از کدبانویی اوست از هر ورزش بمراتب بهتر و مؤثرتر بر او خواهد بود و زنان نباید به ورزشهای متوسط و سنگین پردازند که با صرافت طبع و ظرافت ساختمانیش سازگاری ندارد اما همانند وزنه بردارانی که در حال تمرین هستند بتدریج وزنه شان را زیاد مینمایند زن باردار هم با بزرگ شدن تدریجی کودکش روز بروز متحمل برداشت و بگذاشت فرزندش شده و لذا در یک بعدی از قلمرو ورزشها بارداران بورزشهای طبیعی و فیزیولوژیکی مخصوص علی الدوام مشغولند و در پایان نه ماه شکست یا فتح یا رکورد بدست آورد نشان با تحویل یک یا چند فرزند سالم صالح به اجتماع معلوم میگردد با وجود این باید ورزش زنان باردار را نادیده نگرفت و قبل از هر چیز متوجه بود که



برخی از آنها در اثر کوچکترین فشار و خستگی سقط مینمایند و بیشترشان برعکس میتوانند متحمل کارهای نسبتاً سنگینی بشوند.

بارداری که خطر تهدید سقط جنین در پیش ندارد باید بر حسب عادتش همانگونه که بوده است بکار زندگی و پرداخت امور خانه پردازد با این تفاوت که خسته نشود و کارهای خسته کننده انام ندهد و از برداشتن اشیاء سنگین پرهیزد و مجدد یادآور میگردد که کارهای معمولی را انجام دهد که زایمان سهلتر نزد زنی نیست که عضلات مربوطه اش کار نکرده و خورده و خوابیده است و این مسلم که زنان کارکن و فعال زایمانی کم درد را انجام میدهند و آنها که تنبل اند در اثر ذخیره چربی در بدن و کمبود قدرت عضلانی علاوه بر اینکه امکان بیشتر ماندن جنین را در رحم دارند. سخت تر زایمان انجام میدهند و آسان زائیدن زنان کارگر و کشاورز بهمین دلیل است.

بارداران از روزی که بوزنه برداری طبیعی نائل میگردند بعلت فشاری که رحم بر عروق اعضاء سافله وارد آورده و امکان ابتلا به واریس برای آنها پیش می آورد بهتر است در هنگام استراحت بالشی زیر پاهای خود قرار دهند و چند ساعت استراحت روزانه برایشان ضروری است.

در نیمه دوم بارداری که وزنه سنگین تری به زن تحمیل میشود باید خواب و استراحت نسبتاً بیشتری داشته باشد و قدم زدن زن در هوای آزاد و نظیف بسیار لازم و مفید میباشد و چهل روز قبل از زایمان نباید کارهایی که زیاد روی یا ایستادن دارد انجام دارد.

تنفس عمیق و ورزشهای تنفسی و حرکاتی که عضلات لگن و شکم قدرت می بخشد شایسته و مورد توجه است.

هر دفعه ظرف شوئی یا گستردن رختخواب یا برداشتن و گذاشتن های خانه داری خود بهترین ورزش برای آبستن هاست و بهیچ ورزشی اضافه احتیاج ندارد و از ورزشهای سنگین بویژه آنها که با حرکات ناگهانی و ضربات مختلف توأمند باید خودداری شود.

برعکس تصور مسافرت ها حتی اگر طولانی باشد بشرطی که با حرکات و ضربات همراه نباشد بلا اشکال میباشد. اینکه اشاره به کارهای خانه شد که زن آبستن میتواند انجام دهد تعمیم داشته ثابت شده است کارهای خانه داری را که زن انجام میدهد بهترین ورزش انتخاب کرده اوست چه در زمان آبستنی چه غیر از آن.

مسافرت در ماههای و یار ممکن است دل بهم خوردگی را شدید نماید لذا بهتر است خودداری شود.

### شستشو

برای زن باردار با اینکه گذاشتن پا در آب گرم لذت بخش است بهتر است اجتناب کند و از آب معمولی استفاده نماید اگر آب با اندکی فشار به پاها خورده شود از بالا بیابین سرازیر گردد بهتر است چنانچه شنای در آب برای حامله چنانچه باهستگی صورت گیرد مفید است البته باید مراقبت کرد زیاد به شکم فشار وارد نگردد.

زیاد در آب گرم ماندن خون بیشتری در لگن جمع شده سبب خستگی بعدی میشود.

اصولا دوش آب سرد برعکس تصور سبب فروکش شدن امیال جنسی

نشده بلکه محرک است و عده ای عقیده دارند عکس العمل پسندیده بیضه ها در برابر سرما هم با اصل علمی نگهداری و سالم ماندن نطفه در سرما سازگار بوده و هم دلیل بر بهتر بودن آب سرد جهت افزایش امیال جنسی می باشد. حتی در مواردی دیده شده که کرمک کم حرکت آنها که نتوانسته اند آبستن کنند با استحمام و شناهای مرتب در آب سرد فعال و متحرک شده و آبستن کرده اند و استحمامهای گرم مرتب را بهمین جهت برخی بد دانسته اند و در جلد مربوط به استحمام آوردم که حضرت کاظم دستور میفرمایند یکدرمیان بیشتر استحمام نشود که پیه گرده ها از بین میروند و اگر غسلهای واجب و مستحب اسلامی را جمع بزینم تقریباً ۱۸۰ عدد میشود که یکروز در میان را تأیید مینمایند.

استحمام در آب در دوران آبستنی با توجه به اینکه آب وارد مهبل نمیشود اشکالی ندارد ولی از هفت ماهی بعد بهتر است بجای وان از دوش استفاده کرد.

مسواک زدن و مراقبت از دندانها که در قدیم نزد برخی از اقوام نزد زنان باردار بد میدانستند. لازم و معروف است که در عوض هر بار حاملگی و زایمان یکی از دندانها از بین میروند و این اهمیت نظافت مسواک را میرساند نه آنکه واقعاً چنین باشد. کشیدن دندانها با بی حسی موضعی و پر کردن آنها به سفارش بسیاری از دندان پزشکان به بعد از زایمان موکول میشود. خوردن مواد کلسیم دار که مفید حال جنین است بر دندانهای باردار نیز اثر نیکو دارد.

استعمال دخانیات برای باردار خوش آیند نبوده و آنچه بلاشک

میباشد نزد خانم های معتاد زایمان زودرس بیشتر است.

مسافرت به خودی خود موجب سقط جنین نمیشود و زایمان را نیز پیش نمی آورد اما مسافرتهاى طولانى و بدون دليل كار عاقلانه نيست زيرا ممكنست در آن ايام زایمان پیش آید و از فوریت های مامائی محروم ماند بعلاوه مراقبت های لازم از لباس و غذا و حمام و هوای خوب در مسافرتها کمتر طبق فرمول و درخواست بدست میآید.

آنچه فوق العاده اهمیت دارد ارتباط باردار با داروهاست که باید بحداقل ممکن برسد زیرا می بینیم هر روز نام داروئی برده میشود که اثر بدی بر جنین یا وضع زایمان یا ... باردار داشته است.

آبستن باید از مسافرتهاى طولانى - تفریحات خسته کننده - شب زنده داریها - پرخوری - ورزشهای متوسط و سنگین - آمیزشهای طولانى خوابیدن به پشت و مخصوصا شکم بپرهیزد و جدا از ماههای وسط حاملگی بعد از آن خودداری نماید.

لباس - باید لباس ساده و راحت و قدری گشاده باشد کش بند جوراب یا کمر بند ممنوع است زیرا باعث پس زده شدن خون وریدی و پیدایش بواسیر و واریس ها میگردد.

کفشهای پاشنه بلند مضر بوده باید از پاشنه کوتاه استفاده کرد پستانها اگر سنگین مینماید میتوان پستان بند بست در صورت پیدایش درد کمر یا جلو افتادن شکم میتوان از شکم بندهای مخصوص زنان حامله استفاده نمود.

کفش تنگ تهویه پاها و گردش خون را در آن قسمت مختل میسازد و توجه به تغذیه و تهویه و استراحت پا ضروری و فوق العاده است زیرا

محل اتکای آدمی به زمین می‌باشد. پاشنه کفش بلند باشد تعادل ستون فقرات را نسبت به پاها و لگن بهم زده در نتیجه جای کودک را دگرگون می‌سازد نه آن است که دست و پای جنین با آنکه در رحم هیچ لازمشان ندارد لنگری حساب می‌شود یعنی اگر مادر به دنده راست بخوابد جنین در همان وضع مطلوب خود را نگهدارند و اگر دست و پایش را قطع کند روی آب (مایع آمنیوتیک) می‌ایستد و مادر بایستد جنین بالاست ولی کفش پاشنه بلند که محل جنین یعنی رحم را در وضعیت دگری در می‌آورد ضرر دارد.

جنس لباس، رنگ لباس، گشادی و تنگی لباس، وزن لباس همه در زندگی اثر دارند چه برسد به زندگی دیگری وابسته به انتخاب اوست و همه در جلد ۱۸ به تفصیل شرح داده ام بعنوان مثال جنس لباس از کتان باشد بهتر و از فرآورده های نفتی باشد که آتش گرفتن و حساسیت داشتن و ... امکانش هست بهتر است اجتناب کرد - رنگ لباس سفید باشد زودتر چرک آن نمایان و به اجبار هم هست زودتر نظیف می‌شود - میکربها از رنگ سفید گریزانند - در لباس سفید بهتر تهویه انجام می‌گیرد - نور را به تمامی به بدن می‌رساند - از حساسیت ناشی از بعضی رنگها در امان است و ...

کفش پاشنه بلند سابقه قدیمی دارد و حدود ۲۵۰۰ سال قبل زنهای یونان کفشهایی به ارتفاع ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر پیا می‌کردند. سوار کاران قدیم نیز کفش پاشنه بلند داشتند تا در رکاب بهتر جا گیرد. در زمان جیمز اول پادشاه انگلستان درباریان کفشهای پاشنه دار سرخ رنگ می‌پوشیدند و بعد پادشاهان از آن استفاده کردند و در عکسهای آنها

هم اکنون دیده میشود. در زمان لوئی چهاردهم در فرانسه نیز کفشهای پاشنه بلند مد شده و در قرن ۱۷ بعد اعلا رسید و هر وقت خانمی را در خیابان میدیدند که نمیتواند راه برود و مجبور است با انگشت ها راه برود میدانستند که وی از اشراف زادگان است.

## سیگار و بارداری

با تجربه بر میمونها ثابت کرده اند که ورود نیکوتین به خون مادر سبب افزایش اسید، ناراحتی قلب، فشار شرائین و کاهش اکسیژن می گردد. آزمایش بر دو هزار زن باردار معتاد نشان داد که در آنها ۷/۹ درصد کودکان خود را از دست میدهند در صورتیکه نزد سایرین ۴/۱ میباشد.

در تحقیقاتی که بوسیله پرفسور بومگر رئیس بخش بهداشت کودکان دانشگاه بریستون انجام گرفت معلوم شد کودکان متولد شده از مادران معتاد آسیب پذیرترند.

طبق آزمایشاتی که بر هفده هزار نفر کودک انجام گرفت و کودکان مذکور مادرشان به چهارماهگی در شکم ترسیده بودند که مادرشان سیگار دود میکرد نشان داد که نامبردگان طول متوسط قامتشان کاهش یافته چهار ماه در تعلیم زبان بطور متوسط معدل عقب افتاده تر از مشابهین خودند و دقت انگشتان آنها کم شده درک مکانیشان کاهش داشته است.

نظافت دیگر: مربوط به پستانها و شستشو و مالیدن گرم به نوک پستانها در سه ماه آخر حاملگی است (تمیز کردن نوک پستان به الکل کار

درستی نیست).

دیگر گرفتن حمام گرم قبل از رفتن به رختخواب در ماه آخر بارداری و پرهیز از سیگار و مشروب و قهوه زیاد زن باردار باید مراقب مسواک و بهداشت دندان خود باشد زیرا برداشتهای جنین سبب میشود استعدا ابتلا برای دندانهایش بوجود آورد.

خوردن شیرینی های تازه و خامه دار و پرخوری که شکم زن را سنگین میکند و بر دندانها اثر بدی دارد ممنوع است و بهتر است زن بجای سه نوبت چند نوبت غذا بخورد و هر نوبت سعی کند شکمش پر نشود.

یبوست - باید آبستن خود را عادت دهد که هر روز اجابت مزاج داشته باشد و کسیکه در حال عادی یبوست دارد و در آبستنی شدیدتر خواهد شد زیرا فعالیت بدنی وی کمتر شده و در حاملگی حرکات دودی شکل روده ها بعلت شل شدن عضلات صاف کاهش می یابد و این مسئله با بزرگ شدن جنین که مانع عبور فضولات میگردد شدیدتر شده ممکن است عوارض پیش آورد.

در انواع سبک آن خوردن مایعات، میوه جات، ملین ها چون آب آلو و ... تجویز میشود جالب مسئله خوردن روغن هائی است که در روده جذب نمیشوند مانند پارافین - اینها را باید در موقع خواب تجویز نمود زیرا در روز با غذا یا با فاصله جذب ویتامین را در روده مختل میسازد و مقدارش در سرم خون پائین میاید. مسهل و تنفیه قوی در آبستن ممنوع است. مگر عادت به آنها داشته باشد.

خواب دو سه ماهه اول میل به خواب زیاد است و برخی نیز بی خوابی یا کم خوابی خواهند داشت ولی بهر صورت خواب بین

ساعت در هر ماهی از بارداری کافی است.

همانگونه که گفته شد برای خانم هائی که کار میکنند هنگام خواب اگر بالش کوتاهی زیر پاهای خود بگذارند احساس آرامش بیشتری مینمایند

لباس باردار باید نرم و متناسب با فصل باشد از ماه چهارم ببعد بستن کمر بند بروی شکم و پوشیدن لباس تنگ ممنوع است و علتش آنکه شکم جلو آمده و راه داشته بزرگ شده اما از عقب که بدن استخوانی است نمیتواند عقب برود و لذا بر سیاه رگهای بزرگ فشار وارد میآورد و اگر از محیط خارج نیز سیاهرگها تحت فشار باشند گردش خون دگرگون و در اعضا سافله جمع و سبب ایجاد واریس و ورمها میگردد.

کرست بستن برای زنانی که عادت بداشتن آن داشته اند اشکالی ندارد البته کرست باید کش دار و ارتجاعی باشد تا با بزرگ شدن شکم کش یابد ناگفته نماند کرست از پائین ببالا شکم را نگهداشته نفس کشیدن را آسان و احساس فشار و سنگینی را کم و حرکت نوزاد را آسان و کار عضلات زیر شکمی را آسان میسازد بعلاوه از شکاف و شقاق و خط شدن عضلات شکم جلوگیری بعمل می آورد مهره های کمری را نگهداری و بهر صورت بستن آن بویژه نزد شکمهایی که عضلات شل و افتاده دارد معید است ناگفته نماند برای بستن کرست باید دانست در وضع خوابیده بهتر در محل خود قرار میگیرد لذا بهتر است به پشت دراز کشید و زیپ طولی را اول و بعد عرضی ها را بست و اگر نواری بود همین کار را کرد و اگر دسترسی به کرست نبود میتوان با پارچه نرمی جنین عمل را انجام داد.

برای بستن پستان بند نیز باید پستانها را کمی بطرف بالا و داخل نگهداشت و چون از شش ماهگی ببعد برعکس قبل از آن پستانها حجمشان



ثابت میماند میتوان از یک پستان بند که حجم آن ثابت است استفاده کرد.

پستان بندها نیز نباید طوری انتخاب شوند که بر پستانها فشار وارد آورده آنها را پهن می نمایند.

## بارداری و الکل

چندین بار تکرار شد که اصرار اسلام اینست که مسلمان دختر به فاسق و فاجر ندهد اما در میان آنهمه فسق و فجور می بینیم که توجه بیشتری به این شده است که میخوارگان را منظور و از آنها دوری جویند. در اینجا اضافه میشود که:

اطفال معتادان به الکل استعداد زنده اند نشان کمتر است و هر کودکی به نزاری شدید مبتلا- بود باید در فامیلش جویای سفلیس ارثی یا بیمای سل یا اعتیاد به الکل را سراغ گرفت. اصولا در نزد زنهای حامله که مشروب میخورند سپروزگروسس پروماندیت پیدا میشود. بعضی اثر زیان بخش الکل را در موقع انعقاد نطفه بهمان اندازه دانسته اند که کسی از چند سال قبل دچار بوده است. چه بسا الکل موجب پدید آمدن اولاد غیر طبیعی گردد. الکل یکی از عوامل سترونی مرد است. بعضی شرایط سلولهای منی ساز را بطور موقت یا قطعی از کار میاندازد مثلا اثر طبیعی و مکرر اشعه مجهول و الکلیسم و مکانیسم اثر الکل و تریاک بر منتهای ظریف سلولها (میتوکندری و کندریوکنت) بوده آنها را خراب و از کار میاندازد و عمل ساختمانی (سنتز) خوب انجام نمیگردد.

بار دیگر بیاورم همانگونه که علی در پایان جنگ جمل به بصریان

فرمود هر عنصری که در خاکشان است بر آنها اثر میگذارد اضافه نمایم که این اثر از راه مادر به بچه نیز سرایت میکند و نیست غذایی مگر آنکه بر جسم و همانطور که حضرت فرمود بر روح اثر نگذارد و بر مسلمانان است برای تحویل نسل بهتر از حرام بپرهیزند.

### بارداری و قالی بافی

من کسانی را سراغ دارم که تلاش کردند دختران را از قالی بافی ممنوع کنند مخصوصا دوستانم در انجمن های خیریه که به دختران یتیم که قالی بافی میکردند کمک کرده به کار دیگری وادارشان کردند.

قالی بافی نه تنها پسرها را به وضعی در میآورد که چند سال قبل دیدیم استاندار با عاطفه کرمان را که در مجلات عکسی از او در حال گریه و اشک ریزان انداخته بودند که آنها را دیده بود و نتوانسته بود تحمل کند. اما مصیبت بزرگ برای دختران خردسالی است که هنوز آزادی هفت ساله اسلامی و علمی را هم انجام نداده به قالی بافی ظالمانه مجبور میسازند تا مرتب از انگشتانشان خون بچکد تا اکابر بر آنها بنشینند و همینکه به ازدواج رسند بعلت درهم فرو رفتن و بد رشد کردن لگن قریب باتفاق آنان شکمشان باز شود و بچه اشان بخاطر چند صادر کننده قالی و هر چه مزد یافتن گرفته اند برای درمان صرف نمایند از راه شکم خارج گردد

## قلب باردار

بارداری بیماری نیست بلکه عمل فیزیولوژی و امری طبیعی است اما بر تمام اعضاء و جوارح دگرگونی و بلکه فشار وارد آورده و هر قسمت را به فعل و انفعالات اجباری وامیدارد و آنقدر در مدت نه ماه سلولها و بافت ها و اعضاء و دستگاہها به همکاریهای سخت و تحمل شده ادامه هائی بنحو احسن میدهند که موجب شگفت تمام دانشمندان متخصص است، اما قلب شاید بیش از سایر اعضاء سختی میکشد و متحمل فشارهائی میگردد تا جائیکه ۲۵ تا ۳۰ درصد باید بیشتر از اوقات دیگر خون را به قسمتهای مورد لزوم برساند و علت آن نیازمندی بیشتر بدن به اکسیژن اضافی است که ۳۰ درصد مصرفش بیشتر شده است و خبر حضرت صادق را آوردم که در جواب مردی که پرسید جنین از چه نفس میکشد فرمود از نسیمی که مادر برداشت مینماید نسیم میگیرد و چه کلمه ای در آن زمان بجای اکسیژن بهتر از نسیم و حتی امروز هم چه کلمه ای بهتر از نسیم زیرا اکسیژن خالص بکار تنفس نیاید بلکه بهمان نسبتی که نسیم بهره میبرد چه بهتر که بلعیده شود و باردار و جنین از آن بهره ببرند و شگفتی آنکه همانند ورزشکار که بتدریج کار خود را زیاد مینماید یک زن باردار از اول تا به آخر شروع کرده و در نتیجه عادت کرده و در نتیجه عادت کرده و نبض زیاد و کار زیاد قلب او را ناراحت

نمیکنند و مانند بیماران قلبی مجبور به مراجعه به پزشک نمیگرداند و باز شگفتی بیشتر که در سه ماه اول که بتدریج کار قلب زیاد میشود فشار خون بنصور آنکه باید بالا رفته باشد در صورتیکه اندکی پائین آمده و در ماههای آخر طبیعی میگردد و این دلیل است که بارداری بیماری نیست و حتی قلب را با آنهمه فشار خسته نمینماید و علت توانائی بدن از اینکه خسته نگردد اینست که عروق دموی سطحی پوست را گشاد میسازد و باز شگفتی بیشتر آنکه عوارض قلبی که سابقا وجود داشته در بسیاری از موارد عوارض مجدد نخواهد داد و آنچه قابل توجه است ناراحتی و فشار قلبی نزد کسانی است که عصبانی مزاج میباشند.

نقطه جالبی که در اینجا باید بگویم و مربوط به اسلام است و در جلد ۳۳ مربوط به سقط جنین نگفتم آنکه پس از چهار ماهگی بار قلب رویه افزایش نمیگذارد و احتمالا کمتر هم بشود لذا قلبی که ناچار ماهگی نکشد بعد هم نمیکشد و از عجائب آنکه قلبی ها گویا مدد میشوند سالمتر و ساده تر زایمان مینمایند و دیدید که اسلام میگفت اگر جنین تا ۱۲۰ روزگی وجودش برای مادر خطر دارد میتوان سقطش کرد و الا نه!

### وزن مادر در دوره آبستنی

بار دیگر برای شما ثابت کردم که مراقبت قادری شاعری حکیمی از آفرینش چشمگیر است و از جمله مراقبت های توازنی بین جنس نر و ماده که همیشه متعادل و در حد یکدیگر باشند تا آنجا که اگر در یک منطقه وسیع جنس نر به تعداد بسیاری از بین برود آمار متولدین جنس نر

بلافاصله رقم بالاتر از بسالهای قبل نشان خواهد داد و این مسئله نزد انسان ثابت شده و بر روی حیوانات نیز تأیید شده است.

تنها مراقبت از تعادل تعداد و کمیتی آن نبود بلکه از اندازه های طولی و عرضی و وزنی (حجمی) نیز مراقبت بعمل میآید چنانچه پشه ها همه بیک اندازه اند و کبوترها و ... و اختلافات بیشتری که در قد و وزن و طول و عرض آدمیان دیده میشود که آن هم تا حد معینی است ناشی از سوء استفاده از اختیار و اراده ای است که با جبار به انسانها داده شده است و از آن جمله تغییر وزن و قد و طول و عرض نوزادان است که با عوامل چند مربوط به مادر نسبت مستقیم داشته و یکی از آن عوامل وزن مادر میباشد.

وزن مادر با وزن مادر قبل از آبستنی ارتباط دارد. اگر وزن مادر بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ پوند نگهداری شود کمتر دیده میشود که نوزاد نرسی بدنیا آمد (پوند ۴۵۳/۶ گرم). درصد کم بودن وزن نوزاد با اضماله احتمال از دست دادن نسل بیشتر است و همچنین نزد مادرانی که وزنشان بسیار کم است مرگ و میر قبل از زایمان بیشتر است.

اگر در طول مدت آبستنی ۱۲ تا ۱۵ درصد کل وزن اضافه شود امکان دارد بعلت فشاری که به پا وارد میاید ورم کند (وجود آلبومین اختلال جریان خون نیز ممکن است علت ورم کردن پا باشد).

در دوران آبستنی باید از سرپا ایستادن زیاد خودداری کرد اگر امکان راه رفتن نیست نشسته پاها روی متکائی بگذارید در هوای آزاد قدم بزنید پاشنه کفشان از چهار سانتیمتر بلندتر نباشد از دم پائی نیز اگر

استفاده مینمائید اندکی پاشنه داشته باشد، چکمه پا نکنید. در قسمت تغذیه باردار نگفتم که حتی المقدور باید از خوردن نمک اجتناب نمود که هر چه به ۳ ماهه آخر نزدیکتر میشود باید اجتناب بیشتر گردد آنچنانکه در سه ماهه آخر نمک خورده نشود. در راه رفتن نباید عجله کرد.

### تعیین غذا در صلاحیت پیامبران

شما اگر بیمار شدید آیا دربدر دنبال پیدا کردن متخصص نیستی تا به وی مراجعه کنی؟ مراجعه به متخصص آیا از اینجهت نیست که ادعا دارد دران بیماری که دچارید صلاحیت دخالتی بیشتری از سایرین دارد؟ بهمین نحو اگر قبول است که آدمی علاوه بر بدن - جسمی و جانی هم دارد و این ها نیز ممکن است بیمار شوند بدون شک احتیاج به مراجعه نزد آنها دارد و در این مورد نیز دوست دارد که به متخصص مراجعه نماید اولاً- چه کسانی جز پیامبران بر اوراق یاد داشتی و نسخ خود ادعائی چنین کرده و نوشته اند که متخصص روان و هر چه در قلمرو روان است میباشند؟

جالب توجه، توجه یک طبقه مخصوص به متخصصان بدنی است و علاقه یک دسته ویژه به متخصصان جسم و جان و بدن و روان که پیامبران باشند. هر چند افرادی نیز هستند که بهر دو قسمت توجهی به حق دارند اما فراموش نشود بارها آوردم که همه میخواهند دیگران دزدی نکنند که شبها راحت بخوابند چشم چرانی نشود که ناموسشان راحت باشد، کم فروشی نگردد که کلاه سرشان نرود .... اما همینکه نوبت

خودشان میشود چون از روی وهم و تصور و خیال است که اگر دیگران را از سودهای ناشی از آلودگیها (دزدی - چشم چرانی - کمفروشی - قمار و ....) محروم سازیم به سود خودمان است اما سود ناشی از گناه برای خودمان چه زیانی به دیگری میرساند و این قسمت را حاضر به پذیرفتن نیستیم لذا برای پیامبران نیز که نذیرند و ما را از رسیدن به بهره هائی باز میدارند بهمان علت احترام قائلیم که دیگران را هم از آن آلودگیها باز میدارند که این نوعی سود رساندن به ماست در صورتیکه دوستی هر کس باید از خودش و بخاطر خودش باشد نه آنکه پیامبر را دوست بدارد زیرا دیگران را از گناه بازداشته است.

اینکه خلیل الرحمان درخواست رزق طیب برای مؤمنان مینماید و بعد تقاضا میکند از ذریه اش که مومنان نیز در آنها بسیار است امامان باشد آیا جای آن ندارد که بگوئیم برای کسانی که ظالم نیستند غذای طیب درخواست شده است و پیامبران بهمین دلیل که درخواست غذائی و روحی دارند هم طیب جسمند و هم جان.

و همین جاست که به مطلب جالبی از قرآن میرسیم:

نه آنست که قرآن طیبات رزق را برای مومنان میخواهد پس اگر رزقی را برای مومنی تعیین فرمود آن رزق طیبی است و اگر رزق طیبی را برای فردی معرفی فرمود آن فرد شخص مومنی خواهد بود و در قرآن می بینیم برای باردار و زائوی بزرگوار (حضرت مریم) رزقی را معین کرده است از آنجا که حضرتش در سطح فوق العادگی ایمان بوده پس رزقی که برایش معین شده رزق طیبی است و در جلد مربوط به خرما و انگور آوردم که قرآن چگونه این دو را علاوه بر طیب بودن غذای حسن معرفی فرموده

است. پس هر چه غذا بهتر برای اشخاص مؤمن تری بهمان نسبت کیفیت بالاتر معرفی گردیده است و ما میدانیم خوراک دوره بارداری حضرت از جمله انگور بوده و خوراک موقع زایمان را قرآن خرما معرفی کرده است و هر دو را در جلد مربوطه شرح دادم و این مطلب بسی باثواب دوران بارداری و شیر دادن که شرح دادم سازگار و خوانا و صواب است که آن وقت چون روزه دار شب زنده دار و این چون مجاهد فی سبیل الله میباشد.

تا چند سال قبل هر گونه ناهنجاری کودک و نقصی که در او مشاهده میکردند به بیماری ارثی نسبت میدادند تا اینکه بعدها متوجه شدند عواملی دیگر نیز هستند که سبب عوارض مذکور میشوند از آن جمله اختلالات آنزیمی، عفونتها (بویژه در سه ماه اول حاملگی)، سوء تغذیه مادر و داروهائی چند که مصرف کرده است. علاوه بر این چندی است متوجه ارتباط زیبایی فرزندان شدند با آنچه از راههای مختلف وارد جسمشان و جانشان میشود از ماکولات و معقولات یعنی علم بطور قطع مسلم داشته است که زیبا شدن فرزندان به درست خوردن و درست زندگی کردن وابستگی کلی دارد. بسیاری از خوراکی ها فرزندان را زیبا میسازد و عصبانیت ها و اضطرابه او را زشت میگرداند و چه بسا خوراکی سبب ناقص الخلقه شدن فرزند گردد (مثل زن باردار گوجه فرنگی زیاد بخورد بنا بر گزارش دکتر جمس رنویگ کارشناس مسائل ژنتیک دانشکده بهداشت لندن ارتباطی با نقص خلقت فرزندش خواهد داشت) و در جلد سوم چندین اثر غذا را بر تن و جان آوردم آنجا که از آیه شریفه فلینظر الانسان الی طعامه بحث بود و اینکه یادآوری به زن باردار است که از جمله چیزهائی که میتواند در سرنوشت فرزندش دخالت نماید تغذیه



میباشد. جالب آنکه کمبود برخی از غذاها نه تنها تأثیر بدش در فرزند ظاهر خواهد شد بلکه به نسل بصورت خاصی به ارث رسید و آثار عقب افتادگی فکری و روانی خاصی را از خود نشان میدهد (مثلا کمبود پروتئین بارداران که بوسیله پرفسور کرم استاد دانشگاه گیسن شناخته شد اینگونه است که پس از پنج هفته بچه فوکها و سه هفته بچه موشها را از رشد مغزی باز میدارد که نزد انسان نیز نتایج مشابهی بدست آمده است)

جنین در شکم مادر است مادر بهر طرف خواست میرود و میچرخد و انسان بر روی پاره سنگی به نام زمین است بهر طرف خواست میرود و میچرخد اما رفتن و چرخیدن زمین بر حکمت الهی پایه دارد و طبق نظم و ترتیب خاص قانونی میرود و میچرخد و حرکات دیگری دارد و مادر نیز باید همینگونه باشد بداند کجا برود و چگونه برود و چگونه بچرخد جنین هر چه میخورد مادر به او میرساند چه تغذیه جسمی باشد چه تغذیه جسمی نباشد به اجبار تابع مادر است اما از این اجبار به تدریج هنگام تولید کاسته شده روز بروز تابع عوامل دیگری میشود ولی آنچه دائم و در هر حال بر جنین و نوزاد و کودک و جوان و مرد و سالمند و من و فرتوت مؤثر است عناصر موجود در زمین است.

جنین از مادر میخورد و در جلد ۲۳ آوردم که امام میفرماید جنین از عصاره خوردنیهای مادر می خورد و از نسیمی که مادر تنفس کرده نفس میکشد و اینک اضافه مینمایم که همان امام علیه السلام که ولایتمدار است چه میفرماید:

جنین از مادر میخورد مادر از زمین (گیاه و میوه) یا حیوانی از زمین میخورد و مادر از حیوان (شیر و گوشت و فرآورده هایشان) و نوزاد

و جوان و سالمند نیز چنین اند و چون هر گیاهی دارنده عناصر بیشتری هستند که در زمین کشت شده فراوان تر است هر کس از خاک محلش متأثر میشود و در جلدهای قبل گفتم که هر کدام از عناصر چه اثری روی بدن دارند حتی ملاحظه فرمودید اگر مانیزیم غذاها را از غذای شیرده ها حذف کنند محبت مادری آنها کاهش مییابد.

کسانیکه جنگ جمل را مطالعه کرده اند آنگاه که بصره ایها شکست خورده و نادم نزد حضرت آمدند بسیار جال است که حضرت اشاره به اثر خاک در وجود آنها نموده و اقدامشان را بر گناه متکی به عناصر موجود در خاک معرفی فرمودند.

قبل از هر چیز توجه به غذای باردار در دو بعد زمانی و مکانی اوست:

آوردن که غذای هر فصل و حتی هر ماه تابع اوضاع جوی همان زمان بوده و باید باشد و این علم جدیدی است که هم اکنون برای دانشمندان غذاشناس عبرت انگیز است که در هزار سال قبل حضرت رضا با رعایت فصول و ماهها دستور تغذیه جداگانه و ویژه ای به مأمون خلیفه عباسی داد و رساله ذهبیه را برایش نوشت که در جلدهای قبل شرح دادم.

اما بعد مکانی باردار وقوع وی در مکان بارداری (زمان بارداری) اوست که حتما باید غذای ویژه ای به او برسد و قرآن و توجهش را به بارداری حضرت مریم و رساندن انگور به وی و زایمانش و رساندن خرما به حضرتش متذکر است.

دستور حضرت رضا علیه السلام را که در جلدهای غذا و تغذیه آوردم در همه جا و مخصوصا در اینقسمت باید کاملا رعایت کرد: حضرتش

فرمود آنجا که بحث از کلوا و اشربوا و لا تسرفوا بود (بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید) نه باید بیشتر بخورد که جان مجبور به کاهش دادن زیادی باشد نه انقدر کمتر خورد که جان رو به کاهش بگذارد.

مسئله ای که در اینجا مطرح است تعیین مقدار کالری برای آبستن و زائو و کلیه بیماران و حتی اشخاص سالم میباشد در صورتیکه رساله ذهبیه حضرت رضا با این عمل بنظر میرسد مخالف باشد آنگاه که خلیفه وقت مأمون الرشید دستور غذائی خواست تا عمری بلند و شاداب داشته باشد و چون مبنای سال دینی بر سالهای قمری بود و تقویم فارسی هنوز در بوته اجمال بود و برنامه غذائی با سالهای شمسی و فصول و گرما و سرما مرتبط بود و حضرت سالهای ترکی را انتخاب فرمود و نشان داد برنامه غذائی بر حسب کالری نمیتواند بوده باشد بلکه با ضوابط و شرایط چندی پیوستگی دارد چنانچه با سن مأمون میانسال، شغل وی که شخص اول بود، و با هر گونه گردش که در آفاق (سال شمسی) و گردش که در انفس (خود مأمون) روی میداد پیوستگی داشت و تعیین کالری در زمستان و تابستان، حالت بیمار - ابتلای بیمار - رژیم بیمار - شغل بیمار و عوامل و ضوابطی چند مرتبط است که همه را در کالری جمع کردن همانند به کارهایی است که در بعضی قسمت ها اسباب شرمندگی میگردد.

اینکه نبی خاتم آبستن را روزه دار عابد معرفی میفرماید باید توجه داشته به گرسنگی غذائی وی که ناشی از روزه داری است و توجهی نیز به مشقت ناشی از شب زنده داری او:

قرآن در آیه شریفه کلوا و اشربوا و لا تسرفوا کمیت غذای همگان را تعیین فرموده و در آیه شریفه فلینظر الانسان الی طعامه کیفیت غذای

همگان را درخواست کرده است آنجا میفرماید نه کم بخور نه زیاد و اینجا میفرماید بین چه طعامی داری - در یک آیه به همسر ابراهیم که قرار است آبستن شود و گوشت گوساله در خود بریان شده دارند کنایتی از مشمول رحمت الهی شدن دارد و در روایاتی که بر سفره امامان باید سبزی های تازه موجود باشد و حضرت رضا فرمودند من دست به سفره ای نمیبرم که در آن سبزی خوردن نباشد.

و لنبا خالصا که قرآن شیر استخوانساز معرفی فرموده و در جلد ششم شرح دادم و بچه برای استخوان سازیش لازم دارد و رساندن کلسیم و مواد بیاض البیضی به بدن ضروری تر از همه است که اعصاب و مغز و استخوان و ... جنین ریشه از آن دارد و میوه که حضرت ابراهیم برای مومنان درخواست مینماید و در جلد نهم شرح داده ام و حضرتش هم با اهل ایمان سر و کار داشت و هم با زنی نازا (سارا) که آبستن نشد و هم زنی که سارا به او بخشید (هاجر) و آبستن گردید یعنی خوراک زن حامله نباید خالی از میوه (انگور بهتر از همه)، شیر، سبزی تازه، گوشت، و ... بوده باشد.

حال که سخن از میوه و سبزی و زن باردار شد ناگفته نماند که بهتر است حامله از خوردن گوجه فرنگی (تماته) خودداری کند و خوردن سیب زمینی برای وی حتما باید منع شود زیرا امکان پیدایش اسینیا بیفیدا یا پیدایش بچه های بدون مغز (انانسفال) میرود (۱)

ناگفته نماند که باید این مثال عامیانه را پذیرفت اما نه بهمان عبارت که گفته اند زن باردار باید دو برابر غذا بخورد بلکه باید اصلاح کرد و گفت

زن باردار باید بقدر کافی غذا بخورد که پرخوری خود نوعی زیاده‌روی است و اهمیت و ارزش غذا بستگی به نوع آن دارد نه بمقدار آن و اگر به قرآن توجه فرموده باشید که غذای بهشتی حضرت مریم باردار را چگونه انتخاب نمود و انگور را حتی در غیر فصل برایش مفید دانست.

اگر جلد هفتم را که درباره انگور است خوانده باشید به اهمیت آن واقف خواهید شد مخصوصاً تعجب خواهید کرد اگر توجه به نزدیک بودن وضع ساختمانی شیر و انگور کرده باشید و امتیاز انگور را بر شیر جهت باردار مورد ملاحظه قرار دهید.

آن زن باردار که از خوردن نیز خودداری مینماید از ترس آنکه فرزندش درشت خواهد شد و از میزان خوراک روزانه خود میکاهد به فرزندش ستم کرده است و نه آن پرخور کار درستی میکند نه این کم خور و زنان بدانند که درشتی و ریزگی فرزندشان زمینه‌های مهمی دیگر نیز دارد و زمینه‌های ارثی و فامیلی از آنجمله می‌باشد و چه بسا در اثر بیماری است مثلاً در مادر مبتلا به بیماری قند که اغلب فرزندان سنگین و درشت خواهند داشت.

در ماههای اولیه بارداری که و یار مسلط است زن به برخی از غذاها میل بیشتر پیدا کرده و بعضی را متنفر است و لذا بعلت حذف غذاهائی چند از موجودی همه چیز خوار برخی عناصر لازم به نوزاد نرسیده و در نتیجه رشدش را تحت تأثیر قرار خواهد داد بهمین جهت باید توجه داشت که از هفت نوع غذا که خود رساننده عناصر لازم به مادر و بطور غیر مستقیم به بچه است استفاده کرد.

شیر و فرآورده‌هایش، سبزیجات، میوه‌ها، مواد گوشتی، نان و

حبوبات، آشامیدنیها.

شیر که عناصر سازنده استخوان و دندان را با خود داشته و منبع سرشاری از مواد عالی پروتئینی است. پنیر که شیر متراکم شده است اما مواد قندی آن کم بوده و لذا باید از آن مصرف نمود و ماست که فلوز و اندازه میکربهای لازم در روده ها را تعدیل مینماید.

سبزیها که علاوه بر داشتن عناصر لازم و ویتامین ها سلولزشان در پاکسازی روده ها مؤثرند و چون در جلدهای ۳ تا ۱۱ از غذاها به تفصیل آورده شده در اینجا خودداری میگردد.

ذکر نکته ضروری آنکه فشار روحی که در دختر باکره باندازه گردویی بیش نیست و هم اکنون رو به بزرگ شدن است و در چند قلوها بزرگتر و در نتیجه بر احشاء و امعاء فشاری دارد و نمیگذارد کارشان را بدرستی انجام دهند باید باردار را متوجه سازد که از روده های در رنج مراقبت نماید از غذاهای زیاد چرب و سرخ کردنیهای زیاد و شیرینیجات خامه دار و غذاهای پر نمک و شور مثلا- از کالباس و ماهی دودی و سوسیسون و کباب شور و خیارشور و آجیل خودداری کند همینطور از سبزیجات فراوان و چای و قهوه بیشتر باید دوری جست.

در آن دو جلد اشاره کردم همانگونه که انتحار بر دو قسم است حاد و مزمن، حاد که گلوله ای بشقیقه خود خالی کنند و مزمن چون پرخوری و خوردن مشروبات الکلی و استعمال مواد مخدر و سیگار و ... زشت شدن هم بر دو قسم است حاد و مزمن، حاد که ملاحظه نمودید پس از مدت قلیلی که دختران مینی ژوپ پوشیدند و ساقها و رانها را بااستثنای کفین! پوشاندند (مقصود باندازه کف جلو و عقب است) ولی طولی نکشید

که زشت شدن بصورت حاد شروع شد و آن هم از اول در آن کشورها آغاز گردید که سردتر بود پاهای دربار بر سرما عکس العمل نشان داد مرتب مو در آورد اما بی اعتنائی کردند باز سرما زیادتر بود و موها برای گرم کردن کفایت نمیکرد چربی زیر پوست جمع شد پاهای دختران شبیه پای فیل گردید ناگهان همه دختران در شلواریهای بلند و گشاد فرو رفتند و از بیشتر زشت شدن جلوگیری نمودند و این زشت شدن حاد بود که فهمیدند و جلوگیری نمودند اما زشت شدن مزمن همانند انتحار مزمن خوشمزه است لذت دارد قدرت جلب و جذب مرد را سر برهنه و نمایان کردن بعضی قسمت ها زیاد میکند کیف دارد همانگونه که پرخوری در کنار غذای مطبوع کیف دارد اما علم ثابت کرده است که با پرخوری و برهنه بودن زن بهمان اندازه مخالف است که اسلام مخالفت کرده است.

مسئله ای دیگر که مربوط به بحث ماست برهنه بودن افراد خانواده در برابر یکدیگر یا در انظار دیگران هست که آورده شد.

### مغز و جنس و غذا

آدمی خودش را میخواهد و این خواستن در برپا داشتن حیات و نگهداری آنست و لذا غذا میخورد که بماند اما چون میدانند سرانجام هر چه را طبیعت به او داده از او پس میگیرد و قادر به نگهداری خود نیست استمرار خود را میخواهد و این خواستن در تولید مثل و همانند خود ساختن است و لذا ازدواج میکند.

آدمی غذا میخورد بدنی می یابد و مانده آن انرژی برای رشد

روانی اش بکار میرود و منشائی نیز برای پیدایش بقای نسل او میشود یعنی کسیکه غذا نخورد بدنش میماند و جسمش که ماند روانش و نسلش نیز میماند پس ارتباطی از یکطرف بین محیط با مغز و جنس برقرار است که از محیط ارتباطی به اهمیت غذا وجود ندارد زیرا غذا از زمین میروید انسان می خورد یا حیوان از آن روئیدنی میخورد و انسان از آن حیوان و این ارتباط مغز و جنس غذا و هر کدام خراب شود فساد شده است و قرآن هلاک کننده هر دو را مفسد فی الارض معرفی نموده است (.... لیهلک الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد) و حرث غیر از زرع است و هر گونه روئیدنی از زمین است حتی معادن و کوهها و ... و نسل هر گونه رشد کردنی از انسان است خواه کمیتی خواه کیفیتی و لذا کسیکه رشد معنوی افراد را نیز مانع میشود مفسد فی الارض گویند و این آیه شریفه بهترین رساننده ارتباط جنس و مغز و غذاست و خلاصه مفسد فی الارض کسی است که فرمولها و معیارهای فطری و الهی موجود در آفاق و انفس بهم میریزد و ظلم و فساد همین که ظلم جابجائی نابجا میکند و فساد در جای خود فرمولها و معیارها را امان نداده بهم میزند.

نه تنها غذا از خارج با مغز و جنس مرتبط است بلکه با تولید انرژی به ارتباط داخلی مغز یا جنس بستگی دارد و امروز پوسته مغز (کرتکس) را در کار غدههای ترشحی جنسی سهیم میدانند.

بحث ارتباطی غذا با مغز و جنس مفصل است و برای خوانندگانی که تخصص ندارند دقت بیشتری لازم است لذا برای متخصصان گفته میشود که به قرآن و بحث در این باره توجه فرمایند:

بارها آوردم که قرآن مسائل بزرگ زندگی آدمی را در قلمرو خلقت



حضرت آدم آورده و از جمله همین است که میفرماید گفتیم به درخت نزدیک مشو، شد و خورد (تغذیه) فبدت لهما سواتهما و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه - عورتشان ظاهر شد و با برگ درخت بهشت آنها پوشاندند (جنس). توجه فرمائید که هر دو جا سخن از درخت است (تغذیه) اما درختی که به اشاره نشان داده میشود نباید نزدیکش شوند و نامی از بهشت بر آن نیست ولی درختی که پوشاننده عورت از گناه و خلاف است از برگ درختی است که نام بهشت بر آن است.

دخالت مغز در اینجا جالب تراست. در آیه دیگر میفرماید والله یسجد من فی السموات و الارض .... هر چه در آسمان و زمین است از شجر و جماد و جنندگان همه و همه خدا را سجده میکنند و برخی از انسانها اما بقیه انسانها (حق علیه العذاب) حق است که عذاب شوند (زیرا سجده نمیکنند) که چون این آیه را در کنار آیه مورد بحث قرار دهیم که پروردگار فرمود و لا تقربا هذه الشجرة (ای زن و ای مرد) دو نفری هیچکدام به این درخت نزدیک نشوید .... فاکلامتها - نزدیک شدند و خوردند یعنی آنچنان نزدیک شدند که بتوان گفت برای نیست کردن آن درخت اقدام نموده آنها خوردند (از آن خوردند) اما از آن چه خوردند؟ میتوان گفت با توجه به دو آیه مذکور پروردگار میخواهد بفرماید تنها آفریده شدگان من که در آسمانها و زمین قدرت مخالفت با خدا را دارند انسان است بلکه قدرت عصیان کردن را و این مغز چه خلقت عظیمی دارد که به حدی رسیده آنچنانکه در برابر خودکاری آفرینش با اینهمه پهناوری باز پهنای او زیادتر است و میتواند از خودکاری و تسلیم به عصیان گرایش پیدا نماید و توجه فرمائید که برگ درخت عورت پوش آدمی نیز از همان

جنتی است که عرضها السموات و الارض است یعنی بفرموده قرآن بهشتی که عرض آسمانها و زمین را دارد و همین جنت با آنهمه وسعت زیر سایه شمشیر مردان را که بر زمین می افتد و پای مادران که بر زمین نهاده میشود وسعتی که عرضش آسمانها و زمین باشد بحساب آورد و اگر عورتش را برابر مقررات الهی بکار میبرد از برگ درختی پرورش یافته در آن وسعت جای داده باشد آری بهمین وسعت زیرا بهمان اندازه که شمشیر مردان در جهاد انسانسازی و پای مادران در مجاهدت نسل پروری وسعت میبخشد تحمل نگهداری عورت از گناه نیز بهمان اندازه است.

سئوالی که در اینجا مطرح میشود ارتباط به سه کلمه است که سمبل سه مرحله خلقت است: گیاهی (غذا) یا فرآورده های حیوانی که باز از گیاه خورده شده متأثر است و ویتامین های در آن در این دیده میشود - حیوانی (جنس) که نزد هر حیوانی هست - مغز که مقصود مغز آدمی است ولی قرآن را دیدید که هر سه را بهم پیوند داد گیاهی (درخت منهد) - حیوانی (سواتهما) - مغز که از آدم و حوا بحث ها دارد و پروردگار در آیه دیگر به پیوندی دیگر بوضوح آگاهی میدهد.

در یک آیه پس از تذکر به چگونگی کیفیتی مسجد (یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد) به کمیت تغذیه ای اشاره میفرماید (کلوا و اشربوا و لا تسرفوا....) که به تفصیل در جلد سوم شرح آنرا داده ام و آنچه بنظر میرسد در اینجا جای آوردن دارد همین تصویری است که درباره قرآن میشود و بذهن ما میرسد این چیست که قرآن ناگهان سخن از آسمان میگوید هنوز آیه تمام نشده به ذکر مسائل زمینی میپردازد یا دارد از تبدیل شب و روز صحبت میکند بلافاصله در همان آیه به ایجاد حیات اشاره

میفرماید. گرچه ثابت شده اختلاف شب و روز در ایجاد حیات نقش اساسی داشته است اما بارها اشاره کردم خلقت تکوین که از یکصد و چند عنصر (یکصد و چند الفبا) سازمان بخشی شده. همانگونه است که خلقت تشریح از قریب به سی حرف (قریب سی عنصر) درست شده است و همانگونه که در خلقت تکوین از کهکشانی به کهکشانی و از ستاره ای به ستاره ای وقتی از کشوری به کشور دیگر میرویم و هر کدام را خصوصیات ویژه است و هر کدام با آنهمه جدائی پیوسته بدیگری است در خلقت تشریح (قرآن) نیز از سوره ای به سوره ای و از آیه ای به آیه ای با خصوصیات جدا و در عین حال بیکدیگر پیوسته برمیخوریم و از یک سوره به سوره دیگر رفتن گویا از کشوری به کشور دیگر رفتن است.

سابق بر این روش تحلیلی (آنالیز) را برای شناخت همه چیز انتخاب کرده میگفتند اگر اجزای چیزی را شناختی آن شیء را شناخته ای شناخت اتم و سلول و ... یعنی شناخت همه جهان و اگر بدینطریق ممکن نشد چیزی را به اجزای خود تقسیم کرد فوری قانون علت و معلول (روابط علمی) را پیش میکشیدند و حکومت چیز را که حاکم است و هر چیز را مجبور به معلول یا علت بودن معرفی میکرد میپذیرفتند بعد متوجه شدند یک عنصر دارای خواص ویژه خود همینکه با عنصر دیگر چیز بزرگتری را موجودیت بخشید دیگر خواص خود را از دست میدهد و هیچ پدیده ای در آفرینش نیست که در قلمرو یک رشته تخصصی شناخته و مربوط به آن باشد. و یا جدا کردن اجزاء موجود زنده و بررسی تک تک اعضاء آن ممکن نیست حیات را و حتی وابسته های به آنرا شناخت بلکه شناخت هر چیز به شناخت اجزاء آن چیز و شناخت روابط آن اجزاء با یکدیگر و با اجزاء

دیگر همه چیز معین میشود و در نتیجه بقول شاعر ما اگر یکذره را برگیری جای همه از عالم فرو ریزد سراپای و در سیستم قرآنی نیز همین وضع حاکم است و چه بسا اگر یک آیه را به تنهایی مورد نظر قرار دهیم برداشت جبری از آن شود یا آیه دیگر اختیار را برساند (علت اصلی پیدایش فرق اسلامی!) و در حالیکه قدرتهای حاکم روز با تفسیر آیات موافق منافع خود دستجات اسلامی درست میکردند بین اجزاء (آیات) قرآن جدائی میانداختند و قدرت علمی مسلمانان نیز نمیتوانست از اوراق کتابها یا صحن مدرسه و مساجدشان بقلمرو مراقبت شده حکام و دستیارانشان وارد گردد و در حالی که دانش تکوین چیزی جز وقوف به چگونگی روابط بین اجزاء جهان هستی و دانش تشریح جز وقوف به چگونگی روابط بین آیات قرآن خالق هستی نیست متوجه رشد همه جانبه این حدیث میشویم که میفرماید قرآن تفسیر میشود بعضی از قسمت‌هایش با برخی قسمت های دیگرش.

بهر صورت انا اعطیناک الکوثر و بلافاصله ذکر فصل لربک وانحر نوعی ارتباط بین پدیده های کثرت نسل که بدون شک از تغذیه روحی (فصل) و غذای بدنی (وانحر) را میرساند که اگر تاکنون انگشت به لب میرسید که کثرت نسل را با نماز و گوشت چه رابطه ای هم اکنون انگشت به لب میرسد که یا عجا چهاده قرن قبل شناخت صحیح از قرآن ما را چگونه در همه چیز بازی داده است.

در این کوچکترین سوره کثرت را میرساند و در سوره های دیگر به نگهداری درست این کثرت یا به روشهای تعلیم و تربیتی آن اشاره میفرماید.

در این کوچکترین سوره نماز را میگوید و در سوره های دیگر به چگونگی برگزاری و کیفیت آنها بحث است.

در این کوچکترین سوره نحر را تذکر می‌دهد و در سوره های دیگر به کمیت و کیفیت تغذیه و حتی چگونگی بهرت کباب کردن گوشت می‌پردازد که در جلد هشتم شرح داده ام.

نتیجه آنکه ارتباط نسل و جنس (کوثر) با مغز و روان (فصل) و بدن و غذا (وانحر) و ارتباط تمام آیات قرآن در یک واحد ساختمانی بهمان ارزش بسیار عظیم نشانی از الله فرستاده قرآن است که در یک مجموعه ساختمانی میتوان به ارتباط و ارزش همه جهان هستی نگریست و بالاخره همه در یک جمله خلاصه که:

خلقت تکوین و خلقت تشریح هر دو وضعی مشابه را نشان میدهند آنچه‌آنکه معلوم است خالق و منزل هر دو یکی است.

نه آنست که تاکنون می دانستند نوزاد هم خواب میبیند و در این باره از حضرت صادق آوردم که چون از ایشان سؤال شد خندیدن نوزاد یکی دو روزه در خواب چیست فرمود با فرشتگان در سخن است و این با ذکر خواب دیدن وی سازگار اما آنچه اخیرا معلوم شده خواب دیدن جنین است که با بردن دستگاه در رحم و بر سر جنین نهادن و رسم منحنی های مربوط آنرا فهمیده اند که در جلد هفدهم شرح چگونگی را دادم و اینک

مطلب جالب اینکه هزاران هزار حیوان و هر چه غیر از انسان است آنقدر بهم نزدیکند که بنظر ظاهر یکسان میباشند ما بین دو انسان آنقدر تفاوت است که یکی با شرف و دیگری بی شرف نمونه اختلاف منظور میباشد.

این اختلاف در رحم نیز وجود دارد و بشرح یک موردش می پردازیم:

خودآموزی هر چه غیر از انسان است معلوم و هر موجودی بدون تعلیم و تعلم و کلاس دیدن میداند و میتواند زندگی خود و نسل خود خود را بخوبی اداره نماید اما خوب اداره شدن زندگی انسان و نسلش مستلزم خواندن آنها و آموزشهاست و عجیب آنکه در رحم نیز تفاوتی بین انسان و حیوان در همین سطح وجود دارد:

نوزاد بدنیا میآید هیچ کاری بلد نیست اما شیر خوردن و مکیدن را ماهرانه میداند اما این کار را در دنیای قبل تمرین کرده است.

همانگونه که یک کودک زودتر از دیگری راه میافتد یا حرف میزند یا دندان بیرون میرود یا کار دیگرش زودتر ظاهر میشود جنین نیز یکی زودتر در رحم شروع میکند به تمرین مکیدن کردن ابتدا آهسته آهسته انگشت به دهان میبرد و چه بسا چندی انگشت به لب دارد و مشغول رفع خستگی است و بعد بتدریج مکیدن را شروع و هر چه بگذرد آنرا سریعتر و محکمتر انجام میدهد تا نزدیک به آمدن جهان بعد میشود که فوق العادگی در این کار نشان میدهد و لذا تمرین کرده و بلد شده به دنیا میآید اما حیوان در رحمتش هرگز چنین نیست و سمش را به دهان نزدیک نمیکند و نمی مکد و خودکاری و خودآموزی بر فطرت و بر طبیعت دارد و خلقت بلکه خالق شاعرش مکیدن و همه کاری را به او آموخته است.

پستاندار که نزدیکترین موجود از لحاظ ساختمانی بدنی به انسان است از روزیکه مغزش در رحم مغز حساب میشود تا روز تولدش یکسانی و شباهتی دارند بعد از تولد نیز همچینند و مغز یک گوسفند نوزاد با گوسفند پر شده تفاوت و تظاهراتی چندان از خود بروز نمیدهد اما جنین انسان هر چه نزدیکتر به آمدن بدنای دیگر گردد به کارهای مرحله

بعد که بکارش آید متوجه میشود و آنها را سریعتر و بیشتر و بهتر انجام میدهد و چون دنیا آمد باز هم بر این منوال هر چه به دنیای بعد یعنی هر چه به آخرت نزدیکتر شود به کارهای مرحله بعد بهتر و بیشتر میپردازد و پرهیزکاری اغلب مردم در پیری همین است و اینکه همه در آرزوی عاقبت بخیر شدن ناله میزنند علت بر فطرت بودن آن است انسان است می خواهد متولد شود کاری را باید بلد باشد که در دنیای بعد موجودیتش محفوظ بماند انسان است می خواهد بمیرد کاری را باید بلد باشد که در دنیای بعد موجودیتش محفوظ بماند اما کاری که جنین باید بداند و بلد باشد برای زنده ماندن مرحله بعد باید بوسیله آنچه از اعضائ و جوارحی دارد که در رحم بکارش نمایاند انجام دهد از دست و پا و چشم و گوش و ... و آدمی نیز باید بداند و بلد باشد در دنیا نیز بوسیله آنچه اضافی دارد و در دنیا بکارش نمایاند و به جهان وسیعتری مرتبط میگردد انجام دهد از هوش و عقل و ... زیرا برای خوب خوردن و خوب خوابیدن و خوب آمیزش کردن و ... اینقدر عقل و هوش و ... اضافه تر از یک میمون لازم نیست و آنچه اضافه است برای شناخت انفس و شناخت آفاق و در نتیجه برای شناخت خالق انفس و آفاق و بالاخره برای راهیابی و رسیدن به بهشت میباشد (العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان) و همین را یعنی عقل را باید برای عاقبت خیری بتواند نزدیک به مردن بکار برد و در آن قسمت که از چگونگی زنده بودن شهدا بحث کردم شهادت را که بهترین وسیله دسترسی به عاقبت خیری است معرفی و علت چنین معرفی را شرح دادم.

## معاینه پزشکی

باردار اگر چندمین شکم را دارد و در شکم قبلی ناراحتی داشته باشد با شکم اول است و در فامیلش سابقه ابتلائی وجود دارد بهتر است با متخصص مربوطه و پزشک خانوادیک در تماس و از چهارماهگی تا هفت ماهگی ماهیانه و از آن بعد تا هشت ماهگی هر ۱۵ روز و از آن بعد بطور هفتگی مراجعه نماید و در غیر اینصورت باید حداقل دو مرتبه حدود چهار ماهگی و هفت ماهگی مراجعه نماید.

به تمام خانم های باردار سفارش میشود مراجعه دو مرتبه را فراموش نفرمایند که تعلل در آن ممکن است اشکالاتی در قلمرو زایمان یا برای سلامتی نوزاد بوجود آورد.

خدای را شاهد میگیرم که حاضر نیستم از خط اسلام بیرون روم و جز برای تشیع اسلام عزیز چیزی را هدف قرار نداده ام و اسلام یعنی بهتر کردن و به سلم و صلاح و رشد و هدایت آوردن مردم در تمام ابعاد جسمی و به سلم و صلاح و رشد و هدایت آوردن مردم در تمام ابعاد جسمی و روانی. لذا هر جا بشما سفارش کرده ام از اینجهت است که یک مرد یا یک زن مسلمان را توصیه به بهتر و سالمتر زندگی کردن و جلب جذب منافع دنیا و آخرتشان است.



## مراقبت های قبل از زایمان

از آنجا که حوادث ممکن است بیماری و خیمی برای جان مادر داشته باشد که اگر در زمان غیر حاملگی همان حوادث اتفاق می افتاد و اهمیتی نداشت، بحث زیر مورد نظر قرار گرفت.

نبی خاتم که اطلبوا العلم من المهد الی اللحد فرمودند و مدت ها اشکال میکردند برای بچه در گهواره یا پیر در بستر معلم داشتن و او را به آموزش داشتن یعنی چه اما امروز به اهمیت مربی و پرستار مخصوصا نوزادی و پیری وقوف پیدا کرده همینطور برای آبتن و زائو که حضرتش آنرا همانند روزه داری که شبهایش همه در عبادت میگذرد بحساب آورده و این را میفرماید که شیر کار شمشیر میکند و چه جالب است که آن در شکم خود دارد و همانگونه که خود را میسازد شایسته است جنین را بسازد و این خارج از شکم دارد و باید همانگونه که محیط را میسازد خود را بسازد اگر فراموش نفرموده باشید آروم که ان الذین امنوا و عملوا الصالحات که جدا از یکدیگر بی ارزش اند یکی از معناهایش اینست:

امنوا خودسازی است و خود را بالا بردن و خود را صاحب کشف و کرامت کردن و عملوا الصالحات غیر خود (اجتماع و محیط) را بالا بردن و محیط و اجتماع را صاحب کشف و کرامت کردن است و در عمل هم میبینیم

کسیکه کفشهایش جلو پایش جفت میشود صاحب ورع و تقوا و اوراد و اذکار است و آنکه مدرسه ها و درمانگاهها و مسجدها ساخته کفشش جلو پایش جفت نمیشود و خودش به اراده کرامت نمیکند بلکه محیط برایش کرامت میکند نسلش را محیط مراقبت مینماید یعنی کسیکه امنوا است با ایمان آن خورشید درونی. خارج را آگاه و روشن میسازد و آنکه عملوا الصالحات با ایمان برونی و خورشید نظمها و مراقبت ها، داخل را مطیع می کند (آبستن با ایمان خود میسازد و بچه ای که با خود دارد و زانو با ایمان محیط را میسازد و بچه ای که تحویل محیط داده است) و نبی گرامی خاتم را توجه فرمائید که آمنوا (روزها روزه شدن و شب ها زنده داری کردن و خویشتن را ساختن و نوزاد را که جزو خویشتن و همه چیزش تابع خویشتن است ساختن) را برای آبستن و عملوا الصالحات (شمشیر برداشتن و در میدان شهادت به مجاهده پرداختن و اجتماع را آگاه دل و بیدار ساختن و فرزند نیز که تابع اجتماع است ساختن) را برای زانو نسبت دادند (توجه فرمائید تا فرزند در شکم است احترام ایمان در قلب داشتن دارد و چون خارج شد احترام عمل صالح را کردن)

مراقبت های قبل از زایمان یعنی مراقبت از بیداردلی که از روزه داری روزها و بیداردلی شبها بی امان در مشقت است و زنده باد محمد رسول الله و خاتم النبیین که روزه و عبادت را به آبستن نسبت میدهد روزه که نوعی رابطه بین فرد و غذاست و نماز و شب زنده داری که نحوی رابطه بین روحیه و فرد است یعنی مراقبت از زن زانو باید در دو قسمت ملاحظه و توجه شود:

(۱) آنچه سلامتی جسم وی را تأمین مینماید.

(۲) آنچه سبب سلامتی روح و آرامش حال و خیال آبستن است.

حفظ سلامتی جسم حامله یعنی ترتیبی اتخاذ گردد که عوارض دوران حاملگی به حداقل برسد و خطرات موقع وضع حمل به صفر برسد و برای بعد از زایمان نیز بدنی سالم تحویل مادر و بچه داده شده باشد.

برای رعایت مطالب فوق آنچه را باید پزشک انجام دهد یا آنچه را باید آبستن به پزشک مراجعه نماید و پزشک انجام دهد از عهده این کتاب خارج است زیرا برای زن کفایت گفته شود به پزشک مراجعه کن پزشک اینها را میداند و بر تکلیف خود واقف میباشد لذا به ذکر آنچه میتواند زن خود انجام دهد بدون آنکه به پزشک مراجعه نماید میپردازیم:

### دستورات لازمه

تغذیه - استراحت - خواب - اجابت مزاج - ورزش - هوا و آفتاب شستشو - لباس - تفریح - دندان و مسواک - مقاربت. مواردی است که حامله باید بداند و عمل نماید.

چون ممکن است زنهایی باشند که اهمالکارند. توجه فرمایند که اگر موارد زیر پیش آمد برای جلوگیری از بدتر شدن فوری به پزشک مراجعه نمایند:

خونریزی حتی لکه بینی - ورم دست و صورت - سردرد شدید و مداوم - تیرگی چشمها و اختلال دید - درد شکم - استفراغ مداوم - تب و لرز - خروج ناگهانی آب از مهبل.

درباره تغذیه زن باردار به اختصار مطالبی ذکر شد.

## چند دستور برای بارداری

علت پیدایش ویار را هنوز ندانسته اند چیست یکی میگوید جنس مادر ناسازگار بوده ایجاد حساسیت و در نتیجه دل بهم خوردگی مینماید دیگری عقیده دارد چون تعادل عصبی بهم میخورد و آخری که علت را رسیدن زن به آرزوی فطری خود یعنی به ایجاد نسل و در نتیجه تخیلات و فکرها و آرزوها بحساب آورده است و دیگری ناشی از دخالت موجود اضافی و ایجاد نوعی بیرون راندن اضافی بوسیله ویار تصور مینماید و ....

بهر صورت ویار اغلب صبحگاهی است و چه بهتر که باردار ساعتی در صبح نیز استراحت نماید مخصوصا استراحت بعد از هر غذا خوردن مفید است خود را مشغول داشتن. برطرف ساختن یبوست، پرهیز از غذاهای زیاد چرب و سرخ کرده و نوشیدن آشامیدنیهای نیمگرم مؤثر است.

معدة خالی چون تهوع آور است چه بهتر که در فواصل غذا مقداری شیر یا از همه بهتر نان شیرمال میل نمایند. یبوست که بعلت فشار رحم بر روده ها و تنبلی آنها بوجود میاید و اگر وجود داشته نشدید میشود یا خوردن سبزیجات یا روغن زیتون برطرف میشود خوردن پارافین نیز مفید است اما چون از مواد نفتی است تکرار آن مضر و ادامه آن امکان دارد ایجاد سرطان نماید. از خوردن مسهل های قوی باید پرهیز کرد.

نفخ شکم یا گردش در هوای آزاد و تنظیم مقدار و زمان غذا برطرف میشود.

ترش کردن که ممکن است با آروغ زدن و یا تلخ کردن همراه باشد و چه بسا با درد ناحیه قلبی همراه، با پرهیز از مایعات و سرخ کردن آنها و پرخوری و ادویه و ترشیجات و ... برطرف گردد. تجربه آنکه ترش کردن پس از خوردن برنج ممکن است با خوردن قطعه ای پنیر در پایان از بین برود و اگر ترش کردن موقت است با خوردن اندکی جوش شیرین آنرا برطرف ساخت. بواسیر بیرون زدن عضله متورم یا سیاه رگهای مقعد و واریس بیرون زدن رگهای پاست و هر دو زمینه ارثی دارد و با فشار رحم بر آنها پیدا شده یا بوده و تشدید میشود. بواسیر را با بالا نگه داشتن باسن و کمپرس آب سرد یا یخ و تکرار آن و اگر تکمه ای دارد با انگشت و یا با انگشت و روغن میتوان داخل کرد و اگر خونریزی داشت باید به پزشک مراجعه نمود.

واریس را با کمتر روی پا ایستادن و فشار بر آن وارد کردن و هنگام خوابیدن بالشی زیر پا گذاشتن و نپوشیدن کمرست و لباسهای تنگ میتوان آرامتر ساخت.

چنگک شدن عضلات ساق پا قسمت های دیگر برطرف میشود با پیاده روی در هوای آزاد و صرف غذای کلسیم دار و در صورت عرق کردن زیاد و در هوای گرم بودن خوردن اندکی نمک و رعایت پوشیدن لباس که شرح داده شد.

در ماههای و یار چرت زدن و بعد از آن ممکن است بی خوابی پیش آید که با نخوردن چای و قهوه بعد از شام و مطالعه قبل از خواب و بر

طرف ساختن سر و صدا و کم نور ساختن اطاق و انتخاب رختخواب مناسب و کار کردن بانداژه در خانه همگی اصلاح میشود.

تکرار ادرار نیز با فشار رحم بر مثانه و تحریک آن نزد بارداران فراوان است بویژه در ماههای اول و ماههای آخر و نزد برخی با خنده یا با گریه ادرار جهش میکنند. سوزش مجرا و درد موقع ادرار نیز ممکن است پیش آید که باید به پزشک مراجعه نمود.

تنگ نفس بعلت فشار رحم از بالا پیش میآید و مرتب افزایش مینماید تا روزی که سر بچه وارد لگن میشود و بالای شکم خالی میشود برای بهتر کردن و راحت بودن بهتر است متکائی با یک پستی که انتخاب آن مناسب است داشت خارش بدن اگر موضعی است با آب سرکه و اگر همه بدن است و نتیجه حساسیت باید به پزشک مراجعه نمود.

از نیمه دوم بارداری ممکن است پوست شکم با فشار رحم پاره شود و خطوط قرمزی بجای گذارد که بعد از زایمان سفید خواهد شد و زمینه ارثی آن بیشتر است و با ماساژ روزانه با پمادهای هورمونی و ویتامین دار در هفته اول بارداری امکان دارد و میتوان تا حدودی جلوگیری نمود.

لک بینی (خون ریزی مختصر) در ماههای اول در اثر تهدید به سقط و سپس سقط یا بچه خورده یا جفت سر راهی یا غده میتواند باشد و در هر صورت باید به پزشک مراجعه کرد.

ورم دست و پا اگر مختصر بود بیماری نبوده برطرف میشود و اگر زیاد بود یا سر و صورت را فرا گرفت باید به پزشک مراجعه کرد.

مسمومیت آبستنی که بعلت خطرناک بودن آن باید بطور حتم به پزشک مراجعه کرد. در ماههای آخر پیدا میشود و نزد شکم اول بارداری

بیشتر است شاید اختلال عمل کلیه ها یا کبد یا .... در کار باشد فشار خون بالا می‌رود آلبومین در ادرار پیدا می‌شود ورم شدید دست و پا و صورت ظاهر می‌گردد وزن زیاد می‌شود و ... و مراجعه به پزشک واجب می‌گردد.

غشی حاملگی (اکلامیسی) هم خطرناک بوده و اغلب در تعقیب مسمومیت آبستنی که درمان نشده یا ناقص درمان شده پدید می‌آید حال باردار بهم خورده بزمین می‌خورد و حمله تشنجی می‌گیرد بدن سفت شده کف سفید و گاهی خون آلود از دهانش بیرون می‌آید چه بسا زبانش را گاز بگیرد یا بعلت افتادن استخوانش بشکند و اغلب بچه‌ها در شکم این بیمار تلف می‌شوند.

دیگر سقط جنین است که یک جلد را در انحصار داشت و گذشت

آبستنی خارج از رحم بعلت پرورش نطفه در جایی غیر از رحم است نطفه بعلت ماندن تخمک در لوله رحم تا مدت پنجمین روز بوجود می‌آید اما در آنجا جای تنگ و نامناسبی است بطرف رحم سرازیر می‌شود و در آنجا نمو می‌یابد اما اگر نتوانست از آن فضای نامناسب نجات یابد همانجا برشد ادامه می‌دهد و لذا ممکن است در حین بزرگ شدن لوله را پاره کرده و خونریزی بدهد و بکشد.

خارج از رحم نزد آنها که عفونت لوله یا تخمدان یا چسبندگیها یا عیب مادرزادی در یک قسمت تناسلی یا نازائی دارند دیده می‌شود زنی است حدود ۱۵ روز از موعد قاعدگی گذشته بجای قاعدگی لکه می‌بیند یا درد زیر شکم احساس مینماید یا حالت ویار و تهوعی یا دردهای قولنجی یا ... دارد که با امتحان داخلی معلوم می‌گردد همراه با درد

شدید و تهوع و استفراغ و رنگ پریدگی و عرق سرد و نبض سریع و سقوط فشار خون شناخته میشود.

ممکن است نطفه در داخل شکم رشد نماید و با سزارین خارج گردد

بچه خورک یا انگورک یا مول که نیم در هزار در کشورهای غرب و در ایران بیشتر دیده میشود در ماههای سوم و پنجم با فاسد شدن جفت و بشکل خوشه انگور در آمدن آن و کم کم داخل رحم را پر کردن و بچه را از بین بردن در میآید و چون بین فقرا بیشتر دیده میشود علت آنرا به تغذیه ارتباط میدهند.

شکم در ماههای ۳-۵ بزرگتر است ترشح خونی و لک بینی مقاوم به درمان و گاه دفع تکه های فاسد شده جفت و چه بسا با ورم دست و پا و تهوع و استفراغ همراه است جمجمه و صدای قلب جنین و آثار حیات شنیده و فهمیده نمیشود. و با آزمایش ادرار و معاینه معلوم میگردد و در درمان آن باید به پزشک مراجعه کرد و آنچه اهمیت دارد خارج ساختن آخرین قطعه های آن است که اگر بماند چه بسا خونریزی یا سرطان بوجود آورد و لذا تا سه ماه بعد از کورتاژ رحم باید ادرار زن را آزمایش کرد تا مطمئن شد چیزی باقی نمانده است و اگر سیر تب و آزمایش بیمار تا شش ماه سالم نشان دهد کافست. چنانچه به سرطان تبدیل شود آزمایش ادرار و خون بینی و عکس ریه ها لازم است.

حالات روحی - هیجان و اضطراب میتواند قاعدگی را بند آورد. شدید کند، نامرتب نماید، دردناک سازد، سرد مزاج گرداند سقط مکرر دهد، مقاربت ناراحت باشد.

بارداری از یکطرف شخصیت زن را که نسل خوی است از محل انتظار



زن بیرون کشیده چون دسته گلی به محل آگاهی او تقدیم مینماید لذا زن مواجه با مسئولیت جدیدی شده بدون شک افکارش را دگرگون خواهد ساخت از طرف دیگر فکر نگهداری فرزند و امید و آرزوهائی که در نتیجه فرزند داشتن بهره اش میشود مرتب در برابرش رژه رفته و او را مشغول میدارد و در اینصورت روحیه مادر تحت تأثیر قرار میگیرد و این حالت در شکم اول بیشتر است.

از طرف دیگر فکر زایمان و دردهای آن و عوارضی که ممکن است پیش آید مزید بر علت اخلاقیات زن را متغیر میسازد بارداری خود سبب میشود ترشحات غددی بدن دگرگون شود و از آنجا که ترشحات مذکور قبل از هر چیز با اعصاب همکاری نزدیکی دارد این نیز مزید بر علت خواهد بود.

فکر وظائف سنگین مادری و شوق مادر شدن و افکاری در جهت پایداری یا ناپایداری باز از عوامل ضایعساز اوضاع عصبی باردار میباشد

فکر زایمان که آیا طبیعی خواهد بود یا خیر و بیم و هراس از بیماریها و ناقص الخلقه بودن بچه و علاقه شدید به پسر بودن یا دختر بودن و علاقه و عدم علاقه به بارداری و ترس از سقط و توجه به پدر که آیا از بارداری وی خوشحال است یا نه همه سبب میشود بر ناراحتی های عصبی و فکری باردار بیفزاید.

درمان همه آنچه گفته شد یک ذره ایمان و توکل بخداست. باردار میتواند بخود تلقین کند به چیزهائی که دوست دارد خود را مشغول سازد مطالعه کند و ... اما بیش از همه درمان آن بدست شوهر است همان شوهری که اگر مسلمان خواهد فهمید چرا نبی خاتم عزیزش باردار را روزه

دار شب خیزی که روزها چون مجاهد در راه خدا شمشیر بدست در میدان جهاد می‌جنگد معرفی فرموده است چنین معرفی کرده است تا شوهرش سحری، افطاری، اسلحه میدان جنگ، خوراک میدان جنگ، خوراک میدان همه و همه را به همسرش برساند و همه جمع میشود در این کلمه که باردار حس کند در دوران بارداری شوهرش او را دوست تر میدارد و بر مرد است که به همسر باردارش شفاهها و عملا دوست داشتن وی ثابت کند و این بهترین درمان است.

### قبل از زایمان

دردهای مبهم و خفیف آغاز میشود در شکم اول قبلا بالای شکم خالی میشود. لک بینی و ترشحات خونی که علامت باز شدن دهانه رحم است و پاره شدن کیسه آب از علائم میباشد.

دردهای کاذب نیز ممکن است پیدا شود که اگر باردار بایستد کمتر میشود اما دردهای زایمانی با ایستادن شدید میشود. دردهای زایمانی منظم و متناوب بوده در موقع شروع در ناحیه پشت و پائین کمر حس شده و با پیشرفت زایمان شدید و به پائین و جلو میاید و دردهای قوی تر و قولنجی و چنگ زدن میگردد و فواصل دردها کم میشود و طول مدت دردها بتدریج بیشتر میگردد.

کیسه آب اگر در منزل پاره شد به پشت خوابید و به پزشک اطلاع دهید و اگر طول بکشد و عفونی شود ایجاد خطر مینماید.

ممکن است کیسه آب پاره شود و بند ناف پائین آمد و گیر افتد و

جریان خون قطع گردد و بچه بمیرد لذا باید بوضعیت سجده درآمده و بی حرکت بود و از پزشک دستور گرفت و این در صورتی است که بند ناف ضربان دارد یعنی نبض میزند و اگر بند ناف پائین نیامده استراحت کافیست و اطلاع دادن به پزشک - خوردن ۳۰-۶۰ گرم روغن کرچک که میتوان با چند قطره آب پرتقال یا لیمو آنرا خوشمزه ساخت. یا خوردن قرص کنین هر نیم ساعت تا شش قرص با تنقیه با صابون و یا روغن زیتون میتواند ایجاد درد نماید اما باید همه با اجازه پزشک باشد.

### جنین در رحم

بیشتر مردم جهان روز تولد را سالروز میگیرند و در برخی کشورهای آسیای شرقی اولین روز حاملگی را و بنا بر شرحی که در همین جلد دادم قرآن به روز تولد و روز مرگ و روز حشر اهمیت میدهد و اینک عمده مردم جهان و کلیه متمدنین به روز تولد و روز مردن توجه دارند اما روز حشر؟؟؟

باز یادآوری آنکه از عجایب خلقت مایعی که جنین در آن غوطه ور است قبلا شرحی دادم و اضافه مینمایم که مایع مذکور محیط ترمیم دهنده و حتی درمان کننده خوبی نیز هست چنانچه اگر به مادری گلوله ای اصابت کند و به بدن جنین نیز برسد و سوراخش کند و هیچیک نمیرند و مادر درمان شود جنین بسرعت درمان میشود و در جای سوراخ فقط اثر مختصری باقی خواهد ماند اگر دست یا پایش بشکند خود بخود خوب اصلاح میشود و .... هم اکنون جنین در داخل رحم است خونس را عوض میکنند و اعمال جراحی بر آن انجام میدهند.

از ماه سوم جنین انگشتش را میمکد بدور خود میچرخد حرکت میکند سسکه و گریه دارد و اگر حبابی وارد مایع شود گریه جنین بقدری شدید خواهد بود که گاه مادر اظهار میدارد صدایش را میشوند (در اینصورت اگر مادر بحالت نشسته بخوابد که حباب از اطراف صورت بچه دور شود راحت میشود - البته حباب پس از چند هفته در مایع مذکور از بین میرود)

هنوز نفهمیده اند چگونه است که جنین غوطه ور در مایع دربی وزنی قرار گرفته گویا قوه جاذبه بر او اثری ندارد و بهمین دلیل سر سنگین بچه در رحم بموازات بدن بدون کج و ناراحت شدن قرار میگیرد اما هنگام تولد تا مدتی بعلت عادت به بی وزنی نمیتواند سر خود را درست نگهداشت و باید مادر با دست از آن مراقبت کرد.

موقعی که مادر به پشت میخوابد و ستون فقرات مزاحم جنین میشود ناراحت شده مرتب پا میزند تا مادر مجبور شود بوضعی دیگر در آید.

صدای قلب مادر برای جنین خیلی مطبوع است و مدتها پس از آنکه متولد شد اگر به سینه چپ گرفته شود یا صدائی مشابه ضربان قلب برایش درست کنند آرام میگیرد و این را حضرت صادق تذکر داده اند که در کتاب مغز متفکر شیعه خوانده اید.

از آنجا که علت مرگ و میر بارداران در درجه اول خونریزی و سپس مسمومیت و بعد عفونت است باید در صورت بروز مراقبت کاری کرد و به پزشک مراجعه نمود و لذا خونریزی از مهبل، تهوع، استفراغ، ورم، دست و پا و سردرد و ناراحتی چشم تنگی نفس، بیخوابی و سردرد و دلدرد و دردهای زیر شکم و احساس سوزش در موقع ادرار و خروج مایع از مهبل و ... را نباید نادیده گرفت.

غذای باردار همانگونه که شرح داده شد باید سرشار از مواد بیاض البیض و سبزیجات تازه و میوه جات و حبوبات بوده و کمتر مواد قندی و چربی داشته باشد و اگر همین دستور رعایت شود احتیاجی به داروهای ویتامین دار که زیادش ناراحتی های مادرزادی بوجود می آورد نمیشد.

خواب روز و استراحت و دوری از افراط در کارهای شدید و خستگی و داشتن تفریحات سالم و هوای آزاد و ورزشهایی اگر به آن عادت داشته و جلوگیری از بیوست با خوردن میوه و سبزی و راه رفتن و دوش گرفتن تا ماه آخر و پوشیدن لباسهای فراخ که علتش را شرح دادم و پرهیز از کمربند و کش جوراب و توجه بدندانها و پرهیز از مسافرت های طولانی از ماه هشتم بعد و پرهیز از مقاربت در ماههای آخر بطریقی که شرح داده شد و پرهیز از شستشوی مهبل مگر در موارد ضروری که باید لوله وارد نکنند و فشار آب زیاد نباشد و چرب کردن نوک پستان تا ترک نخورد جزو برنامه بارداران است.

نوزادان مادران معتاد معتاد بدنیا میآیند و بهتر است در دوران بارداری آنرا ترک کنند آنچه اهمیت دارد معتادان به باریتوریکهایند که اگر داروهای خواب آور به آنها ندهیم مادر میمیرد و نوزاد نیز که با علائم تشنج متولد میشود اگر مسکن به او داده نشود خواهد مرد.

حساسیت باردار به فلج اطفال باید مورد توجه قرار گیرد تا اگر تلقیح نشده اند بشوند.

مطلب از وضع جنین بود که پس از سه ماهگی قلبش روزانه ۵۰ بار خون را تخلیه میکند و اندام تناسلیش مشخص است به نرمی حرکت میکند اما مادر حس نمیکند فقط هشت سانتیمتر است اما در ماه چهارم ۱۲/۵

سانتیمتر میشود و از ۲۲ گرم به ۱۸۸ گرم میرسد و مادر حرکتش را میفهمد و زمانیکه برای تولد آماده میشود دائم در حرکت است که رشد جنین و وضع او را در جلد جنین شناسی و مخصوصا جلد سقط جنین شرح دادم.

### انعقاد نطفه برای داشتن فرزندی شایسته

به بسیاری از مراسم اسلامی ازدواج آشنا و به همه طبق موازین اسلامی عمل شده تا بجائی رسیده که با اجازه عروس، انعقاد نطفه میبایستی صورت گیرد در اینجا سئوالی پیش می آید پیش می آید که اسلام که چشم بینایش مدتها قبل از انعقاد را بنظر علمی و بهداشتی مینگرد و از بعدها نیز خبر دارد آیا دستوراتی برای مراحل قبل از انعقاد نطفه داده و میدهد؟

اسلام همانگونه که تا بحال بر خاطر خوانندگان گذشته است به ازدواج دو گونه اندیشیده یکی با کسانی سخن میگوید که بقصد ازدواج و ارضای غریزه شهوت یا بخاطر اینکه به آلودگیها دچار نشوند ازدواج کرده و از پیدایش نسل جلوگیری بعمل می آورند. دیگر کسانی میباشند که علاوه بر ازدواج قصد تشکیل خانواده دارند و خانواده بدون فرزند در همان وصلت و گوشه حجله و استمرار و دنباله آن خلاصه میگردد و در نتیجه خواهان نسل میباشند و محال است کسی که حتی همه عالم را بد میخواهد در آرزوی فرزندی صالح و شایسته نباشد و این طبع همه بشر است که دیگران را صالح میخواهند که خود آزاری نه بینند همه را راستگو میخواهند

که کسی بایشان دروغ نگوید. همه را امین که کسی دزدیشان نکند. همه را پاک چشم که اهل و عیالش را چشم چرانی نماید و در این مسئله مورد بحث هم بر فرض آنکه اگر همه عالم را بد بخواهند در مورد خودشان داوطلب فرزندان صالح و خوشبختند و در این زمینه اگر به کتابخانه ها مراجعه کرده باشید می بینید کتابهای اهدائی بکتابخانه، اخلاق و رفتار و خواسته های اشخاصی که آنرا هدیه کرده اند مشخص میسازد و اغلب کسانی که با مردم بوضع خاص دو شخصیتی رفتار کرده و اعتقادی نداشته اند تا در ظلّ عنایتش بتوانند با مردم از روی اخلاق رفتار کنند مضطربانه به خرید کتابهای متعددی در پرورش و آموزش کودک پرداخته اند باشد که اگر همه چیز و همه جا برخلاف ایمان است فرزندی صالح داشته باشند غافل از آنکه نسل صالح جز گردن نهادن بدستورات الهی و عمل به آنها نصیب نمیشود و کسیکه نسل بهتر و صالحی میخواهد قبل از انعقاد نطفه نیز باید مراقبت هائی بکند که نزد اسلام مسائش سر باآسمانها کشیده و جاء رفیع علمی دارد که در فقه اسلامی تا آنجا پیش بینی شده که اگر زن یا مرد پس از برگزاری عقد احساس کردند که پسرشان دیوانه است میتوانند این عقد نامطلوب را فسخ کنند و با سرنوشت اولاد آینده خود بازی ننمایند و این نهایت مراقبت اسلام از فرزند است (۱) و از حضرت باقر است در پاسخ مردی که گفت .... عن الرجل المسلم تعجبه المراء الحسناء ایصلح له ان یزد و جهاد هو مجنونہ؟ قال لاولکن ان کانت عنده امه مجنونہ فلا باس یطاهها و لا یطلب ولدها.

یعنی حضرت درباره مرد مسلمانی که زیبائی زنی او را به

تعجب آورده بود. آیا صلاح است با او در حالی که مجنون است ازدواج نماید. فرمودند، نه ولی اگر کنیز مجنونی داشت اشکالی ندارد آمیزش نماید ولی طلب فرزند ننماید و این میرساند که فرزند دیوانه از راه ارث پیدا کردن مطلوب اسلام نمیباشد.

هر نطفه با توجه به اینکه صفات کسب شده از راه تربیت و؟؟ و حتی شکل و شمایل را به فرزند منتقل میسازد همانگونه که اسلام دستور میدهد باید مرد در انتخاب زن توجه کند و بنابر آنچه قبلا به تفصیل شرح داده بشد زنی برگزیند که بد اخلاق و از خانواده های بی دین و فاسق و فاجر نباشد. دیوانه و مصروع و سالخورده انتخاب ننماید و زن نیز شرح دادیم که مردی انتخاب نکند بد اخلاق و بی دین و فاسق و فاجر و مخصوصا شارب الخمر که روایات متعدد متذکر آنست و علتش را که علم تازه کشف کرده است آوردم.

درست است که قانون ارث، ثابت و بدون کم و زیاد صفات را از پدران و مادران و خویشاوندان به نسل منتقل میسازند اما جهش هائی که در این زمینه شده و میشود یا بیای قانون تکامل که ثبوت ناپذیر میباشد بستگی به اقدام پدر و مادر در انتخاب غذاهائی نیز هست که باید قبل از انعقاد نطفه در سازمان بخشی آن دخالت نمایند و چگونگی آنرا شرح خواهم داد و قبل از آنکه به آن برسید بدانید پدر نمیتواند خدمتی بزرگتر برای فرزندش انجام دهد از اینکه مادر صالح برایش برگزیند و مادر نیز نخواهد توانست برای فرزندش خدمتی از آن بزرگتر انجام دهد که بعقد فاسق فاجر مخصوصا شرابخوار درنیاید.



## فساد نسل

بارها آورده شد که اسلام امتیازات نژادی و تمکن را برای ازدواج مطرود و غیر وارد دانسته و افتخار به حسب و نسب را منع نموده است و پایه و اساس ازدواج را متکی به چند چیز که ایمان از همه مهمترین است قرار میدهد اما دو قانون وراثت و تکامل را معتبر دانسته و وراثت را متغیر مشروط و تکامل را ثابت مشروط معرفی میفرماید. یعنی اسلام آنچه را غیر متغیر میدانند قانون ثابت و آنچه را غیر ثابت میدانند قانون تغییر پذیری است.

اوصاف و خصوصیات جسمی پدر و مادر به نسل منتقل میشود از رنگ و قد و جبن و شجاعت و... و همه با تغییراتی که در امنیت آفاق و انفس و سلامتی محیط و بدن روی میدهد تغییر میکنند اما تکامل بهمان مسیر الی الله المصیر و رو به خدا در پیشرفت است و مشروط بودن هر کدام انحرافات و جهش هائی است که بععلی بر آنها اثر میگذارد که شرح برخی را داده ام ولی عامل یا عوامل توجیه کننده جهش ها را از لحاظ فیزیکی هنوز شناسائی نکرده اند.

وقتی نبی گرایم میفرمایند ایاکم و خضراء الدمن و ازدواج با زنانیکه از خانواده بدکار است ممنوع میسازد یا حضرت علی در نامه ای که به مالک

اشتر مینویسد سفارش به ازدواج با افرادی از خانواده های صالح و خوش سابقه میفرماید معلوم میگردد اولیاء امور اسلام نسبت به وراثت اهمیت خاصی قائل بوده اند چه که بار گناه و ستم تغییر دهنده اوصاف و خصوصیات بوده و چه بسا از یکنفر گناه کاری که آزادی در کار احساس کرده بدون اینکه حتی خود را محرم بشناسد سبب شود نسلی چند را آلوده و گناه کار از خود بجای بگذارد و دانشمندان و روانشناسان جهان اخیرا متوجه این مسئله شده در صورتیکه قرآن عزیز ما حتی مثالی که برای اثبات مواردی بسیار مهم از مسائل دینی را نیز در بردارد ذکر فرموده است از جمله دانشمندان الکسس کارل است که می نویسد از خانواده روک **RUKE** بموجب مطالعه مقامات رسمی نیویورک ۳۳۹ فاحشه ۱۸۱ الکلیک ۱۷۰ فقیر بینوا ۱۱۸ جنایتکار و مجرم ۸۶ مدیره فاحشه خانه وجود داشته است.

خانواده هائی را نیز نشان میدهند که در رأس فردی شایسته و صالح قرار داشته و نسلهائی متوالی و چند نیکوکار و شایسته تحویل داده اند و قرآن بهترین مثال آنرا از کسیکه پدر نیکان و مقربان و در رأس آنها قرار گرفته و بهمین مناسبت شیخ الانبیایش گویند آورده است.

و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاطمه قال انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین (و آنگاه که پروردگار ابراهیم را به دستوراتی آزمود و او به اتمام رساند گفت ترا برای مردم امام گردانم گفت و از فرزندانم؟ فرمود پیمان من به ستمکاران نرسد) - البقره آیه ۱۲۴

داستان حضرت ابراهیم را همه کم و بیش میدانیم که ساره همسرش بود و تا سنین پیری فرزندی نداشتند هاجر را که ساره به او بخشیده بود پسری آورد و بعد خودش از حضرت با بشارتی که فرشتگان به او دادند

باردار شد و اسحق را آورد (سوره هود) بس معلوم میگردد درخواست حضرت خلیل پس از داشتن فرزندی بوده که مسئلت میدارد از آنها و ذریه اشان امام قرار داده شود و پروردگار میفرماید پیمان به ستمکاران نمیرسد و لذا باید درخواست حضرت خلیل بالقوه بصورت مسئلتی که به استجابت رسیده در فرزندانش نسل بعد نسل به امروز رسیده باشد آنچنانکه بتوان در برابر چنین نسلی که پیمان به آنها میرسد بتوان ایستاد و گفت کنتم نورا فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره.

از درخواست ابراهیم که معلوم میشود پس از رسیدنش به امامت برای فرزندانش تقاضا نمود و جواب شنید که عهدم به ستمکاران نمیرسد چنین برمیاید که امام شدن خودش و ذریه اش همانند نبوت برگزیدگی از طرف خداست نه از طرف خلق و نیز معلوم میگردد که قانون نوارث تغییر پذیر بوده و از بین ذریه خلیل الرحمان همه مشمول رحمت امام شدن قرار نمیگیرند و اگر در رأس خاندان شخصی نیکوکار و مقرب قرار داشت ذریه ای مقرب و نیکوکار خواهد داشت و چه بسا همانند نوح نبی فرزندی یا فرزندی غیر صالح داشته باشند اما اگر در رأس کسانی باشند که ۹۵۰ سال تبلیغ و ارشاد نوح نبی در آنها اثر نکند و لا یلد والا فاجرا کفارا بوده و جز فاجر فاسق کافر تولید مثلی است تعجب آور است.

### نسل شایسته و نسل بدآموز

سرآغاز بهداشت نسل با چنین جمله ای جلوه داشت که نسل همه چیز زندگی است و در اینجا باید در تائید آن گفت که چشم امید همه

چیز و همه کس حتی ادیان به نسل است و نمونه آن حضرت نوح اولین پیامبر اولوالعزم که چون خواست از پروردگار نابودی مردم را مسئلت دارد عنوان نسل بداندیش را پیش کشیده عرض کرد که قطع امید است و اینان که ایمان نیاورده اند جز فاجر و کافر تولید مثلی نخواهند داشت (و لا یلدوا الا فاجرا کفارا) و طوفان نوح کارشان بساخت و نسل نیامده را در تاریخ عبرت نمود.

ابراهیم خلیل مسئله داشت که پروردگار از ذریه اش پیشوایان برانگیزد دعایش مستجاب شد اما ذریه ای از او که به ستم آلوده نخواهد بود برگزیده گردید (لا ینال عهدی الظالمین) و از میان همین برگزیدگان برکت و کثرت وعده داده شد (انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر ان شائک هو الاثر).

اوضاع نگران کننده زمان نوح آنچنان بود که کنعان فرزند ان اولوالعزم بزرگوار نیز خصوصیات ما دریافت و از چهار فرزندش (سام، حسام یافت، کنعان) یکی جانشین پدر و دیگری مادر گردید و دوتای دیگر که از نوح ارثی وزنی داشتند بازبراه پدر رفتند و کنهان و مادرش و بقیه کسان جز ۷۲ من اهل ایمان همه و همه هلاک شدند (و خدا کند اکثریت با بدان نگردد که نجات دادن حتی زن و فرزند را نیز احتیاج بیشتری بعنایت پروردگار است).

زکریا نیز بلاعقب بود و فرزندى نداشت و هر کس هر چه ندارد حتی به کمترین و کوچکترین و گاهی به بدترینش راضی است اما زکریا نسل بد نمیخواهد که نسل بد بدآموزی می کند و لذا از پروردگار نسلی درخواست مینماید که برثی و برث من آل یعقوب و اجعله رب رضیا باشد از

پیامبر و آل پیامبر ارث ببرد و خدا بر آنچه به او داده شده است رضایت نامه صادر فرماید.

بجاست یک وجه از آنچه نسل شایسته را از نسل بدآموز جدا میکند بیاورم:

در همه آفرینش هر جا مشهود و معلوم است که بدآموزی وجود ندارد نه جماد بدآموزی میکند نه جماد نه حیوان - نه الکترون نه سلول نه عضو نه غدد نه بافت نه عصب نه ... هیچکدام بدآموزی ندارند.

آن جمادی که بدآموزی کرد کو؟ کی اسید بر آهن ریختند و فرمولی خلاف به شما پس داد؟ کجا فرمولی از نهاد آفرینش عوضی تجلی کرد؟ چه زمانی پروانه نقش شمع بازی کرد یا شمع مسئولیت دیگر از خود نشان داد؟ آیا دیده شد که ببر کار گوسفند کرده باشد یا گوسفند گوسفندی نکند؟ یا انار بکارند و هلو بروید؟

این تنها انسان است که میتواند مشمول خطاب انه لیس من اهلک قرار گیرد و اهلیت پیامبری با آنکه پسر پیامبر است نداشته باشد.

از نقشی و تعهدی و مسئولیتی که کنعان پسر نوح به عهده داشت عدول و بدآموزی کرد و از زمره اهلیت و خانوادگی مطرود شد.

بقراری که آورده شد نسل شایسته فرمولها را درست و مطابق فطرت نشان میدهد. لذا این نسل در اعلی درجه به مرحله تسلیم رسیده است که هیچ گونه بدآموزی از آن مشاهده نمیشود و نسل بدآموز که خلافکاریهایش چشمگیر است.

### برهنگی در خانه

بارها بحث شده است که نبی خاتم زن را (همه جای وی را) عورت نامیده اند (المرثه عوره) و بر همین مبنا و دلایل دیگر بعضی از فقهای عظام عریان بودن حتی وجه و کفین زن را اجازه نداده اند و برخی با دلایل دیگر پوشیده نبودن آنها را جایز دانسته اند.

باتکاء این مطلب که زن همه جایش عورت است یا نیست مطالبی در جلد ۱۹ آوردم که مربوط به حجاب است و جلد مذکور از هر جلد دیگر بیشتر چاپ شد و بسیار مورد تشویق مسلمانان جهان قرار گرفتم چه کتبی چه شفاهی چه تلفونی ولی بحثی در این باره آیت الله آقای حاج شیخ محمد فاضل موحدی در کتابشان که هنوز چاپ نشده دارند که به بهترین وجه ثابت کرده اند پوشاندن وجه و کفین بنظر قرآن لازم نیست و من نیز در اینجا بعنوان استدارک جلد ۱۹ آنرا باختصار ذکر مینمایم:

قبل از ورود به بحث به ذکر روایاتی درباره حجاب که به آن دست یافتم میپردازم:

از نورالشافی فی الفقه الشافعی تالیف حاجه ذریه الخرفان من المعاصرین فی مسئله الحجاب:

قال الرسول الله صلى الله عليه و آله و سلم (نصيف المرئه على رأسها خير من الدنيا و ما فيها)

نصيف یعنی روسری - کلوته - چارقد (ما يطفى الرأس) پس معنای جمله فرمایش نبی خاتم چنین میشود:

آن هنگام که پوشش سر زنی باشد ارزش آن از تمام دنیا بیشتر است (یعنی ارزش عفت از تمام ارزشهای مادی بیشتر است)

جالب آنجاست که در دعاء ندبه امام زمان به نصیف تشبیه شده اند یعنی همانگونه که نصیف اسباب شرافت زن است امام زمان اسباب شرافت جامعه مسلمین اند (.... بنفسی انت من نصيف شرف لا يساوى) و باز فرمودند حماديات النساء غض الابصار حقرا الاعراض قصر الوهازه (بارزترین درجات زنان سه چیز است پوشیدن چشم از نامحرمان تمام اندام پوشیدن از بیگانگان کم و باحیا از منزل بیرون شدن - سفینه البحار ۲-۲۹۸ از نبی خاتم) و فرمودند و القف عليهن من ابصارهن بحجابك اياهن فان شدة الحجاب القى عليهن (زنان خود را با پوشش اندام و چشم از دیدار نامحرمان بازدار که هر چه پوشیده تر باشند سعادت مندتر هستند)

و در تاریخچه نظریه های جمعیتی از آقای دکتر محمد جهانفر صفحه ۱۱ است که زنان آشور و بابل فقط آنها که شوهر داشتند و عقیف بودند حجاب داشتند.

ظاهر آیه (و لیضربن بخمرهن علی جوبهن) ناظر به ستر گردن و سینه است و نظر به آن پس از نهی ظاهر گردن زینت است (الا- ما ظهر منها) راهنمایی است به چگونگی عمل کردن به آیه (و لا- یبدین زینتهن الا- ما ظهر منها) و زدن خمر به جیب کفایت میکند بر تحقق نهی بخاطر

اینکه معمولاً - ساتر بودن پوشیدن است پس زدن خمر بر جیب کفایت میکند بر تحقق ظاهر نکردن زینت ظاهر و امکان دارد علتش این باشد که وهم اینکه سینه و گردن از زینت ظاهر می باشد رد میکنند بخاطر اینکه زنان دو طرف خمر را بر کمر میگذارند برخلاف وضع طبعیش و بخاطر همان است آن وهم مذکور پیش می آید که خدای تعالی آنرا رد کرده و بیان فرموده که باید خمر را بر جیب گذاشت و آنرا به مقتضای امر طبعیش قرار داد تا اینکه ستر امور مزبور تحقق یابد و بهر حال دلیلی بر ستر صورت در آیه نیست زیرا مفادش وجوب گذاشتن دو طرف خمار است بر جیب و آن (جیب) طرف بالای پیراهن است تا پیوسته آنچه نمایان است در سینه و گردن و اصلاً اقتضای پوشیدن صورت نمیکند بلکه استفاده نمیشود از آن اینکه پوشیدن صورت مذلول آیه (و لا یبدین زینتهن) بلکه مصداق است برای آیه (الا ما ظهر منها)

دیگر آنکه یکی از فضیلتی هند در رساله حجاب که نامش اسداء الرغاب فی مسئله الحجاب است گفته فرمایش خدا در اول آیه (و لا یبدین زینتهن....) ناظر به قرض وجود اجنبی و علم به آن نیست منتهای امر اینست که ما از خارج میدانیم عدم محدودیت حکم بنحوی که شامل وجود شیء و عدم وجود شیء میشود و بنابراین میگوئیم زبانی که آیه ناظر است به مظنه ای وجود بیننده صورت است حتی اگر به آن علم نداشته باشیم و بنابراین مانعی از ظاهر کردن صورت و کفین نیست و اما فرمایش خدای تعالی در قسمت بعدی (و لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن) در مورد شیء فرضی است که وجود بیننده و علم به آن است و بنابراین ظاهر کردن در این صورت که از آن نهی شده است استثناست و عمومیت



دارد بر ظاهر و باطن با هم پس ظاهر کردن صورت و کفین در صورت وجود بیننده از آن نهی شده است گر چه از زینت ظاهره باشند زیرا این آیه شریفه این استثناء را ندارد و ظاهرا التزام به آنچه بیان کرد در معنای آیه خیلی مشکل است بلکه ظاهر آیه آنرا نمی پذیرد و بخاطر روشن بودنش در پیوستگی معنای دو آیه و اختلافی در موردشان نیست و علت تکرار استثنای محارمی است که برای زن محارم نیست زینت غیرظاهر و در آیه آنها ظاهر نماید و استثنا نکردن زینت ظاهره در این آیه بخاطر روشن بودنش بوده است به قرینه آیه قبلی علاوه بر این روایات نیز دال بر اینکه دو جمله بیک معنی هستند و بفاصله آن روایات را نقل خواهیم کرد. جهت دیگر آنکه مراد از آیه (و لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن) چیست؟

و در آن دو احتمال است:

اول اینکه مراد زدن یا بر زمین تا معلوم شود. دوم اینکه مراد زدن پا بعضش بر بعضی دیگر تا معلوم شود. بهر حال (لیعلم) قیدی است برای نهی شده نه خود نهی و مراد از آن است که متعلق نهی خود زدن بخاطر اینکه معلوم شد پس صرف زدن منهی عنه نیست ولو برای عرض دیگری اگر چه منجر به اطلاع بر آنچه از زینت پنهان میکند میشود برای اینکه زدن برای غرض مذکور مقدمه آن است برای تحریک مردان و جلب توجهشان می باشد که دنباله اش مفسد است و از آن معلوم شد که مراد از زینت در این آیه زینت زاید بر خلقت است مانند پابند بخاطر اینکه خود آن است که زدن یا موجب اطلاع بر آن میشود.

خلاصه و نتیجه به تعبیر دیگر را توجه فرمائید:

یغضوا من ابصارهم و ... از چه چیز اجمال آورده شده است و یحفظن فروجهن هم از چه چیز اجمال آورده شده است و این دو اجمال جواب یکدیگر را میدهند یعنی این میگوید فرد جسمش را از ابصار مردها حفظ نماید و آن میگوید ابصارشان را از فروج حفظ کنند.

زن موجودی است زینتی و روایت هم داریم که کلها زینه پس الا- ما ظهر منها مقصود همه جای زن است جز صورت و کفین آری زن هم زینت است هم عورت (المرثه عوره) و اینکه غیر اولی الاربه را قرآن اشاره میفرماید دلیل بر آنکه مقصود زینت نیست بعلاوه که الا ما ظهر منها برای افرادی که در قرآن شمرده (بعولتهن، ابنائهن، امائهن و ...) نیست.

اما زینت خلقت آشکار شدنش بر زدن پاها متوقف نمیشود و بنابر این اینجا شاهد دیگری تحقق می یابد بر اینکه مراد از زینت ظاهری که در اول آیه استثنا قرار گرفته است زینت خلقت است که بر دو قسم میباشد ظاهر و باطن برای اینه زینت زائدی که آیه در ذیل منصوص آن شده است تقسیمش باخفاء و پنهان شدن و اظهار و یقین ظاهر کردن است نه به (خفاء) و (ظهور) پس روشن شد فرق بین اول آیه که استعمال آن با فعل لازم واقع شد و آخر آیه که استعمال آن با فعل متعدی و اینکه اول ناظر به زینت ذاتی است خلقتی است و دوم ناظر به زینت عرضی زائد و بدین صورت بحث در جهت دیگر روشن میشود.

اما از نظر روایات ..... (به کتاب گفته شده مراجعه شود)

بقراری که آوردم یک مطلب دیگر به جلد ۱۹ و ۲۰ که مخصوص حجاب است اضافه شد و آن اثبات با دلیلی دیگر اینکه پوشیدن وجه و کفین واجب نیست.

آنچه در کتابهای مذکورم جلب نظر میکند و تاکنون از آن دیده شده اینکه ثابت کرده ام دستور اسلام بداشتن حجاب تنها مسئله عصمتی و عفتی مطرح نبوده بلکه زیبا ماندن زن نیز در طول تاریخ مطرح است و در این باره هم مطالب علمی ذکر کردم و هم روایاتی آوردم که باز اضافه مینمایم مطالبی را که هر مسلمانی حتی در کتابهای معمولی دیده و متوجه آن نبوده و مطلب مذکور هم تائید مینماید دلیل را که حجاب علاوه بر حفظ عفت و عصمت جامعه نگهدار زیبایی زن نیز میباشد.

در کتابها خوانده اید که نبی خاتم و ائمه اطهار با تعبیرهای دیگر فرمودند فرشتگان وارد خانه ای نمیشوند که در آن باشد آلات ساز و آواز و طرب و وسائل قمار و باشد در آن خانه سگ و یا آنکه زن با سر برهنه در آن دیده شود. با توجه به اینکه در خانه کسی نباشد یا شوهرش یا محارمش باشند و سر زن برهنه باشد مؤید آنچه میباشد که آوردم یعنی اگر مقصود مسائل عفتی تنها برداشتن حجاب مترتب بود نباید شوهری را که اجازه دارد همه بدن زن را به بیند در خانه اش سر را پوشیده داشت.

با کمال تأسف و تألم باید اعتراف کرد ندرتا زنهاى باحجاب نیز در مسئله پوشاندن خود از دیگران با تشخیص های خود بجای اطاعت از فرامین خدا به اسلام ظلماتی وارد می آورند و چنانچه آمار نشان میدهد عده ای از آنها با آنکه در برابر مردان بیگانه سخت در حجابند در برابر زنان خودی و بیگانه لخت میشوند و بکلی اسلام را از یاد نبرند و توجه ندارن زنان نسبت به مردان غیر محارم تمامی اجزاء بدنشان حتی موها عورت و واجب الستر بوده و نسبت به پدر و برادر و عمو و دایی

نیز از گردن بند بیائین و از بازوبند ببالا و از خلخال که بالای مسح پاست ببالا حق کشف آنرا ندارند و حرام است زنی عورت زنی را به بیند و حتی کودکی مشاهده کند و به رساله های عملیه مراجع عظام اگر برای یک دفعه نگاه کنند می بینند هیچ مرجعی جز خودشان اجازه لخت شدن زن را در برابر زن نداده است و بدعت گزارى مزبور خاص زنان بویژه برخی از آنهاست که از مردان بیگانه سخت در حجابند ولی از مسائل حجاب چیزی نمیدانند.

برهنه شدن زن در برابر مردان بیگانه یک مسئله مد روز شده و حتی در دانمارک حق تظاهرات دسته جمعی بطور عریان نیز از قراری که روزنامه ای نوشته بود دانرد ولی استرپینیز و برهنه شدن زن در برابر مرد بتدریج یا ناگهانی جزو مشاغل غریبها درآمده است و هر کشوری برای خود قانونی دارد و اگر کودکان برخی زنان با حجاب و بی حجاب که در خانه لخت میکردند برای یکدیگر از شکل و وضع اسافل اعضای مادران و خواهران خود میتوانند با یکدیگر سخن گویند شرقیها و غریبها با پرداخت مبلغی جزئی میتوانند درباره زنان غرب مسائل مذکور را مورد بحث قرار دهند.

پدر و مادری که در برابر کودک خود ناگهان عریان ظاهر شدند و متوجه نبودند باید به فرزندشان تذکر دهند که چرا توجه نکرده و روی خود برنگردانده است تا در کودکی بفهمد جاهائی از بدن مرد و زن نیز هست که حتی اگر پدر و مادر باشند نباید به آنها نگاه کرد و در صورتیکه پدر و مادر احتمال بدهند که اگر عریان شوند کودکان آنها را خواهد دید باید از این عمل خودداری نمایند.

کودکان و دختران حداکثر از ۹ سالگی ببعد دوست ندارند اعضاء تناسلی اشان را کسی به بیند و لذا پدر نباید دختری که شناخت دارد حتی دختر خودش را لخت به بیند و یا مادر با جنین پسری به حمام برود حتی پسر خودش و این کار باید از پنج سالگی شروع شود. برهنه شدن پدر و مادر در برابر پسر عوارض بیشتری از برهنه شدن مادر برابر دخترش دارد و باز این نیز یک کار ضد اسلامی است که نزد بیشتر زنان مشرق دیده میشود که لخت شدن مادران در برابر دختران را عیب نمیدانند جز نزد آنها که متقی هستند.

مادر نباید حتی پستانش را برابر کودکانش عریان بدارد و عجیب آنست که اگر پستان مادر شیرده را کودکانش به بیند چون مورد استفاده اش که شیر دادن باشد آنها را اقناع میکند عوارض چندانی نامطلوبی ندارد و در موارد دیگر علتی جز شیر دادن برای آنها مطرح است.

### نازالی زن

برای کسانی که میبایست عنوان فوق را بشایستگی مطالعه نمایند باید به کتابهای مربوطه مراجعه نمایند ولی اشاره ای میشود که به زن نازا وقتی گویند که سه سال پس از آمیزش با مرد سالم هنوز آبستن نشده باشد.

از علل مهم نازائی انسداد لوله رحم است که قطر داخلی آنها در حدود یک چهارم یا یک دوم میلیمتر میباشد که پس از التهاب ممکن است مسدود گردد یا بعلت دیگری چون وجود غده یا مادرزادی یا ... بسته گردد و در نتیجه تخمک که باید از آن لوله عبور کرده به رحم برسد راهی پیدا

نکند و در کنار محل انسداد بمیرد حتی تنگی لوله ها نیز ممکن است سبب نازائی گردد.

برای آنکه بدانند لوله ها باز یا بسته اند قبلا گاز ایندرید کربنیک را با فشار مخصوص وارد رحم میکردند گاز رحم را پر کرده وارد لوله ها شده به درون شکم وارد میگردد اگر لوله ها مسدود یا تنگ بود بدینطریق معلوم میگردد.

ترس و اضطراب نیز ممکن است نازائی پیش آورد و تخمک گذاری را مختل سازد و حتی سبب انقباض و انسداد لوله های رحم شود و نزد چنین زنهاست که دیده میشود ناگهان پس از مدتها باردار میشوند.

تاکنون برای انسداد لوله ها کارهایی کرده اندک

بجای لوله ها از روده آدمی استفاده کرده اند.

گوشه رحم را سوراخ کرده تخمدان را وارد کرده اند تا موقع تخمگذاری تخمک در آن بیفتد.

امروز بیشتر در قلمرو جراحی پلاستیک کار میشود ولی هنوز نتیجه کاملا رضایت بخش نمیشد.

کم خونی شدید، چاقی مفرط توام با اختلال در قاعدگی، کمبود شدید ویتامین ها مخصوصا ویتامین آ، برخی مسمومیت ها یا عفونت های زمنی چون سل و سفلیس یا دگرگونی ترشحات غددی و بندرت وجود کانون های چرکی و ... نیز میتواند از جمله علل نازائی باشد.

ناگفته نماند دورانهای نیز هست که امکان بارداری نیست و نباید آنرا بحساب نازائی آورد.

دوران قبل از بلوغ یعنی زمان بچگی ولی چه بسا بسیار نادر

غده ای پیدا شود و آبستنی را امکان پذیر نماید.

شش ماه الی دو سال پس از بروز احتلام یا قاعدگی احتمال آبستن کردن و آبستن شدن کم تر است.

دوره قاعدگی از روز اول تا پنجم و دوره بعد از ۵ تا دهم است که کمتر احتمال آبستنی دارد و از ۱۰ تا ۱۷ که تقریباً سه روز قبل از تخمک گذاری (روز چهاردهم) است تا سه روز بعد از آن که دوران بارداری است و در این هفت روز بشدت احتمال رسیدن تخمک و کرمک بیکدیگر و بارداری هست از روز هفدهم تا بیست و هشتم که ظهور قاعدگی مجدد است باز احتمال آبستنی کاهش مییابد.

این را هم باید دانست اسپرمانوزئید (کرمک) مقاومتش بیشتر از اول (تخمک) است و این سه روز پس از جدا شدن از تخمدان چنانچه به کرمک نرسد میمیرد اما کرمک پس از خروج از بیضه نیمه جان و نیمه متحرک مدتها در انتظار در کنجها و زوایا میماند و اگر وارد دستگاه آمیزش زن هم بشود باز سه روز در انتظار زنده میماند.

مطلب دیگر که مربوط به اسلام است و جای شگفتی آنکه میخواندیم گناه عاشقه با زن اجنبی گناهش کمتر از دخول است و دخول گناهش کمتر از انزال اما میگفتیم چرا اسلام زن آبستن را استثنا نکرده و امروز میدانیم در دوران حاملگی باروری مجدد استثنائاً امکان دارد و باد و تخمک دو قلوهای برادر بوجود خواهد آمد و بعلاوه امکان آبستنی در دوران قاعدگی نیز ندرتاً هست.

ناگفته نماند قطع قاعدگی هم نشان قاطع آبستنی نیست و چه بسا دوران آبستنی یک یا چند مرتبه قاعدگی پیش آید. بعلاوه که خستگی کم

خونی، عدم تعادل ترشحات غددی، بیماریهای عفونی نیز ممکن است سبب قطع قاعدگی شوند. لذا علائم دیگر نیز ممکن است برای نشانی از آبستن بودن کمک نماید چون تهوع هنگام صبحانه خوردن یا پس از بیدار شدن و بی میلی بغذا و تهوع و احساس سنگینی در معده و میل زیاد به خواب، بزرگ و سفت شدن پستانها و برآمدگی نوک آن و دردناک شدن آنها و ایجاد حلقه در اطرافش و ....

در قدیم برای آزمایش عقیم و قادر بودن بکارهایی عقیده داشتند:

اگر مرد و زن هر دو آب نطفه های خود را بیای بن کاهو بریزند مرد یکی پنبج بوته و زن به پنبج بوته دیگر و در وقتیکه آفتاب بر آن کاهوها افتاده است اگر روز دیگر کاهوئی فاسد شود صاحب آن کاهو اولادش نمیشود.

بگیرند هفت دانه گندم و هفت دانه جو و هفت دانه باقلا و همه را در ظرف سفالین نمایند و بر آنها ادرار نمایند و هفت روز بگذارند هر کدام سبز نشد صاحب اولاد نخواهد شد.

مرد و زن نطفه خود بر آب ریزند اگر فرو نرفت اولاددار نمیشوند

ضمنا نوشته اند مرد یا زن اگر فلان دارو بخورد میتواند آبستن شود و از جمله:

برای مرد بگیرد بهمن سرخ و کتیرا و سقنقور و زهره گاو و زریناد و دوریخ از هر کدام دو مثقال و بساید و خولنجان یک مثقال و مروارید ناسفته و فلفل سفید و خردل سفید از هر کدام هر نیم مثقال همه را سائیده و پودر کرده با عسل مخلوط سه روز بیای حداکثر یک مثقال روزانه بخورد.

برای زن بنظافن و شیخ ارمنی از هر کدام دو درهم مروتاتریاک از



هر کدام یکدرهم فلفل سیاه شش نخود همه را سائیده با قدری پشم آغشته قبل از جماع بردارد یا مغز سر گنجشک خانگی با یک نخود بود اگر بردارد یا تخم آس و جوزبوا و ده درهم مویز سیاه در یک رطل آب انگور بجوشاند تا ثلث شود و یک قبط طنبل آمیخته سه روز پیایی استعمال نماید.

### قاعدگی بعد از زایمان

روز شروع قاعدگی را پس از زایمان نمیتوان بطور قطع معین نمود اما اگر مادر کودک خود را شیر ندهد دو ماه پس از زایمان قاعدگی شروع میشود اما اگر شیر بدهد معمولاً تا هنگامی که بچه را از شیر نگرفته قاعده نخواهد شد اما باید چنین گفت:

بیشتر زائوهائی که بچه را شیر نمیدهند قبل از سه ماهگی و آنانکه بچه را شیر میدهند پس از سه ماهگی قاعدگی پدید میآید.

حاملگی در زمان شیر دادن ده درصد است آن هم بیشتر در اواخر دوران شیر دادن یا در جریان از شیر گرفتن بچه.

اگر جلد سیزدهم را مطالعه فرموده باشید سختگیریهای مسلکها و مذهب را نسبت به زن حیض یادتان هست و فراموش نفرموده اید که از بس نزد یهود مشقت آور است زن یهودی سعی مینماید آبستن باشد تا از رنج و بلا یای قاعدی در امان نگهداشته شود.

## رحم مصنوعی

آیا بشر در آرزوی روزی است که بتواند بجای آنکه خود حمال جنین باشد همانند پرندگان چنین خود را جوجه وار در ماشین یا رحم مصنوعی پرورش دهد؟ این سئوالیست که زیاد با آرزوی بسیاری از زنان فاصله ندارد!

آنچه تاکنون توفیق حاصل شده آن است که کرمک مرد و تخمک زن را مونتاژ کرده در لوله آزمایش که ما آنرا رحم مصنوعی میگوئیم رشد دهند و دگرذیسی های آنرا تحت نظر و در کنترل داشته باشند.

در اینجا قرآن را می بینیم مطلبی دارد:

در سوره واقعه پروردگار تبارک و تعالی چند مسئله را به خود نسبت داده «انتم تزرعونه ام نحن الزارعون»، «انتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون آیا آن قوه نمو و رویش موجود در دانه را چه کسی جز خدا به او داده است و درختی که صد سال قد برکشیده از حرارت آفتاب گرفته و با یک کبریت همه را یکساعته پس میدهد چه کسی این قوه را به درخت داده است و از جمله افرایتم ما تمنون است که اگر در برابر آیات مربوط به دگرذیسی های جنین بگذاریم که میفرماید از نطفه و علقه و مضغه و .... دگرذیسی یافته است متوجه میشویم که پروردگار تنها موردی که سازمان

دهی اش را به خود نسبت داده است مرحله منی سازی و موجودیت یافتن نطفه است نه مراحل دگردیسی جنین بلکه دگردیسی های مذکور را به رخ انسانها نکشیده و نمیفرماید آیا جز خدا کیست که نطفه را علقه میسازد و علقه را منصفه بلکه به ذکر کله خلقت کفایت کرده و تنها پس از توجه علمی دادن به منی سازی میفرماید «انتم تزرعونه ام نحن الخالقون».

ناگفته نماند رشد جنین در لوله آزمایش (رحم مصنوعی) مونتازی از کرمک و تخمک (نطفه مرد و زن) است که در محیطی بی تفاوت نسبت به آنچه در مقام مقایسه به مادر میگذرد انجام میگیرد یعنی مادری که گاهی در سرور و زمانی در اندوه است و در هر دو نوبت ترشحات حاصله به جنین میرساند در لوله دگردیسی را بدون تفاوت میگذراند و در نتیجه انسانی کمتر حساس و کمتر درک سرور و اندوه کننده بوجود خواهد آورد.

### عروسی واقعی و عروسی حقیقی

واقعی آن است که هست و حقیقی آن است که باید باشد - واقعیت (بودن) و حقیقت (شدن) نزدیک به ۲/۵ سانتیمتر مکعب (میلی لیتر) منی با هر آمیزش وارد مهبل میشود که در آن حدود سیصد و ده میلیون اسپرماتوزئید وجود دارد که قریب بیست میلیونش برای هر مقاربت که بتواند باردار سازد لازم بنظر میرسد (بشرط آنکه از لحاظ قدرت و حرکت اسپرماتوزئیدهای غیرطبیعی بیش از ۲۰ درصد نباشند) اینها همه با سرعت سه میلیمتر در دقیقه بطرف زهدان حرکت مینمایند و در نتیجه بین ۶۰-۷۰ دقیقه یکی از آنها به وصال میرسد که بر همه پیشی گرفته یعنی راه را به

طرف تخمک انتخاب کرده است ولی از آنجا که جریان مانعی از قسمتهای چتری لوله های شیپوری بطرف گلوی رحم بر خلاف حرکت دارد اغلب این وصال دیرتر صورت میگیرد.

عروس واقعی و عروس حقیقی هر دو در آنجاست که همیشه یک کرمک (اسپرماتوزئید) بوصول تخمک میرسد و پرده بکر او را پاره کرده به او داخل میشود و اگر این عروسی در کار نباشد عروسی های بعدی هرگز به ثمر نمیرسد.

پاره کرده و تصرف جنس ماده همیشه با یک جنس نر صورت میگیرد و گر چه ممکن است دو کرمک وارد تخمک شود اما اولین آنها به ثمر رسیده جفتش بحساب است و اولین شوهر بلکه اولین آغوش و اولین پاره کرده پرده بکارت از یاد نرفتنی است.

## بکرزائی

بکرزائی یعنی حامله شدن جنس دوم بدون جفت، مادر بکلی با جنس اول تماس نداشته و نیافته و حامله شده و این مطلبی است که تاکنون چند نوبت گزارش شده است.

در حیوانات رده های هر چه پائین تر بکرزائی بیشتر است و در مورد بوقلمون زیاد گزارش شده و در مورد موشها نیز مقالاتی نوشته شده در مورد انسان نیز قابل وقوع است.

برخی پیدایش کیست تخمدان را مسبب میدانند که نوعی تومر خوش خیم بوده و توانسته اند موشها را بدینطریق به آبستنی وادارند ولی هیچ

کدام زایمانشان به آخر نرسیده است.

بکرزائی نزد انسان در حصار دختر آوردن تلقی میشود زیرا کرموزم مرد که نیمی از آن مرد ساز است وجود نداشته و هر چه در سازمان بخشی نسل دخالت مینماید کرموزم ایکس میباشد که در سلولهای زن واقع است.

هر چند نمیتوان حضرت مریم را در اینجا به عنوان بکرزا معرفی کرد زیرا قران قرار گرفتن وی را در برابر فرشته ای با وضع ملکوتی خاص شرح میدهد که طالبان میتوانند به سوره مریم مراجعه و در این باره مطالعه ای بنمایند اما آنچه جالب است پسر آوردن حضرت مریم است زیرا نمیتوان فرشته را جنس آدمیان حساب کرد و گفت مرد است یا زن بلکه باید پذیرفت عوامل دیگری نیز غیر از کرموزمها در پسر یا دختر شدن دخالت دارند که در همین جلد از آنها بحث شده است یا عنوان علمی دیگری باید باز کرد و صدها سال نشست تا برابر قرار گرفتن فرشته را با آدمی به قلمرو مسائل مورد بحث وارد ساخت؟

### یائسگی

بند آمدن خونریزی زنان (قاعدگی - طمث - حیض - خونریزی ماهیانه - عادت ماهیانه - نجس شدن - پاک نبودن - حالت زنانه) در همه کتابهای مربوط مورد بحث قرار گرفته است و آنرا به مختصر اشاره ای کفایت میشود

قاعدگی معمولاً بین ۱۲ تا ۵۰ سالگی طول میکشد و چون تخمدان در آن سن بالا-شروع به کاهش دادن ترشح خود کرد یائسه گی آغاز

میشود و چون ترشحات غدد با اعصاب همکاری نزدیک دارند و اینک ترشحاتی کم شده لاجرم اعتدال نباتی بهم میخورد و گر زدن و طپش قلب و عرق زیاد و نفس تنگی و عصبانیت و چه بسا فشار خون در زن پیدا میشود که ممکن است ۲ تا پنج سال ادامه داشته باشد.

یائسگی ممکن است چربی خون را زیاد کند و در نتیجه تصلب شرائین و بیماری آنفارکتوس یا بیماریهای دیگر قلبی پیش آید درد کمر - درد مفاصل - چاقی - احساسات عصبی، غمگینی، فراموشی، بی حوصلگی، تلون مزاج، سردرد، درد نیمه سر، بیخوابی ممکن است برای یائسه پیش آید.

زنهاییکه زیاد کار میکنند تقریباً دو سال زودتر از سایرین یائسه میشوند.

تخمندانها بین ۲۰-۳۵ سالگی در اوج فعالیت اند و از ۴۰ بعد قدرتشان کاهش مییابد.

ناگفته نماند تخمک گذاری که تقریباً مسبب اصلی قاعدگی است حدود ۴۵ سالگی از بین میرود و حال آنکه قاعدگی ممکن است تا ۵۰ سالگی پیش آید.

همزمان با قطع قاعدگی بنصور اینکه دوران پیری رسیده کاخ نشاط فرو میریزد و ناراحتی روانی عوارض یائسگی را شدت میدهد و عوارض مذکور عبارتند از: داغ شدن قسمتی از بدن، گر گرفتن، عرق کردن، دردهای پراکنده، سردرد، سرگیجه و ....

قطع قاعدگی گاه ناگهان است و زن تصور میکند باردار شده است زمانی ممکن است تدریجی و با اختلالات و پس از بی نظمی قاعدگی باشد.

زن باید بداند که اگر گذشت زمان یائسگی وی را مسلم داشت اما مجدد خونریزی دید مراجعه کردنش به پزشک ضروری است زیرا ممکن است ابتلائی پیش آمده باشد.

در دوران یائسگی بعلت کم شدن سوخت بدن و دردهای استخوانی بعلت نرسیدن عناصر لازم پیش می آید.

## روز تولد

دوران بارداری چهل هفته است از روز اول آخرین قاعدگی تا روز اول تولد نوزاد اما از آنچه که حدود چهارده روز طول میکشد تا نطفه زن از مرد باردار شود میتوان گفت دوران بارداری ۲۶۶ روز میباشد.

برای تعیین روز تولد به اولین روز آخرین قاعدگی هفت روز اضافه کرده و سه ماه برمیگردند یعنی از یکسال سه ماه کسر میکنند روز تعیین شده روزی است که در حوالی آن با اختلاف یک یا چند روز زایمان صورت میگیرد.

ممکن است تولد نوزاد تا روز ۳۱۰ طول بکشد که اگر خواست بیش از آن شود دردهای زایمانی را بطور مصنوعی جلو می اندازند و این در صورتی است که طفل در رحم سالم بوده باشد.

چنانچه دردهای زایمانی تا مدت دو هفته بعد از تاریخ حساب شده روز تولد به تأخیر افتد و دردهای زایمانی بطور مصنوعی بوجود نیاورند رشد سریع طفل و احتیاج وی به غذای بیشتر سبب میشود جفت فرموده و عمل تغذیه نادرست و طفل بهلاکت برسد.

## زایمان

قبل از ورود به بحث باید گفت زایمان همیشه بوسیله ماما یا پزشک انجام گرفته و میگیرد ولی اخیراً مغز الکترونی بنام MKI بوسیله ژاپونیا عرضه شد که میتواند کارهای قبل زایمان را انجام دهد. ماشین مذکور در مدت آبستنی نبض و فشار خون و تنفس و ضربان قلب و اندازه های رحم و جنین و ترکیبات ادرار و دهها علائم دگی را یادداشت میکند و جمع نموده در ضمن اگر تغییرات موضعی بوجود آید اطلاع داده تنها در وضع عمل دخالتی نمیکند.

تا سال ۱۸۵۳ میلادی که ملکه ویکتوریا هنگام زایمان شاهزاده لنوبولد از کلروفورم استفاده برد باور نمیشد که زایمان بدون درد نیز امکان دارد بعد که به خطرات ناشی از بکار بردن کلروفورم پی بردند به شیر خواب (سایه روشن) زایمان را انجام دادند که اساس آن بر تزریق مرفین و داروئی بنام هیوسین بود بمیزانی که باردار بیهوش گردد اما بعدها به خطرات این روش نیز واقف شدند. بعد عمل بیهوشی کامل و سزارین رواج یافت تا به روزی رسید که از داروهائی استفاده گردید که ناحیه لگن را بی حس میکرد و درد زایمان احساس نمیشد و مادر در حالیکه حواسش بجا بود و نوزاد خود را میدید زایمان را به پایان می رساند.



ناگفته نماند همانگونه که قبلا- آورده شد زایمان بی درد فعلا- متروک مانده زیرا بمحض بکاربرد روش مذکور درباره دامپزشکی و زایمانها بی درد حیوانات متوجه شدند که بعضی از مادرها بچه خود را شیر نمیدهند و برخی فرزند را از خود میرانند و گروهی از متولد شده ها فرار میکنند و بعد نزد انسانها نیز کمبود عاطفه احساس گردید بعلاوه سزارین ها نیز سبب شده تمام کودکانی که تحمل دردهای رحمی و فشارهای زهدانی نکرده اند تحملشان را در برابر زندگی در حداقل دیده و آنرا نیز به حداقل برسانند.

### جشنی برای دختر

مادرانی که دختر مبتلای خود را به مطب آورده و از اینکه سرخجه مبتلا- شده اظهار نگرانی مینمایند به آنها میگویم باید تبریک گفت که دخترتان به سرخجه مبتلا شده است که اگر در جریان بارداری چنین میشد امکان ابتلای جنین در کار بود.

چشم پزشک استرالیائی گرگ در یک اپیدی سرخجه برای اولین بار مشاهده کرد که بیماری اگر در ۳ ماه اول حاملگی نزد زن باردار پیدا شود ایجاد عوارضی چون کاتاراکت کودک را دچار مینماید بعد در فرانسه علاوه بر عوارض چشمی متوجه عوارض قلبی و بالاخره اختلالات مغزی گردیدند.

از جمله عجائب آفرینش توجه مادر و پدر به نوزاد است که هر چه کوچکتر باشد در مراقبتش بیشتر کوشایند و عجیب تر آنکه تا جنین در

رحم است مادر بدون آنکه خود آگاهی داشته باشد از جنین ضعیف و تازه منعقد شده در برابر بسیاری عوامل متجاسر بیشتر مراقبت نموده حالت دفاعی دارد چنانچه قبل از ماههای چهارم و پنجم ویلوزینه های جفت ماده ای ترشح مینمایند که مانع عبور عوامل بیماری زای چندی از راه خون مادر شده و اجازه عبور از جفت و رسیدن به خون بچه را نمیدهد (مثلا تربونم).

### متفرقه

برخی از قسمت ها که شاید فراموش شده باشد آورده میشود:

آمیزش نباید کرد: در حال حیض و نفاس - بدون ملاحظه قبلی - با شکم پر - بدون گفتن بسم الله - با نگاه کردن به فرج - بعد از طلوع آفتاب اول فجر تا طلوع آفتاب - از غروب تا بین رفتن شفق (تقریباً ۱/۵) ساعت کسوف و خسوف - طوفان - شبی که زلزله شده است - اول و وسط و آخر هر ماه (باستثنای اول ماه رمضان) - جائیکه دیده میشوند - رو بقبله و پشت بقبله - محتمل و شیطانی بودن - نبودن دستمال برای پاک کردن که هر کدام جدا باید داشته باشند - طرف عصر و نزدیک غروب - وسط آفتاب - بدون وضو با زن آبستن - پشت بام بدون حایل - زیر درخت میوه - بین اذان و اقامه - شب عید قربان - برهنه و عریان - در حال ایستاده - و ....

جماع ایستاده اعصاب دستگاه تناسلی را خسته کرده زود از فعالیت باز میدارد (ناتوانیهای جنسی تالیف آقای اسماعیل پور سعید)

از حضرت علی، سه چیز آشوب است. محبت زن که شمشیر شیطان

است. شراب که دام شیطان ست. و پول دوستی که تیر شیطان است. (ابواب مقدمات نکاح باب ۳ و سائل الشیعه)

از نبی اکرم: کسیکه از ترس فقر ازدواج نمیکند نسبت بخدا بدگمان شده است زیرا خدا میفرماید ازدواج کنید خدا بشما کمک میکند و ثروتمندان میسازد (من لا یحضره الفقیه صفحه ۴۱۰)

از حضرت علی: ازدواج با زن احمق پرهیزید زیرا ادامه زندگی با او بلاست و فرزندش هم بی نتیجه خواهد بود (وسائل جلد ۳ صفحه ۱۲)

از حضرت جواد: اگر خواستاری آمده و دین و اخلاقش درست بود او را رد نکنید که فساد بزرگ پدید آید (وسائل ابواب مقدمات النکاح باب ۲۸)

از حضرت باقر: زن و مرد مسلمان باید از روش علی و زهرا استفاده نمایند فاطمه در خانه علی کار داخلی میکرد چون خمیر کردن و نان پختن و نظافت و علی کارهای خارج چون هیزم آوردن و تهیه خوراک خانه و ... (باب ۶۸)

از حضرت زهراست که پدرم کار منزل به من و کار خارج را به علی سفارش میکرد فقط خدا میداند که این تقسیم چقدر مرا خرسند ساخت زیرا پدرم مرا از رنج وارد شدن در اجتماع مردان معاف داشت (باب ۸۹)

از نبی خاتم: کسیکه زن حلال را با مال حلال ازدواج کند ولی هدفش فقط خودنمایی و فخرفروشی و تظاهر باشد خدا این وصلت را مایه ذلت قرار میدهد (باب ۱۴)

از نبی خاتم: مواظب باشید زن را برای مال یا زیبایی نگیرید ثروتش او را به ناسازگاری و امیدارد و زیباییش او را به فساد و گمراهی

می اندازد بنابراین در ازدواج توجهتان به شخص دیندار باشد (باب ۱۳)

از حضرت صادق: با خاندان رسالت ازدواج کنید که روش و اخلاق آن خانواده در فرزندان اثر میگذارد (مکارم الاخلاق ۲۲۵)

از آنحضرت: موقعیکه مرد بخاطر ثروت و یا زیبایی زنی با او ازدواج کرد خدا آن مرد را گرفتار همان مال و زیبایی میکند و اگر بخاطر دینداری زن او را انتخاب کرد خدا هم به مرد مال میدهد و هم به زن زیبایی (باب ۱۴)

از نبی خاتم: کسیکه با زنی فقط بخاطر ثروتش ازدواج کند خدا او را گرفتار همان ثروت مینماید و کسی که با زنی برای زیباییش ازدواج نماید چیزی از او می بیند که ناراحت میشود و هر کس با زنی برای دینداری ازدواج کند خدا هم به او ثروت میدهد و هم بزنی زیبایی (باب ۱۴)

از آنحضرت: زن را بخاطر ثروت و یا زیباییش انتخاب نکنید ثروتش سبب یاغیگریش میشود و زیباییش او را بهلاک می اندازد و مواظب باش که زن با ایمان و دیندار انتخاب کنی (مستدرک کتاب النکاح باب ۱۳)

از حضرت صادق: اگر زنی را بخاطر ثروت و یا زیباییش انتخاب کردند نتیجه ای از او نمی برند ولی اگر بخاطر دیندار بودنش او را انتخاب کردند خدا هم به آن زن ثروت میدهد هم زیبایی (مکارم الاخلاق ۲۳۲)

وضع جنین قبل از زایمان با مغز الکترونیک تشخیص داده میشود بیماری مادرزادی یا نقص عضو داشته باشد.

از خودم: قانون نمیتوان وضع کرد که مردم چگونه فکر کنند. قانون نمیتوان وضع کرد که چه کسی پدر چه کسی باشد یعنی هر کسی مجبور است پسر پدرش باشد و مجبور است خودش درباره اندیشه هایش آزاد فکر

کند و این ارزشمندترین ارمغان الهی است که پیام دین برای بشر فرستاده شده تا بتواند مدرسه رود و بهتر فکر کند و دستورات دین را بپذیرد و فکر بهتر داشته باشد.

### مربوط به قسمت صدق و مهر

دختر رشد دارد میگوید مهر لازم ندارم و این نوعی خرید و فروش است ولی چنین نیست مهر بیشتر میشود زیرا دختر شخص ثروتمندی است این معامله بمثل است نه خرید و فروش. چنانچه صدق بیشتری داده میشود که درک علمی بالاتری دارد این همانند پول به معلم دادن است که در برابر رشد علمی بیشتر وجه بیشتری پرداخت میگردد.

عروس بخانه و شوهر بردن: عروس در حالیکه قاعده است نباید برده شود (مطلب اسلامی است)

درباره تخمک زن: ماشین هائی ساخته شده که موکوس دهانه رحم را مکیده و تخمک را در میان آنها در صورتیکه باشد نشان میدهد. مربوط به جلد ۲۱ ازدواج با خویش و بیگانه: از یکهزار و ششصد بیماری تشخیص داده شده چهل نوع بیماری موروثی قبل از تولد تشخیص داده میشود.

زهدان مادرانی که شیر به بچه خود میدهند زودتر بحال اولیه برمیگردد.

روزهای اول تولد طفل را دمر بخوابانیم میمیرد.

والسلام

پایان

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹